

# همبستگی

رایگان

نشوبه فدراسیون سراسری شوراهای پناهندگان و مهاجرین ایرانی

## زنده باد اول ماه مه



- \* ناسیونالیسم و سرود ملی
- \* خدا عاقبت دختران دم بخت را بخیر کند
- \* هنر فروش به ایرانی
- \* من ناسیونالیست نیستم، میهن پرستم!
- \* طلاق یک ننگ به حساب می‌آید
- \* عظمت عوامفریبی در لیست شیندلر
- \* جمهوری اسلامی، میزان بزرگ پناهندگان؟
- \* موسیقی اعتراض

# روز اتحاد بین المللی کارگران و مردم جهان، "سرود هر مملکتی باید برتری طلبانه باشد؟"

فرهاد بشارت

را دست در دست هم و از جان و دل می خوانیم.

"سازمانی که دم از عطوفت و مهربانی می زند و خود را حامی حقوق کودکان می داند، می خواهد که زندانیان سیاسی شکنجه و اعدام نشوند و..."

استعداد زیادی نمی خواهد تا انسان نادرستی و عوامفریبی ادعای "سیاسی نبودن و مال همه بودن" ملی گرائی و وطن پرستی، و ایضا پرچم سه رنگ و سرود "ای ایران" را ثابت کند. با اینهمه، این کار واجبی است که باید در آینده به آن پرداخت. به جنبه های دیگر نوشته وطن پرست فوق می پردازیم. اگر در لوس آنجلس خواندن این سرود برای امثال آقای یادگار فقط بهانه ای برای دور هم جمع شدن و یادای از گذشته کردن و ترک احساس موسوم به غریبی بود، ما هم مشکل زیادی نداشتیم. شاید فقط لازم بود که به ایشان و دیگر هم مسلکانش هشدار بدهیم که سرود "ای ایران" خواندن در لوس آنجلس علاج در حاشیه جامعه قرار گرفتن و منزوی ماندن در آمریکا نیست، تشدید کننده آنست. شاید فقط لازم بود به ایشان یادآور شویم که در آنجا هم انسان و انسانیت و زیبایی وجود دارد و عده بسیار زیادی از شهروندان آمریکا عمر و زندگی شان را وقف مبارزه علیه ملی گرائی و برتری طلبی آمریکائی، و کسب حقوق برابر برای امثال آقای یادگار کرده اند.

اما قربان و صلحه مرزهای پر گهر خاک پاک وطن رفتن فقط در چهار دیوار سالنهای سرود خوانی لوس آنجلس نمی ماند. نیازهای بخشی از طبقه حاکمه در زمان بحرانهای سیاسی و اقتصادی آنها را به هوس فعال کردن این حس برتری طلبی ملی و میهنی، که مورد تأیید آقای یادگار هم هست، می انلازد. این یعنی آزار و اذیت روزمره ملت دیگر و غیر هموطنان. این یعنی تفنگ دادن بدست فرزندان زحمتکشان بقیه در صفحه ۲۰

## ای ایران

ای ایران، ای مرز پرگهر،  
ای خاکت سرچشمه هنر  
دور از تو اندیشه بدان  
پاینده مانی تو جاودان

ای... دشمن از تو سنگ خاره ای، من آهنم  
جان من فدای خاک پاک میهنم  
مهر تو شد، چون پیشه ام  
دور از تو نیست، اندیشه ام  
در راه تو، کمی ارزشی دارد این جان ما  
پاینده باد خاک ایران ما

## ای آلمان

ای آلمان، ای آلمان والاتر از همه در جهان  
اگر با وحدت و برادری یگانه در مقابل گوناغیتان بایستیم  
از "ماس" تا "مسل"  
از "کچ" تا "بلت"  
ای آلمان، ای آلمان، والاتر از همه در جهان

زن آلمانی، خون آلمانی، شراب آلمانی، نوای آلمانی  
پاینده باشند در جهان، با نوای خوششان  
ما را به کار نیک تشویق نمایند  
در تمام طول زندگی

زن آلمانی، خون آلمانی، شراب آلمانی، نوای آلمانی

یکپارچگی و حق و آزادی برای سرزمین پدری، آلمان  
با قلب و جان باید همه کوشش نمایند برادروار  
یکپارچگی و حق و آزادی باشد ضامن خوشبختی برای آلمان

شکوفه شو، در پرتو این بخت نکو،  
شکوفه شو، ای سرزمین پدری، آلمان!

ملی گرائی، و ایضا وطن پرستی ناشی از آن، نسبت به مردم منتسب به ملیتها و وطنهای دیگر تبعیض آمیز، برتری طلبانه و ضدبشری است. این احساس، و رفتار فردی و جنبش سیاسی اجتماعی ناشی از آن، دهها میلیون انسان بیگانه را به کشتن داده و میدهد. ملتها و وطنها، هر زمان بر اساس منافع سیاسی و اقتصادی بخشی از طبقه سرمایه دار بوجود می آیند و محو می شوند، تجدید تعریف و باز هم تجدید تعریف می شوند. ملی گرائی جنبشی تاریخی است که با رشد سرمایه داری از اواخر قرن هجدهم تولد یافت و با مرگ سرمایه داری هم جای خود را به انسانیت و برابری انسانی خواهد داد. ملت پرستی و وطن پرستی احساساتی هستند که این جنبش و دولتها و متفکران آن هر روزه تولید کرده، و با برافراشتن پرچمهای ملی و نواختن سرودهای ضد بشری ملی و میهنی آنرا بعنوان احساسی خوب، لازم، بیگانه، موجه و طبیعی در کله صدها میلیون انسان در سراسر کره زمین می کنند.

امروز در رشت و تبریز و اصفهان و مشهد و تهران اگر از من و شما بپرسند "شما از چه قبایل و عشایری هستید؟" احساس توهین بخود می کنیم و با تمسخر، یا پرخاش، به پرسشگر یادآور خواهیم شد که قبیله گری چیزی بلوی و از آن گذشته بشریت است. امروز کمتر کسی را بتوان یافت که بیلاق و قشلاق عشایر مادر بزرگ پدرش را مرزهای پرگهر بنامد و حاضر باشد برای آن جان فنا کند. وقت آن رسیده است که بشر مترقی و مدرن در مقابل سوال "شما از چه ملیتی هستید" هم عکس العملی مشابه سوال در مورد قبیله نشان دهد.

۴ سال است که همبستگی به اشکال گوناگون تلاش کرده است که جوهر بلوی و ضدبشری و برتری طلبانه ملی گرائی و وطن پرستی را توضیح بدهد. برخی از ملی گرایان و وطن پرستان در مقابل بحثهای ما سعی کرده اند بگویند و ثابت کنند که ملت پرستی و وطن پرستی مساوی برتری طلبی نسبت به دیگران نیست. اخیرا وطن پرستی بنام منوچهر یادگار در شماره ۱۵۴ نشریه ای بنام خاوران، که در لوس آنجلس منتشر می شود، زحمت ما را در پاسخ به این قبیل ملی گرایان و وطن پرستان کم کرده است. بخشی از نوشته ایشان در مورد فئراسیون و همبستگی، بعد از چند ناسزا به من، به قرار زیر است:

تحمل آنرا ندارد که علاقمندان به آب و خاک ایران، سرزمین خود را پرگهر بنامند... آقای بشارت بیائید یکبار سرود "ای ایران" را با هم بخوانیم...

آقای بشارت، من در مورد برتری طلبانه بودن این سرود مطلبی نمی نویسم. سرود هر مملکتی باید برتری طلبانه باشد...

من در مورد شما و هم مسلکهایتان نمی دانم، اما در اینجا وقتی ما ایرانیان به هر مناسبتی دور هم جمع می شویم، فارغ از هر گونه گرایش سیاسی به یاد ایران، و بیاد آن سرزمینی که مرزهای پرگهرش، زیباترین و خاکش خاطره انگیزترین خاکهاست، ای ایران ای مرز پرگهر

# "هنر فروش به ایرانی و وظیفه خرید از ایرانی"

در حاشیه برگزاری مراسم سیزده بدر جامعه ایرانیان در لوس آنجلس

## نیکو اندیشه

سیزده بدر امسال در میان هیاهو، تبلیغات و جنجال خیل صاحبان بیزنس‌های (کسب‌های - همبستگی) خرد و کلان و خوانندگان و شومن‌های ریز و درشت ایرانی در لوس آنجلس کالیفرنیا برگزار شد و بنظر می‌آید که برگزارکنندگان آن توانستند

ایرانیان زیادی را به بازار خود و تبلیغ، عرضه و فروش کالاهای خود از خوردنی

و نوشیدنی تا معنوی و هنری جلب کرده و بازارشان را بیش از پیش رونق بخشند.

بسیاری از ایرانیان ساکن خارج که

ملتهای ملید به چهارشنبه سوری، عمو

نوروز و هفت سین و سیزده بدر و شب

یلدا بی‌اعتنا بوده و بجز خاطرات دوران

کودکی و نوجوانی و رسوم نسلهای

گذشته خود، کاری به این مراسم نداشتند

بیکیاره و طی چند سال اخیر به

برگزارکنندگان فعال این گونه مراسم در

خارج کشور تبدیل شده‌اند. چرا رسوم ملی

و میهنی در میان ایرانیان خارج از کشور

رواج و رونق پیدا کرده‌اند؟ چه چیزی

سرمایه‌داران و تجار ایرانی و گردانندگان

بیزنس‌های هنری را به فکر رسوم گذشته

و برگزاری فعالانه آن در میان جامعه

ایرانیان انداخته است؟ ایرانی‌گری و

فرهنگ و رسوم "غنی" ایرانی چه خیر و

منفعتی برای آنها دارد؟

به این سئوالات میتوان از جنبه‌های

مختلفی پاسخ داد. رواج و رونق رسوم

ملی و ایرانی‌گری در میان بخش اعظم

ایرانیان خارج کشور ابزاری برای فراموش

کردن موقعیت واقعی خود در جوامع

اروپایی و آمریکایی و فرار موقت از

موقعیت حاشیهای، تحقیر و راسیسم و

کار سیاه در شرایط بی‌تفاوتی عمومی

نسبت به مبارزه ضد راسیستی و در واقع

پناه بردن به ناسیونالیسم و ملی‌گرایی خودی در

شرایط رشد نژادپرستی و فاشیسم است.

حکمت رونق ایرانی‌گری و برگزاری رسوم فوق نزد

صاحبان سرمایه ایرانی در خارج کشور، اما، پیدا

کردن مشتریان ایرانی و ابزار مقابله با رقبای پر

زور در بازار متعلق به سرمایه‌داران پر قدرت و غیر

ایرانی حریف است. ناسیونالیسم ایرانی برای

پولداران ایرانی، ابزاری است برای جلب مشتری

ایرانی و رقابت با حریفان نیرومند غیر ایرانی در

بازار. در این بازار همه چیز عرضه می‌شود از

خدمات و کالاهای صرفا مادی تا حقوقی و معنوی.

از برنج تیلدا و چای زرین گرفته تا دفتر وکالت و تاتر ارحام صدر و روحوضی و رقص جمیل. و همه اینها زیر عنوان "فرهنگ غنی ایرانی" و برتری ایرانیان هدفش تامین منفعتهای سرمایه‌داران "خودی" تحت شعار "ایرانی از ایرانی بخر" است. حکمت شعار "ایرانی از ایرانی بخر" هم دقیقا از اینجا روشن می‌شود.

خریداران ایرانی حساب می‌کنند و ایرانیان را مصرف کنندگان خوش خرج با درآمد مناسب می‌دانند، ولی عدای از ما گاهی از معامله و بیزنس با یکدیگر پرهیز داریم! اما، ما دیر یا زود چاره‌ای جز این نخواهیم داشت که با یکدیگر معامله کنیم و هوای اقلیت خود را در این بازار پرقیب داشته باشیم چون منافع همه ما آن را می‌طلبند.

پس هر چه زودتر این سودمندی

عمومی و همگانی را درک کنیم به

سود همه ما است. ما نه تنها باید

از یکدیگر خرید کنیم بلکه مهمتر از

این باید هنر فروش به هموطنان خود

یعنی ایرانی حساس و خوش سلیقه و

پرتوقع و چانه‌زن را نیز با تمام

گرفته‌های آن یاد بگیریم و خریدار

ایرانی را عملا جنب بازار خود کنیم

چنانکه می‌بینید هدف از معامله

با یکدیگر و چگونگی تامین

مشتریان خودی و هوای اقلیت خود

را داشتن و حکمت و اهمیت "شعار

ایرانی از ایرانی بخر" در این مطلب

خیلی صریح و رک و پوست کنده

بیان شده است.

ناسیونالیسم و ایرانی‌گری ابتدا به

معنی هپروت خالص و در خلسه

شاهنامه و تاریخ ۲۵۰۰ ساله ایرانی

فرو رفتن نیست. ایرانی‌گری و رونق

رسوم آن و "فرهنگ غنی و برتری

ایرانیان" و "وحشی بودن عربها" و

"کشیف بودن افغانها" و دهها و

صدها شعار از این قبیل در طول

تاریخ منفعتهای بسیار مادی و

ملموس طبقاتی را مستقل از اندازه

و حجم سرمایه پولداران و دکانداران

ایرانی به پیش برده و جایجا کرده‌اند.

مبارزه با ناسیونالیسم و خرافات

برتری‌طلبانه و فرهنگ ملی سرشار از تحقیر و

تبعیض ایرانی، یکی از اصلی‌ترین پیش‌شرطهای

دفاع صریح و بی‌قید و شرط از ارزشهای انسانی

و اجتماعی و پیش شرط ایجاد هر نوع همبستگی

با کارگران، جنبشها و مردم مترقی در جوامع

محل سکونت ایرانیان پناهنده و مهاجر است.

این وظیفه بدلیل قدرت و نفوذ سرمایه‌داران

ایرانی و نقش و وزن قابل توجه آنان در رواج

و اشاعه ناسیونالیسم و ایرانی‌گری در میان

ایرانیان پناهنده و مهاجر ساکن آمریکا، از

اهمیت تعیین‌کننده‌ای برخوردار است.



هفته نامه "اخبار و شایعات" منتشره در لوس آنجلس در شماره ۱۲ فروردین خود در همین زمینه مطلب کوتاهی دارد که نظر به اهمیت آن از نظر ناشرین این هفته نامه، در گوشه بالای سمت راست صفحه اول درج شده است. در این مطلب آمده است:

"ما در گذشته اغلب از این شعار استفاده کرده‌ایم که "ایرانی از ایرانی بخر" که البته شعار خوبی بوده و هست. اما برای عملی شدن این شعار باید هنر فروش به ایرانی را نیز آموخت و به تازگی‌های این حرفه در غربت توجه کرد ... فرنگیها روی گروه

# جمهوری اسلامی، میزبان بزرگ پناهندگان؟

اعظم کم گویان



بقایای دهکده‌ای از شش هزار سال پیش؟ نه! یک مهمانشهر پناهندگان افغانستانی در شمس‌آباد ایران

مجموعه وضعیت فوق نشان می‌دهد که کنوانسیون ژنو و حقوق پناهندگی در معرض خطر تعرض جنی قرار دارد، و نه تنها هم اکنون در بسیاری از موارد عملاً مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرد و نقض می‌شود، بلکه احتمال الغای رسمی آن هم در آینده وجود دارد. در صورت عدم دفاع از کنوانسیون ژنو و حقوق پناهندگی، و عدم مقابله موثر با دست‌درازیهای دولتهای غربی به این حقوق انسانی، سناریوی پناهندگی چنین خواهد شد: سازمان ملل موج پناهندگی را رسماً به سمت کشورهای جهان سوم، که خود از جمله کشورهای پناهنده ساز هستند، هدایت خواهد کرد و سپس با یاری دولتهای سرکوبگر و ارجاعی این کشورها پناهندگان را به زیر تیغ دولت مربوطه پس خواهد فرستاد. تجربه دردناک پناهندگان افغانستانی در ایران به اندازه کافی گویاست.

در این میان دولتهای غربی، علاوه بر تصویب قوانین ریز و درشت و تشکیل نهادهای ویژه همکاریهای مشترک و اختصاص بودجه‌های چند صد میلیون برای جلوگیری از ورود پناهندگان و کنترل مرزها، با همکاری سازمان ملل سیاست روانه کردن پناهندگان به کشورهای آسیائی و جهان سوم را هم تجربه می‌کنند. در اواخر سال ۹۳، نمایندگان دولتهای غربی، به منظور بررسی راههای جلوگیری از ورود پناهندگان به کشورهای اروپای غربی، در اتریش کمیته‌ای تشکیل داده و اقدامات روتین مشترکی را جهت مبارزه با مساله پناهندگی در دستور گذاشته‌اند. این کمیته در نظر دارد که فعالیتهای خود، از جمله به‌کارگیری سیاست فوق، را بطور ادامه‌دار و گسترده انجام دهد.

اخیراً خانم ساداکو اوگاتا، رئیس کمیساریای عالی امور پناهندگان سازمان ملل، ضمن ارائه گزارش سالیانه این ارگان، و ضمن ابراز نگرانی از تخریب سیستم سنتی پذیرش پناهندگان در جهان، از جمهوری اسلامی به عنوان بزرگترین میزبان پناهندگان جهان یاد کرد. وی اعلام نمود که جمهوری اسلامی ایران امروزه با پذیرش میلیونها پناهنده افغانی، کرد، عرب و آذری در صدر کشورهای پناهنده پذیر قرار دارد. به راستی دنیای وارونه‌ای شده است. رؤیسی که به شهادت بسیاری از نهادهای حقوق بشر و عفو بین الملل ضد حقوق بدیهی انسانی شناخته شده، رؤیسی که به اعتبار سرکوب خونین و آزار جنسی و تبعیض ملی و مذهبی میلیونها پناهنده بوجود آورده، اکنون به عنوان بزرگترین میزبان پناهندگان در جهان مورد لطف و مرحمت قرار می‌گیرد.

این میزبان بخشنده پناهندگان، طی سالهای اخیر دست در دست سازمان ملل و اوپاشان مرتجع مجاهدین افغان، با زور و فشار و تحقیر و پرداخت مقدار کمی پول و کمک جنسی، پناهندگان افغانستانی را وادار به ترک ایران و بازگشت به زیر سرنیزه مجاهدین افغان کرده است. فقط در سال ۹۲، صدها هزار پناهنده افغانستانی با زور و تهدید این رژیم آدمکش روانه افغانستان شدند. ابراز لطف و مرحمت خانم ساداکو اوگاتا به دولت جمهوری اسلامی پیش از آن که به یک شوخی بی‌مزه، و در عین حال توهین آمیز، نزدیک باشد به یک سیاست تجربه شده، که می‌رود به سیاست رسمی هم تبدیل شود، شبیه است.

طبق گزارش سالیانه کمیساریای عالی امور پناهندگان سازمان ملل، میزبان پناهندگی در سی سال اخیر رشد صعودی داشته و از ۱/۳ میلیون نفر در سالهای ۶۰ به ۴۲/۲ میلیون نفر در سال ۹۲ رسیده است. اکنون از هر صد و سی نفر انسان، یک نفر به دلیل نقض حقوق انسانی، تبعیض، تعقیب سیاسی، آزار جنسی و عقیدتی، و جنگهای ملی، در موقعیت پناهنده قرار دارد.

پایان جنگ سرد و فروپاشی بلوک شرق، با جنگ‌ها و قتل عام‌ها و آدمکشی‌های ملی و میهنی متعاقب آن، این موج را شدیدتر کرده و انبوهی از پناهندگان را به مرزهای کشورهای غربی روانه نموده است.

طی همین دوره چهار ساله گذشته بسیاری از قوانین و نهادها و ارزش‌های سیاسی و انسانی مورد حمله بورژوازی جهانی قرار گرفته، و شرایط بیش از پیش بر پناهندگان تنگ شده است. نزاد پرستان و اوپاشان فاشیست هم، در کنار حمله رسمی دولتها و احزاب راست، حمله به حقوق پناهندگان را افزایش داده و ترور و آدم‌سوزی غیر اروپائیان را به راه انداخته‌اند. و به‌یمن این فعالیتها در اکثر کشورهای دموکراسی غرب موقعیت مناسب‌تری هم پیدا کرده‌اند.

## بیانیه ششمین نشست شورای مرکزی فداسیون درباره پناهندگان و مهاجرین افغانستانی در ایران

از سال گذشته تاکنون دهها هزار پناهنده و مهاجر افغانستانی مقیم ایران به شیوه‌ای غیرانسانی توسط جمهوری اسلامی، که از تائید کمیساریای عالی پناهندگی سازمان ملل نیز برخوردار است، از ایران اخراج شده و به جهنم جنگ داخلی در این کشور و حکومت مرتجعین اسلامی افغانستان بازگردانده شده‌اند. اکثریت قاطع پناهندگان افغانستانی در ایران، بدون آنکه از ابتدائی ترین حقوق انسانی و شهروندی برخوردار بشوند با نازلترین دستمزدها مجبور به انجام کارهای شاق برای گذران زندگی خود در ایران بوده‌اند. دولت جمهوری اسلامی ایران و ملی‌گرائی برتری طلب ایرانی در ۱۴ سال گذشته نگذاشته‌اند حتی یک روز از زندگی این ۲/۵ میلیون انسان بدون هراس و سرکوب و توهین سیری شود. ششمین اجلاس شورای مرکزی فداسیون سراسری شوراهای پناهندگان و مهاجرین ایرانی، که خرد برای برسمیت شناخته شدن حقوق کامل شهروندی برای پناهندگان و مهاجرینی که اکنون به دلایل مختلفی در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی مقیم هستند مبارزه می‌کند، تلاش برای تحقق مطالبات زیر را از جمله وظایف این فداسیون و تمام نهادهای و احزاب انساندوست و آزادیخواه و کمونیست میدانند.

۱- حق شهروندی کامل در ایران برای همه پناهندگان و مهاجرین افغانستانی مقیم ایران، بعنوان یکی از حقوق ابتدائی و انسانی آنها، باید برسمیت شناخته شود.

۲- سیاست غیرانسانی دولت جمهوری اسلامی بر علیه پناهندگان و مهاجرین افغانستانی در ایران شدیداً محکوم شود.

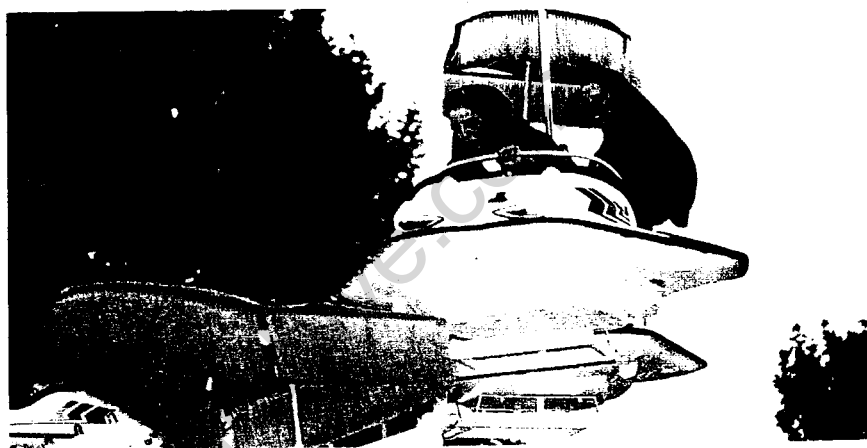
۳- اقدامات و سیاستهای سازمان ملل و دولتهای دموکراتیک اروپا و آمریکا که با حمایت‌های مادی و معنوی خود مجاهدین اسلامی را به جان مردم ستم کشیده افغانستان انداخته‌اند قویاً محکوم شود.

## نامه های زنان از ایران

مقدمه:

بنیال فراخوان کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران، اعلام کردیم که برای دفاع از حقوق زنان در ایران احتیاج داریم که از وضعیت زندگی و کار آنها، از زبان و به روایت مستقیم خودشان، اطلاع داشته باشیم. از اعضا و دوستان کمیته های کمپین، خواستیم بهر شکل و طریقی که میتوانند، چنین گزارش هایی را تهیه کنند و برایمان بفرستند. دریافت و انعکاس این گزارشات اهمیت زیادی دارد. اول بخاطر اینکه میخواهیم تریبون اعتراض زنان ایران نسبت به اسارت و بی حقوقی شان باشیم، و دوم به این دلیل که جمع آوری هرچه بیشتر چنین کیفرخواستهایی، دست ما را در افشای جامعه مردسالار و مدافعان بی حقوقی زن، پرتو میکند. در زیر برخی از این اعتراضات و شکایات را می خوانید.

هماهنگ کننده سراسری کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران  
ثریا شهابی



### خدا عاقبت دختران دم بخت را بخیر کند

نمی دانم وضعیت در کشور شما چگونه است ولی ایران پر شده از فساد و فحشا. دیگر اعتمادی به دختران و پسران نیست. خدا آخر عاقبت دختران دم بخت تمام خانه ها را به خیر کند. چون نه تفریحی است نه کار مثبتی که انجام بدهند. فقط شیک بودن و نامه پراکنی و در آخر ازدواج عجولانه و بعد از آن هم دعوا و مرافعه. شهناز، ۲۵ ساله، مادر دو بچه

اینجا زنان به چند دسته تقسیم میشوند. عده ای صبح تا شب در خانه کار میکنند، زحمت میکنند، بچه بزرگ میکنند و آخرسر هم از شوهرشان کتک میخورند، بدون هیچ دلیلی، و خم به ابرو نمی آورند. چون فکر می کنند دنیا همین است. عده ای هم کارمند هستند. از صبح تا شب در اداره و عصر تا شب در خانه جان می کنند. اما از رابطه پسر و دختر که در خارج آسان است. اینجا اینطور نیست. اگر دختری بخواهد به اخلاق و رفتار پسری پی ببرد تا ببیند برای ازدواج با او صلاحیت دارد یا نه، از چشم می افتد و دیگر یک دختر نجیب به حساب نمی آید.

اینجا دخترهایی هستند که از دیدنشان چندشم میشود. اصلا معنی خجالت را نمی فهمند. آنان می گردند و کسی را پینا می کنند که از هر لحاظ بهتر از دیگران است و آنها را به قول معروف تور می کنند. ولی دختری که تمام عمر پا را از گلیمش درازتر نکرده قسمتش بدترین مردها می شود. من از این موضوع چیزی نمی فهمم که کسی که بقبری به سر و صورت خودش رنگ و کرم مالیده که از شکل آدم خارج شده، حال و روز خوبی داشته باشه ولی پاکترین و بی آرایش ترین موجودات، در بدبختی اسیر می شوند. راستی فساد پشت چادر است و این خطرناکتر از فساد در ظاهر است.

## طلاق یک ننگ بحساب میآید!

ماجرای از آنجا شروع شد که من کلاس سوم راهنمایی بودم که با خانواده اش به خواستگاری ام آمد و بعد از رفت و آمد، من موافقت کردم و شرایط خودم را برایش گفتم. او هم قبول کرد که البته بعد از ازدواج زیر قولش زد. اخلاق خیلی بدی دارد و همیشه پی بهانه تراشی می باشد و خیلی اختلاف داشتیم و هنوز هم داریم. من چون خیلی زود بچه دار شدم تصمیم گرفتم به خاطر پسر من این زندگی را حفظ کنم و نگذارم سایه نامادری روی پسر من باشد. بعد دیگر صبرم سرآمد و تصمیم گرفتم از او جدا شوم، ولی غافل از اینکه بچه دوم ما در راه بود. وقتی به خانه پدرم به قصد جدایی رفتم با پادرمیانی دیگران به خانه خودمان برگشتم و قرار شد تا بنیال آمدن بچه دوم صبر کنم تا بلکه اخلاقش تغییر کند و زندگی خودمان را اداره کنیم. من هم خیلی کوشش کردم ولی نشد. دو روز بود که دخترم به دنیا آمده بود که دعوای ما هم بیشتر شد و به خانه پدرم برگشتم و هنوز هم طلاق نگرفته ام و بلاتکلیفم. دفعه آخر هم سربرگشتن به خانه پدرش دعوا کردیم. از من می خواهد زندگی خودمان را که چند سال زحمت کشیده ایم رها کنیم و به خانه پدرش برویم ولی من اصلا با مادرش نمی توانم کنار بیایم چون بیشتر اختلافهای زندگی ما از دخالت های بی مورد آنها سرچشمه گرفته است. خلاصه من خیلی سعی کردم تا از او جدا نشوم چون در محیطی که زندگی می کنم طلاق برای ما زن های ایرانی یک ننگ به حساب می آید.

توی این ماجرا کرم شکست چون واقعا توی زندگی شکست خوردم. حالا هم نمی دانم چرا طلاقم نمی دهد. زندگی من هم توی فرهنگ عقب افتاده خودمان اینگونه گذشته که نمی شود کاری کرد. نمی دانم چرا من هیچ یک از مشکلات زندگی خود را حتی به پدرم هم نگفته ام. هروقت خواستم حرفی بزنم از او خجالت کشیده ام و نتوانسته ام حرف دلم را بزنم. خلاصه تصمیم قطعی خودم را گرفته ام و حاضر نیستم به خانه او برگردم. نازنین ۲۱ ساله - مادر دو بچه

### کمیته دفاع از حقوق زنان ایران در ترکیه تشکیل شد

به گزارش لاله شکوفانی در تاریخ ۱۹ فوریه ۹۴ کمیته دفاع از حقوق زنان ایران در ترکیه تشکیل شد. در بخشی از اطلاعیه اعلام موجودیت این کمیته آمده است:  
تعدادی از زنان و مردان جنبش برابری طلب زنان، بمنظور ملحق شدن به کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران، کمیته دفاع از حقوق زنان ایران در ترکیه را با اهداف زیر تشکیل داده اند:  
۱- تلاش برای شناساندن شرایط زندگی زنان ایران و افشا نمودن زن آزاری سیستماتیک هر روزه جمهوری اسلامی نزد تشکلهای کارگری و افکار عمومی ترکیه،  
۲- افشا قوانین و سنتهای ارتجاعی و مذهبی و دولتی در رابطه با سرکوب و بی حقوقی زنان ایران،  
۳- فشار به جمهوری اسلامی برای جلوگیری از سرکوب و بی حقوقی زنان از طریق جلب حمایت تشکلهای کارگری و احزاب و سازمانها و مراجع آزادیخواه و مترقی ترکیه،  
۴- دفاع از حق پناهندگی سیاسی زنان گریخته از ایران،  
۵- جلب همبستگی بین المللی با زنان ایران و ...  
ما تشکیل این کمیته را به لاله شکوفانی و همه اعضا و بنیانگذاران آن تبریک گفته و برایشان آرزوی موفقیت در راه تحقق اهداف کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان ایران داریم.

## اولین سمینار کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان ایران در سوئد

— پروژه شرکت در سمینار زنان در اروپای شمالی.  
— انتشار بولتن خبری کمیته سوئد،  
— برنامه ریزی برای فعالیت دوره آینده و انتخاب پروژه ها و مسئولین آن.

در سمینار علاوه بر این مباحث، بر لزوم تفکیک کار هماهنگی کمپین بین المللی و هماهنگی فعالیت کمیته سوئد تاکید گذاشته شد و سوسن بهار مسئولیت هماهنگ کردن فعالیت های کمیته سوئد را پذیرفت. آدرس جدید کمیته سوئد و هماهنگ کننده آن، سوسن بهار، را در همین شماره همبستگی میخوانید.

این سمینار که به همت روشنگ خوشنویس با امکانات بسیار خوب برگزار گردید، اقدامی مثبت و موثر جهت نزدیکی فعالین، اعضا و دوستداران کمپین در سوئد بود. در این نشست تمام مسائل مورد نظر دستور جلسه مورد بحث و بررسی قرار گرفت. فقدان حضور هماهنگ کنندگان کمپین در کانادا، اطریش، آلمان، دانمارک و ترکیه که بیش از هر چیز ناشی از مشکلات مالی بود، بیشترین کمبود این سمینار بود.

### تویا شهابی

### آدرس تماس کمیته ها و نهادهای کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران

هماهنگ کننده سراسری: تویا شهابی

KFKI

BOX 48075

418 22 GÖTEBORG

اطریش: هماهنگ کننده، مینا احدی

A.M.

POSTFACH 27

1233 WIEN

کانادا: هماهنگ کننده، گیتی زمانی

ACRWI

P.O. BOX 139, STN. Q

TORONTO, ONT, M4T 2M1

دانمارک: هماهنگ کننده، نامید ریاضی

DEN INTERNATIONALE

KAMPAGNE FOR DEN

IRANSKE KVINDERS

RETTIGHEDER - DANMARK

TIDSSKRIFTS-CENTRET

GRIFFEN FELDSGADE 35

2200 KØBENHAVN. N

TEL: 031/35 96 10

آلمان: هماهنگ کننده، آدر سینا

TAUNUS STR. 12A

51105 KÖLN

TEL: 0221/83 02 136

سوئد: هماهنگ کننده، سوسن بهار

KFKI, c/o I.F.R.

BOX 9092

102 72 STOCKHOLM

حاصل شد. مهمترین مباحث این سمینار عبارت بودند از:

— ضرورت فراخواندن کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران و وجوه تمایز آن،

— شیوه های فعالیت و ابزار مورد نیاز برای پیشبرد کمپین.

— بررسی مختصر فعالیت تا کنونی کمپین بین المللی و فعالیت کمیته های اطریش، کانادا، سوئد، آلمان، دانمارک و ترکیه آن،

— موانع و مشکلات، نقاط ضعف و قوت.

## در تدارک چهارمین کنفرانس جهانی زن

و محافل متشکل یا افراد منفرد هستیم که تحت عنوان گروه کاری حقوق زنان/ حقوق بشر کار می کنیم و هدف اعلام شده ما در آن تلاش در جهت بهبود وضع زنان در سطح اطریش و همینطور در سطح بین المللی و جهانی است. در رابطه با برگزاری کنفرانس مقدماتی بررسی حقوق زنان در وین، ما در حال تدارک مجموعه ای از فعالیتها از جمله سخنرانی و سمینار، اعلام یک هفته آکسیون و اعتصاب، مصاحبه مطبوعاتی و غیره در اطریش هستیم. این گروه در عین حال سازمانده اصلی و ارگان کمک به زنان منفرد یا سازمانها و محافل متعددی است که خواهان شرکت در کنفرانس اروپائی بررسی مسئله زن هستند. بدینوسیله از تمام دوستان ایرانی علاقمند به شرکت در این کنفرانس، دوستان متشکل در کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران و بقیه سازمانها و ارگانهای مربوط به حقوق زنان دعوت می کنم در صورت تمایل به شرکت در این فعالیتها و یا برای کسب اطلاعات و اخبار از طریق آدرس و شماره فاکس کمیته تماس بگیرید.

### مینا احدی

## کشتار قانونی زنان در کردستان عراق را محکوم کنیم!

را بخوبی نشان میدهد. این حکومت تحت لوای سنت های رایج و فرهنگ مردم ارتجاعی ترین و ضدبشری ترین ارزشها را در جامعه نمایندگی و حفاظت می کند. قتل زنانی که حاضر به قبول احکام اسلام در زندگی اجتماعی و خانوادگی نیستند از نظر حکومت کردستان قانونی است.

طبق آخرین گزارش از تشکیلات مستقل زنان کردستان (مندرج در روزنامه Taz) بیش از ۵۰۰ زن در کردستان عراق بدلیل ناموس پرستانه و اخلاقی و مذهبی به قتل رسیده اند. این وضعیت ناامن و ترورهای وحشیانه زنان نباید با بی تفاوتی تشکیلهای رادیکال و زنان در سایر کشورها رویرو شود. ما از تمام سازمانهای زنان، نهادهای مترقی، اتحادیه های کارگری و تمام فعالین برابری زن و مرد انتظار داریم در محکومیت حکومت خودمختار بقیه در صفحه ۲۲

در ماه آوریل ۹۴ اولین سمینار کمپین بین المللی دفاع از حقوق زنان در ایران با شرکت جمعی از فعالین و دوستداران این کمپین در سوئد، برگزار شد. این سمینار که حدود ۱۰ ساعت بطول انجامید، بمنظور دستیابی فعالین این کمپین به درک مشترک از اهداف آن، شیوه های فعالیت و دورنمای کار کمیته های کمپین در کشورهای مختلف برگزار گردید. در این نشست مهمترین مسائل پیششاری کمپین و کمیته ها مورد بحث و بررسی قرار گرفت و توافق کلی در مورد موضوعات مورد بررسی

چهارمین کنفرانس جهانی بررسی حقوق زن سال آینده، ۱۹۹۵، در پکن برگزار می شود. همچنین قرار است امسال چندین کنفرانس مقدماتی در سطح جهان جهت تدارک و آمادگی برای این کنفرانس تشکیل شود. از جمله این کنفرانس های مقدماتی، کنفرانس "کمسیون اقتصادی اروپا" است که در فاصله ۱۷ تا ۲۱ اکتبر در شهر وین پایتخت اطریش برگزار می شود. کمسیون اقتصادی اروپا شامل ۵۴ کشور اروپائی، آمریکای شمالی و بخشی از آسیاست. طبعاً شرکت کنندگان در این کنفرانس اساساً نمایندگان دولتها و یا ارگانها و نهادهای پذیرفته شده در "کمسیون اقتصادی اروپا" هستند. اما موازی با این فعالیتها از مدتها قبل سازمانها و محافل متعدد زنان در صدد تدارک برای شرکت فعال در، و تاثیرگذاری بر، این کنفرانس های مقدماتی و بالاخص کنفرانس جهانی بررسی حقوق زن هستند. در حال حاضر ارگان فراگیر و سازمان های غیردولتی است که در جریان برگزاری کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین فعال بود. در وین ما ائتلافی از تعداد زیادی از گروهها

زن آزاری، آپارتاید جنسی و اعمال قوانین ارتجاعی و مذهبی و فراتر از این قتل و ترور وحشیانه زنان در کردستان عراق به امری روزمره تبدیل شده است و ضلزلن بودن یکی از بارزترین خصوصیت های حکومت خودمختار کردستان عراق است. زنان کردستان عراق در شرایط ناامنی بسر می برند. زنان زیادی صرفاً بدلیل اینکه حاضر به تحمل احکام اسلامی در چهارچوب زندگی خانوادگی نیستند در زندانها بسر می برند. ناامنی شرایط بحلی است که اغلب زنان زندانی مایل به آزادی از زندانها نیستند چرا که خارج از زندان امکان ترور آنها وجود دارد. آنان حاضرند زندانهای حکومت کردستان را علیرغم تحقیرهای هر روزه و آزارهای جنسی تحمل کنند. نگاه کوتاهی به قوانین کشتن زن در کردستان عراق چهره ضدبشری حکومت خودمختار کردستان

## از میان نامه های شما



### توهین به "فلان" کارگر هندی موقوف!

آقای فرید،

نوشته شما مندرج در همبستگی ۴۷ مطالعه شد. بدوا متاسفم از اینکه اینهمه فقر و فلاکت و جنگ و خرافه مذهبی و ستم بر زنان دنیا را فرا گرفته و شما غافل از آن همه فلاکت بر سر نام گذاری و چه نامیدن فلان تکه زمین یا آب در بحث و جدل و جنگید! این باوری کاملا ارتجاعی است که بعنوان واقعیتهای پذیرفته شده (همچون آیات تغییر ناپذیر آسمانی) بالاخره مرزهایی وجود دارد... اگر چنین است پس اسلام و نازیسم و سرمایه داری هم "در مقاطع مختلف تاریخی" (تاریخی که ننگ تاریخ بودن را با خود یکدک می کشد) در پی شمشیرکشی ها، لشکرکشی ها،

### خوزستان و اروندرود هم مانند بصره و دجله در اسارت هستند!

... دوستان فرید از هلند در شماره ۴۷ همبستگی به نقد نوشته جعفر رسا (در مورد نام خلیج) در همبستگی ۴۵ برخاسته است.

جعفر رسا حق خودش است هر طوری درست می داند پاسخ این انتقاد را بدهد. اما من هم به عنوان خواننده همبستگی و متولد شده ایران، نظرم را در مورد انتقاد آقای فرید بیان می کنم.

۱- حفظ تمامیت ارضی و حق حاکمیت ملی بر کشور خیلی تعریف بردار است. حفظ تمامیت ارضی و حق حاکمیت کی؟ این سرزمین چگونه به مالکیت و تحت کنترل این و آن درآمده است؟

با محترم شمردن حق حاکمیت ملی بر کشور می شود چند استاندارد را برای خود مسئله حق و حاکمیت تعریف کرد. مثلا کارگر ایرانی حق دارد دستمزد کمتری از کارگر ژاپنی مطالبه کند. می شود حجاب بر سر زنان کرد و به همه حقوقی که خارج از مرزهای ایران پذیرفته شده و جزو بدیهیات است، بدلیل محترم شمردن حق حاکمیت ملی ایران پشت کرد! خلاصه موضوعاتی از قبیل تمامیت ارضی و حفظ استقلال ملی، همانند تجزیه طلبی ها و جدا ساختن های ملی، اسم رمزی است که هر وقت خواستند به وسیله آن هر برابری طلبی و عدالت خواهی را در داخل کشور به بهانه در خطر بودن آن یکی سلب و سرکوب کنند و بحرانهای اقتصادی و سیاسی شان را بر دوش مردم زحمتکش بیاندازند.

با ارجاع به حق حاکمیت ملی میشود به کارگر هندی روزانه ۲ دلار داد و از او خواست مزدی معادل آنچه بابت همان کار در آمریکا می دهند مطالبه نکنند. به همان سیاق قرار است کارگران آمریکایی چشمشان را به روی کارگر برزیلی و کودکان کارگر آن طرف

گردن زدن آنها، آدم سوزیهای چند میلیونی و استثمار مستمر شبانه روزی توده های مردم توسط کله خراهی چون یاران محمد، چکمه پوشان آدلف هیتلر و سرمایه داران حی و حاضر بوجود آمده و کماکان در جریانند و... بالاخره وجود دارند.

نمیدانم منظور شما از "مهاجر ایرانی" کیست. نوشته شما مرزبانان و دولتمداران چماق بدست همه کشورهای دنیا را به وجد می آورد تا "مهاجر ایرانی"، که برای عبور از هر وجه از آن مرزها تمام هستی اش را میدهد و نهایتا هم در عراق روانی می شود یا توسط مرزبانان عبور ترکیه به جلادان اسلام تحویل داده شده یا در پاکستان زندانی شده و در پشت مرزهای محصور آن خودکشی می کند.

اگر پیرمرد ۹۰ ساله ساکن ایران سخن از حفاظت از حدود و ثغور مرزها و دست آوردهای ملی و حماسه های شاهنامه بزند چندان غیر منتظره نیست. اما برای سکنه هلند که در بیخ گوشش در آلمان و مابقی کشورها بیماران نژادپرست در دفاع از حدود و ثغور ملی و مرزهای خود، ترک و "فلان کارگر هندی" و ایرانی و کمونیست و خدایپرستش را به آتش می کشند شرم آور است که بجای مبارزه با امراض مذکور او نیز به دفاع از دست آوردهای ملی خود برخیزد. اگر گفته بودید ثروت همه خلیج و یا جزایر خلیج بجای سرازیر شدن به جیب سازندگان خمپاره، برای خالی شدن بر سر خوزستانی و کرد و

مرزشان ببینند. چون در جغرافیای آنها و تمامیت ارضی آنها چند دلاری بالاتر از برزیل بابت همان کار مزد دریافت می کنند. با استفاده از حق حاکمیت ملی میتوان از کارگر ایرانی خواست از حق تشکل و اعتصاب صرف نظر کند چون آنجا آلمان و سوئد نیست، ایران است!

واقعا مرز و تمامیت ارضی و حاکمیت ملی اسم رمز جالبی نیست؟ برای پایمال کردن حق انسانیت واحد، باید جامعه را گمراه کرد و این حق را به این ملیت و آن ملت، به این کشور و آن کشور، و به این جنسیت و آن جنسیت تقسیم کرد و یا تقلیل داد. تقدس تمامیت ارضی برای سرمایه داری این خاصیت را دارد تا حق انسان مزدبگیر را پایمال کند. ۲- ایشان می گوید اشتباه نکنید راه مقابله با تضيیقات امپریالیستها کوتاه آمدن و گذشتن از حقوق حقه یک ملت نیست، مگر شوروی در زمان جنگ جهانی دوم به عنوان یک کشور سوسیالیستی چه عملکردی در پیش گرفت؟ نبرد استالینگراد سمبل شکست ناپذیری مردم شوروی بود.

اولا نبرد استالینگراد قدری با موضوع مورد بحث فرق دارد. تازه اگر مثال شما مصداق داشته باشد مورد جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و کوچک نوعی دیگر از جنگ و مناقشه است. دولت ایران هم نوع دیگری است. من برای مثال می گویم: اگر در ایران قدرت در دست شوراهای کارگری بود، اگر کنترل جامعه در دست کارگران و شوراها بود، اگر در آن گوشه جهان سنگری به نفع منافع کل طبقه کارگر و زحمتکشان فتح شده بود، و چنین سنگری از طرف دول بورژوازی و ارتجاع منطقه مورد حمله قرار می گرفت، در آنصورت طبعا نه تنها وظیفه من و شما، بلکه وظیفه کل آزادیخواهان و کارگران جهان بود که بدفاع از آن شوراها برخیزند.

اما اگر مرزهای کنونی برایمان هیچ تقدسی ندارد بدلیل اینست که مردم را از ترس دشمن خارجی به

افغانستانی، میبایست دوستی تقدیم گرسنگان افغانستانی و عرب و هند و فارس و کرد شده و بدینطریق مانع رفتن "فلان کارگر شریف هندی به کشورهای خلیج" شود، چقدر مورد تشویق و محبت مهاجر ایرانی واقع می شدید تا حالا که حقیرانه خود را تافته جدا بافته و متفاوت از هندی و افغانستانی نامیده اید. چنانکه "در راه ایجاد صلح و دوستی بین دو ملت و در احترام متقابل و به رسمیت شناختن حقوق متقابل فلان کارگر هندی و کارگر ایرانی" چقدر مایه گذاشته و ارزش قائل شده اید؟! آفرین به صلح دوستان "با هویت و تاریخ و فرهنگ و زبان و شناسنامه ای" چون شما که از این پیش پا افتاده ترین حقیقت بزرگ تاریخی هم نا آگاهید. اتفاقا سرنوشت کارگر شریف هندی و ایرانی خیلی به یکدیگر بسته است. همانقدر که هر حرکت کوچکی از کارگری در دوره افتاده ترین گوشه هند و خلیج به سرنوشت همه کارگران جهان و از آن جمله کارگر ایرانی بسته است. کارگر و مهاجر شریف ایرانی و هندی اگر نظر و قضاوت شما رادر مورد مرز و مردمان درون مرزی مطالعه کند، مثل من، یکی از سزاترین ناسزاهای را از راهی دور و از صمیم قلب تقدیم حضورتان خواهد کرد. و بعنوان کلام آخر لازم بیادآوری است که کارگران آگاه و مبارز هر تکه ای از زمین را سرزمین خود میدانند.

**پدرام ج. لندن - کانادا**

دفاع از دشمن داخلی بسیج میکنند. بنام خطر حملات خارجی، هر آنچه سرکوب و درنده خوری است علیه مزدبگیران جامعه سازمان میدهند. مرز و تمامیت ارضی و استقلال را تقدیس می کنند تا برابری طلبی انسانی و زندگی کارگران و تشکلهایشان را نفرین کنند. من به شما می گویم: اشتباه نکنید در سنگر ملی گرایی و با شعار و ابزار وطن پرستانه نمی توان راه ایجاد صلح و دوستی بین ملتها و احترام متقابل را صاف کرد. کسی که از مکتب ملی گرایی و تعصب و افتخار پوچ وطن پرستی تغذیه می کند، بالاخره از وسط معرکه جنگهای ملی در یوگسلاوی و جمهوریهای شوروی سابق سر در خواهد آورد.

۳- سوال دیگران از جعفر رسا این است: آیا شما به عنوان یک ایرانی حاضر بودید استانی از مملکت و یا اروندرود را برای خاتمه جنگ تقدیم دولت عراق کنید؟ گاهی زمره می شود که خوزستان به یک کشور مستقل تبدیل می گردد. اگر چنین شود چه سرنوشتی برای آن پیش بینی می کنید؟ بهتر از کویت؟ بهتر از قطر؟ یا بهتر از مابقی ایران؟

اولا این سوال را باید از کسانی کرد که برای استقلال ملی و تمامیت ارضی شان روزی از یوگسلاوی و آذربایجان و ارمنستان پرچم استقلال بلند می کنند و روزی هم از عوض شدن نام خلیج فارس نگرانند.

دوما فکر می کنم راه حل جواب دادن درست به نیازمندیهای انسانی امروز در توسعه مرزها و یا تجزیه آنها نباشد. بلکه در برقراری برابری اجتماعی و از بین بردن سرمایه داری نهفته است. بعلاوه برای کسی که دل خودش را به تمامیت ارضی ایران خوش کند فعلا خوزستان و اروندرود آزاد هستند. ولی از زاویه برابری زن و مرد، از زاویه آزادیهای فردی و جمعی و از نقطه نظر رفاهیات زحمتکشان منطقه، خوزستان و اروندرود همانند بصره و دجله در اسارت هستند!

**محمد جعفری**

## من ناسیونالیست نیستم، میهن پرستم!

با عرض سلام خدمت شما گردانندگان محترم نشریه همبستگی،

در ابتدا باید بگویم که این جانب ناسیونالیست و یا کسی که ایران را برتر از کشورهای دیگر دنیا بداند نیستم.

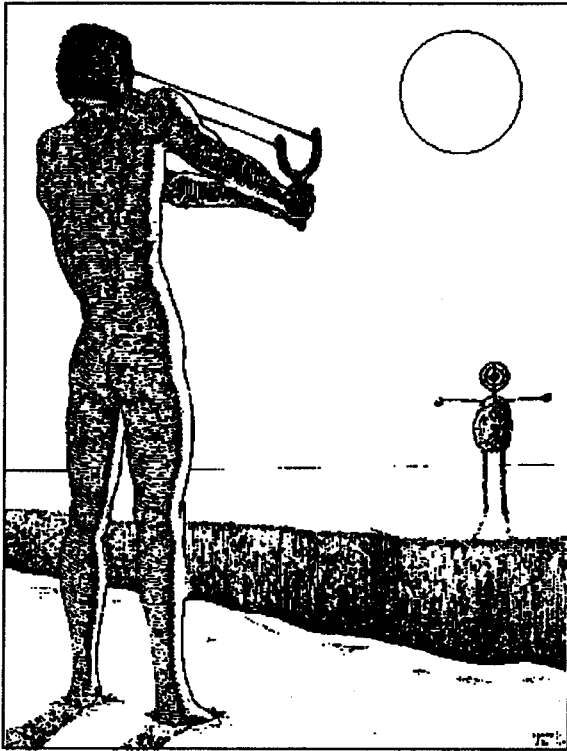
من با نظر آقای جعفر رسا در مقاله "انسانیت در محکمه ملی گرانی" مبنی بر این که حاکمیت ملی وجود ندارد، کاملاً مخالفم. ببینید دوستان عزیز، ما وقتی می گوئیم همه ایرانی هستیم، به این معنی نیست که در ایران عدالت اجتماعی و برابری زن و مرد و آزادی مذاهب و حقوق انسانی رعایت می شود. عدم رعایت اینها، ظلمهائی است که حکومتهای ایران بر ما روا داشته اند، نه دریای خزر و کوههای البرز و یا خلیج فارس. شما باید بین میهن پرستی و ناسیونالیسم بد فرق قائل شوید. چطور شما و تمام کسانی که می گوئید میهن پرستی معنائی ندارد، جانی را که در آن بلنیا آمده اید دوست ندارید، و از آوردن نام آن بر دهان هم بوحشت می آفتید، می توانید مثلاً کشور شیلی را که اصلاً ندیده اید دوست داشته باشید؟ من بعنوان یک ایرانی اگر بخواهم در کشورم عدالت و آزادی و برابری باشد، نمی توانم نسبت به نام خلیج فارس و وجود ایران بی تفاوت باشم. مثل این است که دزدی به خانه من وارد شده، اما من به تماشا نشسته ام و او هم هر چه دلش می خواهد می برد. ما اول باید خانه مان را که ایران است حفظ کنیم، تا بعد ببینیم که در این خانه چه می خواهیم بکنیم.

شما نوشته اید که جمهوری اسلامی از ناسیونالیسم استفاده کرده تا مردم را در برابر عراق

به جبهه بفرستد. دوستان گرامی، همگی ما ماهیت ضد انسانی، ضد خلقی و عقب افتاده و ارتجاعی - مذهبی این رژیم را بخوبی می شناسیم و می دانیم آن جنگ برای چه براه افتاده بود. اما بر فرض که شما حکومت را بگیرید و کشور ایده آل خود را هم بسازید، آیا اگر کشور دیگری به شما حمله کرد می گوئید بفرما خوزستان مال شما؟ یا اصلاً اسم خلیج فارس که هیچ، اسم ایران را هم عوض می کنید چون ناسیونالیستی است؟ و با دشمن دیروز همخانه می شوید؟ لطفاً نگوئید جهان وطنی، چون این چیزی جز رویا دردنیای امروز نیست.

دوستان، من از جنگ فقط بلحاظ دفاعی حمایت می کنم. اگر ایران مورد حمله قرار بگیرد باید از مرزهای آن در مقابل دشمن بیگانه دفاع کرد، نه اینکه به خاک دیگری تجاوز نمود. نمی توان این بحث را با بحث "مرزها را بزور درست کرده اند" جواب داد. چون که مرزها در

دنیای امروز واقعی هستند، و پیدا می شوند کسانی که به مرزهای میهن ما چشم دوخته اند. شما می نویسید که مرزها در طول تاریخ بزور درست شده اند. من هم قبول می کنم. ولی آیا شما می خواهید بگوئید که امروز ایران باید تجزیه شود؟ و از اسم خلیج فارس به نفع اعراب آن سوی خلیج صرف نظر شود؟ بعد چه؟ دوستان، شما نباید هر فکر و احساس میهن



پرستی را به فال بد بگیرید. چرا که شما هم مانند من نسبت به ایران و مسائل آن حساس هستید. و آرزوی بهتر شدن وضعیت مردم ایران را بطور عام و کارگران را بطور خاص دارید. امیدوارم این بحث کمکی به شما کرده باشد تا با دید بهتر و بازتری به این مسائل بنگرید. با تشکر

### داریوش ق. سوند

چرا به عنوان یک ایرانی از این حق حاکمیت ملی استفاده نمی کنید. کلام وجب از خاک ایران برای شما و میلیونها پناهنده ایرانی امن بوده تا بتوانید زندگی شرافتمندانه ای را پیش ببرید. شما از کلام حق حاکمیت حرف می زنید. اگر زندگی خود در ایران را فراموش کرده اید، لطفاً از مردم زحمتکشی که هنوز زیر حکومت سیاه جمهوری اسلامی بسر می برند، بپرسید که چگونه از این حق استفاده می کنند. اگر شما بر حسب اتفاق راحت و بدون دردسر از ایران به هلند رفتاید، لطفاً خاطرات هزاران و هزاران پناهنده که از ایران گریختند را گوش کنید که با چه فلاکتی از این مرزهای لعنتی، که شما آنها را ستایش می کنید، گذشتانند. و چه بسا هزاران نفر جان سالم بدر نبرده اند.

از آنها بپرسید که چندین روز سواره و یا پیاده صلحا خطر را بجان خریدند تا از دست رژیم جمهوری اسلامی و از دست حق به اصلاح حاکمیت خودشان جان سالم بدر ببرند.

تجربه ۷۰ ساله شوروی خیلی چیزها را روشن کرد و شما مایلید فقط از آن تقلید مرزهای جغرافیایی و سیاسی و اقتصادی بین ملتها را نتیجه بگیرید. درست عکس درس گرفتن صحیح از این تجربه

بقیه در صفحه ۲۲

دیگر ملتها نیستید. ولی در همان زمان هم با تجزیه احتمالی ایران مخالفید. برتری، برتری است. آمرانه و غیرآمرانه ندارد. اگر آمرانه نیست یعنی داوطلبانه و دوستانه است. در این شرایط دیگر برتری وجود ندارد. شما این برتری را هر گونه لینت دهید بهتر از نمونه جنگ در یوگسلاوی سابق در نمی آید.

تازه به عنوان یک ایرانی لطف کنید اسم مردمی را که با مینا و معیار شما بعنوان فارس، ترک، کرد، بلوچ، عرب و غیره از هم متفاوت هستند، نام ببرید.

و اگر لطف می کنید مرز ایران را به زمان امپراطوری پارس باز نمی گردانید، پس تا کلام جنگ فاتحانه و با رجوع به کجای تاریخ به خودتان اجازه می دهید مرز ایران را مشخص کنید. مینای شما برای رجوع به و تقلید مرز ایران چیست؟ ناگفته نماند فاشیستها و ناسیونالیستهای آلمانی درست بر مینا و ماخذ دلخواه شما و درست با همان منطق مرزهایشان را مطابق مرزهای امپراطوری پروس ترسیم کرده و می خواهند.

شما می نویسید: اما حق حاکمیت بر مرزها چیزی نیست که میراث این یا آن پادشاه باشد. بلکه مالکیت یک ملت است. جدا خنده دار است. شما

### برتری طلبی را هر طور لینت دهید بهتر از نمونه آدمکشی در یوگسلاوی در نمی آید!

آقای فرید از هلند! نامه شما در مورد خلیج را در همبستگی شماره ۲۷ خواندم.

خلیج را فارس یا عرب خواندن برایم علی السویه است. ولی میتوانم حساسیت شما را در این مورد درک کنم.

درست است، بهر حال هر مسائلی می تواند مینا و معیاری برای تصمیم گیری داشته باشد. و در این مورد مشخص، تصمیم گیری بر سر مرزهای جغرافیایی است که بین مردم کشیده شده و شما آنرا ملتها می خوانید.

شما درست در بدترین شرایط جهانی، بدترین مینا و معیار را برای تصمیم گیری در مورد مرزها انتخاب کرده اید. درست در شرایطی که فاشیسم و ناسیونالیسم از هر نوعش، کم رنگ و یا پررنگ، زیر پرچم و منطق همین مینا و معیار دلخواه شما، یعنی معیار ملی، در تمام دنیا در اولین قدم زندگی میلیونها کارگر و مردم زحمتکش را به نابودی کشانیده است.

شما بعنوان یک ایرانی خواهان برتری آمرانه بر



## دین و مذهب اسلام باعث بدبختی مردم است!

سردبیر محترم نشریه همبستگی

ضمن عرض سلام و تبریکات سال جدید، فتوکپی نامه (پاسخی به روزنامه ایرکاتیم که در مورد سمینار خانم پتی محمودی و کتاب و فیلم بدون دخترم هرگز درج شده بود) برای آن نشریه نیز ارسال میدارم تا چنانچه مناسب تشخیص داده شد آنرا (و یا قسمتی از آنرا) در نشریه همبستگی نیز بچاپ برسانید...

در ضمن فرصت را مغتنم شمرده صمیمانه تبریکات را به شما و گردانندگان آن نشریه اعلام میدارم. نشریه همبستگی تنها نشریه ایست که کاملاً بدل می نشیند و بدون رودرپایستی رک و پوست کنده حقایق را توصیف و از مستضعف پشیمانی می نماید. ایکاش بزبان انگلیسی نیز چنین نشریه ای باشد تا این غریبهها اسلام را بهتر بشناسند.

با آرزوی موفقیت روز افزون شما در افشای رژیمهای مرتجع، خانم ایکس

### نامه به روزنامه ایرکاتیم

...ابتدا نوشته اید که آیا خانم محمودی حق دارد در مورد اختناق در ایران سخن بگوید؟ در پاسخ بایست گفت که خانم محمودی با ازدواج با مرد مسلمان و ظلمی که بایشان بعنوان فرهنگ ایرانی اسلامی وارد آمده است کاملاً حق دارد تا بعنوان یک زن آزاداندیش ابراز عقیده بکند و از ظلمی که به نیمی از جمعیت کشورهای مسلمان طی قرنهای وارد آمده حرف بزند و گوشه ای از حقوق پایمال شده زنان مسلمان را به جهانیان (اگر چه بطور خیلی محدود) بشناساند. ترس از چه دارید؟ از واقعیتها؟ از اینکه احیانا فکر و ذهن زنان مسلمان تغییری بکند و احیانا بتوانند کمی احساس غرور بکنند و بعنوان یک شخص و انسان آزاده دفاع از حقوق محروم شده خود را احترام و ارج نهند؟ گفته اید پایبندی همه ما ایرانیان ناشی از

فرهنگی است که با آن بدلتیا آمده و با آن ب خاک سپرده خواهیم شد! لطفاً بفرمائید حتی اگر بقیمت پایمال نمودن حقوق نیمی از جمعیت کشورمان باشد. زنی که در اسلام حق قضاوت و حتی شهادت در محضر دادگاه را ندارد، زنی که همبستری شوهرش با صیغه های جوانتر و خوشگلتر از خودش را اگر بچشم نمی بیند ولی از ترس چماق و در اثر قرنهای شستشوی مغزی بظاهر می پذیرد! زنی که بایستی به همبستری هر مردی که پدرش صلاح بداند درآید و احساس و علاقه و نظر خود او بعنوان یک انسان نادیده گرفته شود و... زنی که مورد صدها تحقیر واقع شده و حقوقش لگدمال می شود و جرات ابراز عقیده را ندارد و چنانچه آن شهامت را داشته باشد در صورت کشف محکوم به شکنجه و غیره خواهد بود. آیا اینست آزادی زن در اسلام؟ آیا زمان آن نرسیده که بجای یکه تازی و کجروی در تاریکی قرون وسطی مواردی را در اسلام تغییر بدهند و حقوق حقه و شخصی چه مرد و چه زن را محترم و برابر بدانند! گفته اید ما در محیطی بزرگ شده ایم که فرهنگش ایرانی اسلامی است و بدان خو گرفتیم و تناور شده ایم! البته بایستی چنین نتیجه هم بگیریم چون کل اسلام ب نفع مرد شعار می دهد و از طرفی تمام قدرت و اختیار در دست مرد قرار داشته، لذا چرا خود را به نفهمی زده و از این موقعیت کمال سو استفاده را نکنیم و زن را همانند برده و موجودی بی قدرت و حقیر بحساب نیاوریم؟! گفته اید من اینجا "من" را نمی توانم پنهان بکنم و بر آن سرپوش بگذارم یا انکارکنم. کاملاً درست است ولی اگر با منطق و انصاف تمام موارد را بررسی نمائید خواهید دید که اسلام چه ضربه ای و چه زنیانی به ما مسلمانان وارد ساخته و می سازد. پس حداقل واقعیتها را بپذیرید و در اصلاح آن، نه سرپوش گذاشتن به عیوب، تلاش بکنید و سعی در گول زدن خود و سایرین ننمائید. بقول معروف ضرر را هر وقت جلویش را بگیرد منفعت است. گفته اید زن یک عروسک نمایشی نیست! آیا

### خیلی ها بعد از چند سال زندگی در کانادا از وجود همبستگی بی خبرند

دیگر آن می تواند کوتاهی در شناساندن آن به هموطنان باشد و خیلی ها بعد از چندین سال زندگی در کانادا هنوز از وجود آن اطلاعی ندارند. بهر حال منظور من از نوشتن این نامه اظهار لفتی بود که از خواندن این دو شماره بردم و اظهار قدردانی بسهم خودم از زحمات شما. همبستگی بنظم بسیار جالب بود. مطالب انتخاب شده، انگشت گذاردن روی معضلات جامعه و با دیدی موشکافانه آنها را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادن نه تنها در مورد مسائل و مشکلات کشور خودمان بلکه حتی آشکار کردن ظلم و ستمی که در خیلی از کشورهای دیکتاتوری و فاشیستی در مورد طبقات محروم و تحت ستم آن جوامع اعمال می شود و

سردبیر محترم نشریه همبستگی، فرهاد بشارت،

پس از سلام و عرض ارادت خالصانه بحضورتان و آرزوی موفقیت در پیشبرد اهداف انسانی تان در مورد پناهندگان ایرانی و غیر ایرانی، یکی از هموطنان شما هستم که مایل من. خواننده شوم. مدت پنجسال و اندکی است که ساکن اتاوا هستم و ۲ سال است سیتی زن (تبعه - همبستگی). بعد از این مدت تازه ۲ ماهیست که از وجود این نشریه مطلع شده ام و فقط شماره ۴۵ و ۴۶ آن بدستم رسیده. شاید و حتماً یکی از دلایل آن بی توجهی خودم بوده باشد و هست که ناشی از عدم اعتماد من به هر گونه جریان و جنبشی می باشد ولی علت

پوشیدن لباسهای آراسته و تمیز بودن و توالیت نمودن را بمنزله عروسک میدانید؟ یا اینکه انداختن چادر روی سر و عدم رعایت کامل بهداشت برایتان مطبوع تر است؟ شیک پوشی (نه جلف) چه ایرادی دارد؟ من یک ایرانی هستم و به فرهنگ و تاریخ (نه دین و مذهب) ایران صمیمانه عشق می ورزم و بدان افتخار می کنم ولی از دین و مذهب اسلام در عذابم و آنرا مایه بدبختی و عقب ماندگی تمام کشورهای اسلامی میدانم. رعایت آداب و رسوم هر ملتی را صد در صد تأیید کرده و آنرا همیشه تشویق کرده ام ولی تا جاتیکه و بشرطی که حقوق اساسی برابری و عدالت حتی بکنفر در اثر آن فرهنگ مورد گزند و رنجش قرار نگیرد (چه رسد به اینکه نیمی از جمعیت زیر یوغ تعصب دینی در عذاب باشند).

گفته اید آزادی زن ایرانی در چهارچوب حرمت تفکر، نجابت و آزادگی است! از کدام حرمت و تفکر و آزادگی صحبت می کنید؟ از نوع اسلامی اش؟ و یا مضحک تر از همه گفته اید زن با یکلست گهواره و با دست دیگر دنیا را تکان می دهد! جل الخالق این را دیگر بی جواب می گذارم چون برای درک آن بایستی چند تا مدرک دکتری در ادبیات و فرهنگ داشت!

هر کس میتواند در این مملکت سمیناری ترتیب بدهد حال بجای ارباب و فحاشی بهتر است عده ای از ایرانیان نیز به آن رفته و خود کاملاً آزاد بدون ترس از چاقاناران متعصب با واقعیتها و ظلم در کشورهای اسلامی روبرو شوند و اظهار نظر نمایند. آیا زمان آن نرسیده است تا با دیدی بازتر و با دلی گشاده واقعیتها را با تمام تلخی هایش بشناسیم و در اصلاح آن (نه در مصاف با حقایق) گام برداریم؟ آیا بعنوان نمونه حتی یک کشور و یا یک جزیره کوچک یا ایالتی که فرامین اسلامی در آن حکمفرماست سراغ دارید که مردم آن خوشبخت و سعادت مند باشند و راه پیشرفت و تکامل را طی نموده باشند؟ یا میخواهید تمام این تقصیرها را بگردن انگلیسی ها و روسها و آمریکایی ها و... بیانازید؟ از ماست که بر ماست! ... اگر این اسلام واقعا بهترین است چرا ملت را رها و آزاد نمی گذارد تا خود تصمیم گیرنده باشند؟ ...

بالتر از همه مواضع رادیکال و سرسختانه و بدون سازشکاری و لاس زدن یا رژیم جنایتکار حاکم بر ایران و عوامل و کارگزاران آن همه و همه نشریه شما را از بسیاری از نشریات ایرانی منتشره در خارج کشور متمایز نموده و وجود هر ایرانی میهنپرست و هر انسان آزاده غیرایرانی را نیز سرشار از گرمی و امید می نماید. وجود چنین نشریاتی و گردانندگانی چون شما که با وجود آگاهی از خطرات احتمالی از سوی رژیم باز چنین کوبنده و قاطع بر دشمن ضدخلق می تازید و بدون محافظه کاری و بطور بسیار روشن و صریح دشمن قسم خورده ملت ایران را آماج حملات خود قرار می دهید مرا واداشت تا با نوشتن این نامه سپاس قلبی خود را بیان داشته، برایتان آرزوی موفقیت بقیه در صفحه ۲۲

محمد مشکات عضو شورای مرکزی "فدراسیون سراسری شوراهای پناهندگان و مهاجرین ایرانی" و دبیر واحد این فدراسیون در شهر کاسل آلمان است. همبستگی مصاحبان با او در مورد حقوق پناهندگی، روابط دولت‌های آلمان و جمهوری اسلامی و همچنین مواعینی که در مقابل تقاضای پناهندگی او و خانواده‌اش ایجاد کرده‌اند بعمل آورده است که در زیر میخوانید.

همبستگی: چرا به آلمان آمدید؟

محمد مشکات: برای اینکه تنها راه عملی نجات از پیگرد جمهوری اسلامی فرار بود. از رادیو و تلویزیون بجرم فعالیت بنفع گروه‌های ضداسلام و به اتهام بی‌اعتقادی به انقلاب اسلامی و فعالیت موثر در شورای کارکنان رادیو و تلویزیون اخراج شدم. بعد از اینکه ممنون الخروج شدم، رابطه حزبی من کشف گردید. شش ماه به اتفاق همسر و فرزندانم در سخت‌ترین شرایط اختناق مخفی زندگی کردم و از ترس شناسائی شدن مجبور به جابجائی شبانه بودم و نهایتاً زمانیکه عرصه را

محمد مشکات:

## دولت آلمان خود را مسخره کرده است!

عده‌ای از پناهجویان با تأییدیه‌های من قبول شده‌اند، خودم نزدیک پنج سال است که منتظر جواب هستم!

برای نفس کشیدن تنگ یافتیم و مرگ را جلوی چشممان دیدیم، ناچار راه فرار را انتخاب کردم و به مهد دموکراسی یعنی آلمان آمدم. حالا می‌بینم اینجا هم یک جور دیگر امنیت ندارم و در خطر هستم. منظورم خطر رشد روزافزون راسیسم دولتی و فاشیسم خیابانی است.

همبستگی: الان پرونده پناهندگی شما در چه مرحله‌ای است؟

محمد مشکات: در مورد پرونده پناهندگی می‌شود گفت که چهار دور ماراتون شده است. از دور ماراتونی بوروکراتیک در آلمان بگذریم، میرسیم به برخورد بی تفاوت مسئولین نسبت به پناهندگان و سرنوشت آنها که نتیجه‌اش خسته شدن بعضی از پناهجویان و اقدامشان برای گرفتن پاسپورت جمهوری اسلامی است. شاید اغراق نباشد که بگویم پرونده پناهندگی من شش ماه هفتاد من شده است. اصل حکم اخراج از رادیو و تلویزیون، حکم ممنوع الخروج شدن، تأییدیه حزبی، تأییدیه‌های واحد فدراسیون در آلمان، دبیرخانه فدراسیون، حمایت کتبی کنگره چهارم فدراسیون، عکسها و مدارک مختلف فعالیت‌هایم در آلمان، امضاءهایی که در حمایت از من جمع‌آوری شده و ...، تماماً ضمیمه پرونده تقاضای پناهندگی من از دولت آلمان است. با این وجود، و بعد از ۴ سال انتظار، هنوز سرنوشت پناهندگی‌ام (من و خانواده‌ام) در خواب خفه کننده نوبت فرو رفته است و کماکان در انتظار رسیدگی در مرحله دوم یا فرجام است.

خود حلیت مفصل بخوان از این مجمل. دولتی که خود جزو مدعیان پر و پا قرص دموکراسی و رعایت حقوق انسانی است و میگوید آنهاستیکه واقعا تحت تعقیب سیاسی هستند باید از حق پناهندگی برخوردار باشند، اینقدر در قبال گفته‌هایش احساس مسئولیت می‌کند! ناگفته نماند که ماه اوت امسال، ۱۹۹۴، درست پنج سال است که منتظر روشن شدن وضعیت پناهندگیم هستم.

همبستگی: تغییرات دو سال گذشته در قوانین و سیاست‌های پناهنده‌پذیری دولت آلمان چه تأثیری در وضعیت کسانی مثل شما گذاشته است؟

محمد مشکات: نه تنها در زندگی من و خانواده‌ام تأثیر منفی داشته بلکه این یک تأثیر منفی عمومی است. بعد از فروپاشی بلوک شرق و پایان یافتن تنش‌های جنگ سرد، معانی و تعریف حقوق

و نمونه در خارج از کشور کم نیست. از ترور غلام کشاورز سخنگوی قبلی فدراسیون ما گرفته تا ترور صادق شرفکنندگی دبیر کل حزب دموکرات کردستان و رفقایش در برلین. معلوم است که دولت آلمان برای حفظ مناسبات چند میلیاردی مارکی خودش لگد به هرچه قانون پناهندگی، حقوق پناهندگی و حقوق بشر می‌زند. فکر می‌کنید دولت آلمان نپیدانست که سردهسته تروریستها فلاحیان است؟ فلاحیانی که در آلمان برایش سفره‌های رنگین پهن کردند و گوشت‌های با ذبح اسلامی جلوش گذاشتند. در عوض عرصه را برای پناهنده‌زن ایرانی چنان سخت می‌کنند که مجبور شود عکس با روسری بگیرد و یا بخاطر شرایط سخت و طولانی پذیرش تقاضای پناهندگی، به ناچار برای گرفتن اجازه اقامت، زیربار گرفتن پاسپورت جمهوری اسلامی برود. معلوم نیست آخر و عاقبت آنهاستیکه این نوع اقامت‌ها را گرفته‌اند به کجا خواهد انجامید.

ببینید، امروزه پناهنده هر روز تجاوز علنی قاضی "عادل" را به حقوق خودش می‌بیند. قاضی‌های دادگاه با شلاق جملاتی از قبیل "من قانع نشدم"، "شما نتوانستاید

دادگاه را قانع کنید"، "من شک دارم که فلان ملرک درست باشد، سرنوشت پناهجو را زیر ضرب می‌گیرند، به او جواب رد می‌دهند، در انتظارش نگه می‌دارند و امکان هر گونه برنامه ریزی برای آینده خود و فرزندان‌شان را از او می‌گیرند. پناهنده خود را در برهوتی سرگردان می‌بیند. آیا دو سال دیگر اقامتش تمدید خواهد شد یا نه، اگر قانون تغییر کند چه بر سرش می‌آید و هزاران سؤال دیگر. ما در شورای پناهندگان و مهاجرین ایرانی در شهر کاسل با برپائی جلسات اطلاعاتی، پناهندگان را متوجه وخامت اوضاع کرده و با دادن مشاوره حقوقی و عمومی باعث قبولی تقاضای پناهندگی برخی از پناهجویان شده‌ایم. من بارها در پیام‌هایم تروریسم جمهوری اسلامی و همگامی با این تروریسم را شلیدا مورد انتقاد قرار داده و دولت آلمان را موظف به رعایت حقوق انسانی پناهندگان اعلام داشته‌ام.

همبستگی: آیا شما در آلمان فعالیتی علیه این بند و بستهای سیاسی و اقتصادی دو دولت و بخصوص جمهوری اسلامی داشته‌اید؟

محمد مشکات: من از ایران خارج شده‌ام، اما یادم نرفته و نمی‌رود مردم در ایران در چه وضع زندگی می‌کنند. از بلو ورود به آلمان علیه جمهوری اسلامی شروع به فعالیت کردم. عضویت در فدراسیون، فعالیت در آلمان و شهر کاسل. امروز موقعیت سیاسی من برای همه روشن است و در ظرفیت دبیر شورای کاسل برای عده‌ای تأییدیه

بشر و پناهندگی و پناهنده‌پذیری روز بروز دچار تغییر، به ضرر همان بشر، شده‌است. توجه بیشتر به این معطوف گردیده که هر چه بیشتر به کنوانسیون ژنو حمله شود و محتوای آنرا متعلق به زمان خاص گذشته نمایند، که ما نمونه‌اش را در هر چه سخت شدن شرایط پذیرش پناهنده در کشورهای مختلف شاهدیم و هر روز اخبار محدودتر شدن تعداد پناهنده پذیرفته شده را در روزنامه‌ها می‌خوانیم و در داخل هم شرایط برای پناهجویان و پناهندگان روز بروز سخت تر و محدودتر میشود. از کم کردن حداقل کمک غذایی و هزینه رفت و آمد و فرصتهای اشتغال و تحصیل برای پناهنده گرفته تا بی‌امنیتی جانی پناهنده، همه و همه تجاوزات روشن و علنی دولتهای دموکراتیک را نسبت به قوانین پناهندگی و در نهایت به حیات و حرمت بشری نشان میدهد.

همبستگی: مناسبات دولت آلمان با جمهوری اسلامی چه تأثیر خاصی بر پناهجویان ایرانی می‌گذارد؟

محمد مشکات: اول بگویم که هر گونه رابطه داشتن با جمهوری اسلامی از نظر من محکوم و مردود است. با این رژیم آدمکش رابطه برقرار کردن عملاً از تروریسم آن حمایت کردن است. و اما مناسبات دولت آلمان با رژیم تروریستی جمهوری اسلامی یعنی بازگذاشتن دست کثیف آدمکشان جمهوری اسلامی برای ترور هر چه بیشتر آزادیخواهان و شخصیت‌های اپوزیسیون آن. شاهد

# اول ماه مه: هرگز مباد آلمان!

جریانات شدید ناسیونالیستی نظیر PKK (حزب سوسیالیست کارگران کردستان ترکیه)، مسلمانان متعصب، و یا ترکها، در گرمیادداشت انسانهای قربانی شده واقعه زولینگن "عمق ضدیت" خود را با ناسیونالیسم به همگان نشان دادند. پس از آن، و بدتر از همه زد و خورد در میان کردها و ترکها است که به سیمای همیشگی هر تظاهرات جریانات "چپ" در برلین تبدیل شده است. احتیاجی به نقد سیاسی بسیار عمیق این ناسیونالیسم نیست. این را احساسات مردمی که شاهد حرکات ناسیونالیستی هستند نشان می دهد، و این دلیل اصلی عدم شرکت مردم در تظاهرات اول ماه مه ۹۴ بود.

شاید چند سال قبل لازم و ضروری بود که جریانی کمونیست به نقد عمیق پوپولیسم بنشینند، آنچه که امروز اتفاق می افتد اما، حرکات واقعی جریانات سیاسی ناسیونالیست و استفاده آنها از فضای ضد ناسیونالیستی حاکم بوده و هست. خود را بجای ناظری بگذارید که امروز این شعارها را بدون لحظه ای تأمل یکی پس از دیگری می شنود: هرگز مباد آلمان، طبقه کارگر سرزمین مادری ندارد، زنده باد کردستان، زنده باد پرو، ترکیه ترکیه، و بعد سرودی از طرف خواننده مشهور کرد شوان در تمجید از کردستان!

بی شک ناظر ما، علیرغم آن دو شعار اول، به این نتیجه می رسد که ظاهراً پرولتاریا سرزمینی دارد، و با دیدن پرچم الله اکبر و شمشیر علی هم حتماً فکر می کند که مذهبی، و از همه جالبتر شمشیر دولبه ای هم در کار است.

چنین ناظری قطعاً به شعار NIE WIEDER DEUTSCHLAND خواهد خندید. پس کنار می کشد و شرکت نمی کند. این واقعیت قضیه در اول ماه مه ۹۴ برلین بود.

## بهرام مدرسی

### NIE WIEDER DEUTSCHLAND

مباد آلمان، شعاری است که طبق معمول هر سال، تظاهرات اول ماه مه ۹۴ در شهر برلین با آن آغاز شد. تعداد کم شرکت کنندگان در تظاهرات امسال، که توسط جریانات چپ و آلترناتیو فراخوانده شده بود، همگان را متعجب کرد. رئیس پلیس برلین شخصاً این را موفقیتی برای خود قلمداد کرد. و از بلندگوی اعلام تظاهرات بارها از مردم خواهش کرد که در این تظاهرات شرکت کنند.

می توان خود را بجای رئیس پلیس برلین گذاشت و نقشه دقیق و برنامه ریزی شده پلیس را دلیل عدم موفقیت تظاهرات دانست. می توان خود را بجای جریان مائونیست اعلام کننده و دعوت کننده تظاهرات نهاد و "توده های خروشان را خاموش یافت". اما آنچه که بواقع "گیش و مات" اول ماه مه ۹۴ را سبب شد هیچ کدام از اینها نبود، بلکه مطالبات سیاسی جریانی بود که در طی سالهای اخیر خود را در ضللت با فاشیسم و ناسیونالیسم در آلمان بسیار هم فعال نشان داده است.

### NIE WIEDER DEUTSCHLAND

مباد آلمان، درست، اما چرا نه NIE WIEDER NATIONALISMUS هرگز مباد ناسیونالیسم؟ این عمق تناقض تفکری است که تا امروز اعلام کننده تظاهراتهای اول ماه مه بوده است.

آنها "هرگز مباد آلمان" را گفتند و پرچم الله اکبر را برافراشتند، آنها "هرگز مباد آلمان" را گفتند و پرچم ترکیه را برافراشتند، و از همه جالبتر شمشیر علی هم سر از پرچمی در آورد که پس از این شعار برافراشته شد.

دادهام و آنها با اتکاء به نامهای من پناهندگی شان را گرفته اند! می بینید که دنیای مضحکی است: کوزه گر واقعا هم از کوزه شکسته آب می خورد، البته با اجبار دموکراسی! همیشه در پیامهاییکه به مناسبتهای مختلف نوشته و خواندهام، صدایم را علیه هر نوع ضد و بند سیاسی و اقتصادی دولت آلمان با دولت جمهوری اسلامی بلند کردهام و دولت آلمان را یخاطر نقض حقوق پناهندگی و حرکت در مسیر آن محکوم کرده ام.

همبستگی: برای پیگیری پرونده تان چکار می خواهید بکنید؟

محمد مشکات: برای نجات خود و خانوادهام و گرفتن حق مسلمانان تلاش کرده و خواهم کرد. اما مسئله پرونده پناهندگی من فقط یک امر شخصی و خانوادگی نیست. من آدم سیاسی هستم و در قبال همه پناهنجویان شریف ایرانی مسئول هستم. مسئول هستم که به مردم آلمان و دنیا نشان بدهم که تامین منافع اقتصادی و سیاسی دولت و طبقه حاکمه آلمان متضمن چه زشت کاریهای مضحکی شده است. دفاع از کنوانسیون ژنو مطرح است و نه فقط من و خانوادهام. فدراسیون اهمیت سیاسی و عمومی این پرونده را میدانند و در آخرین اجلاس شورای مرکزی آن قراری به این منظور تصویب کرده است که امیلوارم تمام مسئولین واحدهای فدراسیون پیگیری مفاد این قرار را نه صرفاً به لحاظ محبت شخصی به من، بلکه به لحاظ تعهد سیاسی که همگی نسبت به حمایت از پناهندگان و کنوانسیون ژنو داریم، جزو اولویتهای کارشان قرار بدهند. من سرنوشت را گره خورده با سرنوشت پناهنده در ترکیه، در رمادیه عراق، در پاکستان و در اقصاء نقاط این جهان می بینم که چشم به حرکات اعتراضی ما در دفاع از سرنوشت انسانی اش دوخته است. دفاع از حقوق پناهنده و آواره باید تا خود روزی که نکبت نظام ضدبشری سرمایه داری، با همه مرزهای ملی و میهنی اش، از سر انسان و انسانیت کنار زده شود، ادامه یابد.

کمپین دفاع از حق پناهندگی محمد مشکات

از همه دوستان و سازمانهای آزادیخواه و مدافع حقوق پناهندگی که مایلند به کمپین دفاع از حق پناهندگی محمد مشکات و خانواده اش بپیوندند خواهش می کنیم که نامه های اعتراضی و پشتیبانی خود را به آدرس زیر ارسال کنند. پس از به نتیجه رسیدن این کمپین اسامی همه اشخاص و نهادهاییکه در این کمپین شوکت داشته اند را در همبستگی اعلام خواهیم کرد.

فرهاد بشارت

آدرس:

I.F.R,  
MOMBACHER STR. 13-12  
34127 KASSEL,  
GERMANY

## یک خبر خوش:

### خانواده آرسانی اجازه اقامت گرفتند!

در شماره ۴۵ همبستگی مصاحبه ای با آقای ناصر آرسانی داشتیم. او و خانواده اش نمونه ای از هزاران پناهنده ایرانی هستند که درخواست پناهندگی شان بی جهت از دولت سوئد پاسخ منفی گرفته و مجبور به زندگی مخفی در آن کشور شده اند. ما در همان شماره همبستگی مورد خانواده آرسانی را بعنوان یک نمونه از نقض آشکار کنوانسیون ژنو توسط دولت سوئد اعلام کرده و دفاع از حق پناهندگی این خانواده را جزو اولویتهای این فدراسیون قرار دادیم. اکنون خوشحالیم به اطلاع خوانندگان همبستگی برسانیم که بعد از یک کمپین موثر بالاخره خانواده آرسانی اجازه اقامت گرفتند و در سوئد ماندگار شدند.

چندین مصاحبه با رادیوهای مستقل و رادیوی دولتی پرتواک، مصاحبه با روزنامه پرتیراژ "داگنز نیتر" و مجله همبستگی، ارسال نامه های اعتراضی از جانب مسئولین واحدهای فدراسیون و همچنین بعضی اشخاص آزادیخواه دیگر و بالاخره تلاشهای حقوقی از طریق سوسن بهار و هانس بردبری، وکیل خانواده آرسانی، وجوه مختلف این کمپین را تشکیل می دادند.

این موفقیت را به خانواده آرسانی و همه کسانی که در این کمپین به اشکال مختلف از آنها پشتیبانی کردند تبریک می گوئیم. خانواده آرسانی از ما خواستند که از طریق همبستگی تشکر و سپاسگزاری آنها را از همه عزیزانی که در دوره سخت زندگی مخفی از آنان حمایت کرده و موجب موفقیت تلاش آنها برای گرفتن اجازه اقامت شده اند اعلام کنیم. دبیرخانه فدراسیون

# NIRVANA بدون کورت کوین

من آنقدر از زندگی عصبانی هستم که موزیک هم کمکی به من نمی‌کند!

## امیر سندیان

جنازه کورت کوین، گوینده جمله فوق، ۲۶ ساله و خواننده بزرگترین گروه ROCK AND ROLL دهه اخیر که به NIRVANA شهرت دارد، در خانه ای در سیاتل آمریکا پیدا شد.

خبر خودکشی یک هنرمند، هر چقدر بزرگ، در دنیایی که روزانه هزاران نفر از فرط ناچاری به خودکشی روی می‌آورند، به خودی خود نمی‌باید خبر خاصی تلقی گردد. اما خبر مرگ کورت کوین، خبر مرگ کسی بود که سالها جایش در دنیای موزیک، موزیک خلاف جریان، خالی بود.

کورت کوین در سال ۱۹۸۵ با انتشار اولین آلبوم خود UNDER SOUND (موزیک زیر زمینی و مخفی)، به آشنای عموم تبدیل شد. ROCK اعتراضی و آکترناتیو NIRVANA، صدای نسلی بود که از بیکاری و بی خانمانی و انهدام محیط زیست و روابط غیر انسانی حاکم در جوامع انسانی به تنگ آمده بود.

کورت، صدای نسل X بود. نسلی که صاحبان افکار عمومی سالها پیش با مرگ جان لنون، جان موریسون، و جیمی هندریکس، پایانش را اعلام کرده بودند. برخی از رسانه‌های بی‌پروای بورژوازی حتی خوشحالی هیستریک خود را هم پنهان نکردند. روزنامه مرتجع آلمانی SÜD DEUTSCHE ZEITUNG یک روز پس از این اتفاق نوشت: "بر خلاف تصور عموم مرگ کورت کوین نه زود، بلکه خیلی دیر اتفاق افتاد. کورت خواننده نسلی بود که سالها پیش مرده بود. با مرگ کورت کوین، ROCK AND ROLL به پایان خود رسید."

کورت، که به هروئین اعتیاد داشت و دچار معده درد شدیدی هم بود، توانسته بود همراه با گروهش با نشان دادن موقعیت سرطانی جامعه در مدت کوتاهی به یکی از محبوبترین گروههای

ROCK دهه اخیر تبدیل شود. کورت خواننده نسلی بود که تصویر وحشتناک دنیای بیرون از خود را با عصیان در ناامیدی و سرگردانی مطلق، و ناامیدی و سرگردانی را با وهم و هذیان، و این همه را با شورشی بدون هدف به بیرون پرتاب می‌کرد.

کورت، ضد روزمره، ضد بت، ضد نظم و با همه اینها نهیلیست و نا امید بود. یکی از آخرین عکسهای کورت در نشریه THE EXPRESS MUSIC او را با لوله تفنگی در دهانش نشان می‌دهد. کورت می‌گفت: "من می‌خواهم وحشت ایجاد کنم. وحشتی را که از بیرون می‌گیرم. ویدئوی آهنگهای NIRVANA همراه با نگاه نافذ چشمان شکاک کورت کوین در متن یک ضد موزیک قدرتمند اعتراضی، بر خلاف موزیک تجاری مد روز که سعی در ایجاد احساس خوشی و فراموشی و ندیده گرفتن واقعیات دارد، تکان دهنده و خلاف جریان بود و همچنان خواهد ماند.

عظمت گروه NIRVANA نه فقط در موزیکش، و در بازتابش از تنفر و بیگانگی از دنیای بیرون، که در زنده کردن ارزشهایی است که سالها در موزیک از آن خبری نبود.

کورت کوین یک انسان هنرمند بود. او نمی‌توانست بت باشد، چرا که یک ضد بت بود. مرگ کورت، بر خلاف ادعاهای رسانه‌های بورژوازی که آنرا دیر رس خوانده‌اند، نشاندهنده تولد نسل نوینی است که بحران و بی‌آیندگی را در به اصطلاح مرفه‌ترین کشورهای سرمایه‌داری جهان جلوی چشم خود می‌بیند.

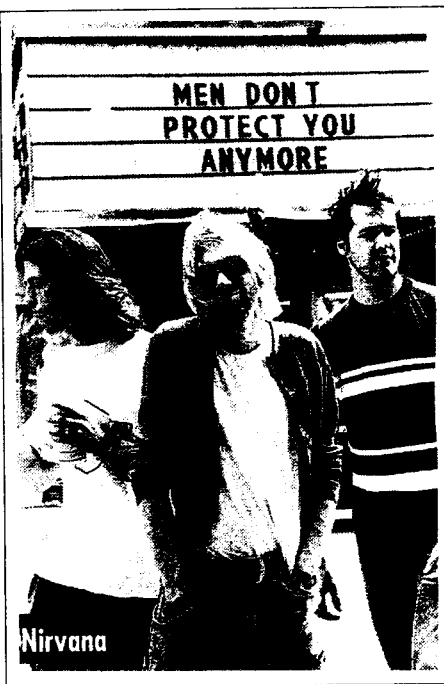
فروش بیش از ده میلیون از آخرین آلبوم NIRVANA بنام NEVER MIND، که کورت می‌خواست آنرا بنام I HANG MYSELF، I KILL MYSELF، (من خود را دار می‌زنم، من خود را می‌کشم)، منتشر کند او را به ناامیدی بیشتر کشاند. کورت می‌گفت: "دنیایی

## نروژ: منیر جیلان نباید زندانی شود! فعالین کارگری را آزاد کنید!

آزادی فعالین کارگری زندانی شده بود. به ابتکار و پیشقدمی شورای پناهندگان و مهاجرین ایرانی در شهر برگن نروژ یک نامه اعتراضی مشابه تهیه شده و پس از تأیید و امضای تعداد زیادی از سازمانهای مترقی و کارگری نروژ برای خانم تانسو چیلر، نخست وزیر ترکیه، ارسال شده است.

این نامه به امضای اتحادیه حقوق بشر، اتحادیه کارکنان بیمارستانها، حزب سوسیالیست چپ

در همبستگی شماره ۴۷ خبر محکومیت منیر جیلان، دبیر کل اتحادیه کارگران نفت ترکیه (پترول ایش)، و ترور و زندانی کردن عددهای از فعالین جنبش کارگری ترکیه را خواندید. منیر جیلان بخاطر نوشتن مقالهای در دفاع از آزادیهای اساسی و حقوق مردم کرد در ترکیه به بیست ماه زندان محکوم شده است. دبیر فدراسیون یک نامه اعتراضی در اینمورد برای نخست وزیر ترکیه ارسال کرده و خواستار لغو محکومیت منیر جیلان و



که موزیک من را می‌شنود، ولی حرف من را نمی‌فهمد."

مرگ کورت، نقطه پایانی بر صدای نسل معترضی که کورت خود را متعلق به آن می‌دانست بدون آن که سخنگوی آن هم بداند، نیست. این نسل با مرگ جان لنون و جان موریسون و جیمی هندریکس و کورت کوین به پایان نمی‌رسد. مرگ کورت نقطه پایانی بر زندگی خود کورت است. مرگی که خلاصه در سومین خودکشی به سراغ او آمد و نقطه پایان را بر زندگی یک انسان هنرمند و شورشگر گذاشت.

این نسل یک نسل نیست، بشریت به تنگ آمده از طول عمر دراز سرمایه‌داری است. بشریتی که بیکاری، بی خانمانی، و روابط بی سر و ته و توخالی، هر روز بیش از پیش فضای زنده ماندن و نفس کشیدنش را تنگ می‌کند.

این سرمایه‌داری نیست که پایان اعتراض این نسل بشری را اعلام خواهد کرد. این بشریت معترض هست که پایان عمر سرمایه‌داری را بانگ خواهد زد.

(دارای ۱۳ درصد کرسی‌های پارلمان نروژ)، انجمن سازمان ملل نروژ (شعبه غرب نروژ)، شورای مهاجرین شهر برگن (متشکل از ۳۲ گروه و سازمان خارجی)، سازمان ضدنژادپرستی اس. او. اس. راسیسم، اتحادیه جوانان انقلابی، انترناسیونالیستهای سوسیالیست، اتحادیه کارکنان شهرداریهای استان هاردلند، کنفدراسیون سراسری مزدبگیران نروژ (شعبه برگن و استان هاردلند) و شورای پناهندگان و مهاجرین ایرانی در برگن رسیده است. در بخشی از این نامه آمده است:

"ما خواهان آزادی فوری کارگران زندانی و لغو محکومیت منیر جیلان هستیم. ما خواهان آزادی بیان، قلم و حق تشکیل مستقل کارگران هستیم، تا همه مردم ترکیه بتوانند در آزادی زندگی کنند."

## فراخوان کنگره پنجم فدراسیون

(انتگرسیون)

- ۲- انتگرسیون (تئوریا و مسائل مربوط به کودکان، مهاجران در سن کار و سالمندان و زنان در این زمینه)
- ۳- نظریات موسوم به "جامعه چند فرهنگی" و "نسبی گرایی فرهنگی"، عواقب مخرب این نظریات بر زندگی مهاجران و جامعه مربوطه
- ۴- پناهنده و مهاجر در بازار کار و سازمانهای کارگری
- ۵- نژادپرستی و فاشیسم
- ۶- تروریسم جمهوری اسلامی و سازش رسمی اغلب دولتهای دموکراسی با آن، رجوع مشخص به مورد دولتهای فرانسه و آلمان،
- ۷- نقض کنوانسیون ژنو توسط دولتهای دموکراسی (ارجاع پناهنجویان ایرانی و افغانی و عراقی به سفارتها و کشورهای "خودی"، افت چشمگیر نرخ پذیرش پناهنده، ندادن پاسپورت، کارشکنی در پیوستن افراد خانواده بهم) با رجوع مشخص به رفتار دولتهای آلمان، نروژ، سوئد، بریتانیا و...

دبیرخانه فدراسیون  
۱۹۹۴ مه ۸

بر آن خبر برگزاری نمایشگاه از طریق کانال رادیو و تلویزیون محلی شهر، روزنامه BLADET و ARBETAR و رادیو ارمغان - رادیو محلی ایرانیان در یوله - نیز پخش شده بود. در طی یک هفته، روزانه صدها نفر از این نمایشگاه دیدن کردند. و نظرات و سئوالات خود درباره نمایشگاه و مسائل ایران و پناهندهگی ایرانیان را با اعضاء شورای یوله در میان گذاشتند. در طی مدت برگزاری نمایشگاه سه بار نیز به نمایشگاه حمله شد، و در دو مورد عکسهای خینی و رفسنجانی، و تصاویری از موقعیت زنان در ایران، توسط حزب الهی ها رپوده شد. در جوار نمایشگاه، میز کتاب شورای یوله نیز دایر بود، و هزاران اطلاعاتی و بروشور در مورد موقعیت زنان در ایران، وضعیت کارگران و کودکان و خبرنگار آکسون و... در بین بازدید کنندگان از نمایشگاه توزیع گشت. آدرس شورای یوله را در صفحه آدرس تماس با شوراها و دفاتر فدراسیون در همین شماره همبستگی خواهید خواند.

المقدور وظائف ناشی از آن در دستور کار دفتر گذاشته شد. دبیر دفتر نمایندگی فدراسیون در هارشتاد بهروز ناصری است.

ایجاد این دفتر را به اعضاء فدراسیون در هارشتاد تبریک می گوئیم و آرزوی موفقیت آنها را داریم. آدرس دفتر نمایندگی فدراسیون در هارشتاد را در همین شماره همبستگی، در صفحه آدرس تماس شوراها و دفاتر فدراسیون، خواهید خواند.

بدینوسیله به اطلاع عموم می‌رسانیم که کنگره پنجم سالیانه فدراسیون سراسری شوراهای پناهندگان و مهاجرین ایرانی در روزهای ۱۹، ۲۰، ۲۱ و ۲۲ ماه اوت برگزار می‌شود. بمنظور شرکت و دخالت هر چه بیشتر اعضا و فعالین فدراسیون در کانادا و آمریکا در تعیین سیاستهای سراسری آن امسال هم، مانند سال گذشته، یک کنفرانس ویژه آمریکای شمالی قبل از کنگره فدراسیون برگزار می‌شود. سوژه اصلی مباحث این کنفرانس مانند کنگره فدراسیون بوده و تاریخ آن بعنا به اطلاع خواهد رسید. ضوابط انتخاب نماینده برای کنگره طی نامه‌ای برای واحدهای فدراسیون ارسال شده است. علاوه بر نمایندگان، کلیه اعضاء فدراسیون حق دارند، بعنوان ناظر در کنگره شرکت کنند. از اشخاص و نهادهای غیروابسته به فدراسیون که خواهان شرکت در این کنگره هستند خواهش می‌کنیم که تقاضای کتبی خود را، تا پایان ماه ژوئن، به آدرس مرکزی فدراسیون ارسال کنند. دستور جلسه پیشنهادی برای این کنگره به قرار زیر است:

۱- گزارش سالیانه با تاکید بر مسئله انطباق زندگی پناهندگان و مهاجرین در جامعه جدید

### سوئد: یوله شورای فدراسیون تشکیل شد

بنا به گزارش واحد کشوری فدراسیون در سوئد، شورای پناهندگان و مهاجرین ایرانی در شهر یوله تاسیس گشت. دبیر این شورا، اسد نودینیان از مسئولین فدراسیون است. بنا به گزارش رسیده، شورای یوله در هفته آخر ماه مارس با همکاری موسسه ABF اقدام به برگزاری نمایشگاه عکسی با عنوان "چرا پناهندهگی" در کتابخانه مرکزی شهر یوله کرد. این نمایشگاه، که شامل ۱۷ تابلوی متنوع بایش از ۲۱۰ قطعه عکس همراه با زیرنویسهای سونلنی بود و دلایل پناهندهگی ایرانیان را با وضوح نشان می داد، مورد استقبال وسیع مردم شهر قرار گرفت.

قبل از برپایی نمایشگاه، اطلاعاتی ای به ضمیمه یک جزوه سی صفحه ای بزبان سونلنی در مورد نمایشگاه در سطح شهر توزیع شده بود. و علاوه

### نروژ: هارشتاد،

### دفتر نمایندگی فدراسیون تشکیل شد

بنا به گزارش رسیده، اعضا و فعالین فدراسیون در شهر هارشتاد نروژ دفتر نمایندگی فدراسیون را در این شهر تشکیل دادند.

در مجمع عمومی موسس دفتر نمایندگی فدراسیون در هارشتاد، مصوبات کنگره چهارم فدراسیون مورد تائید قرار گرفت، و انجام حتی

## اخبار کوتاه: پناهندگان، قوانین پناهندهگی و فعالیت نژاد پرستان

ژیلان ز.

**نیجریه:** دولت نیجریه از فرود دو هواپیمای آلمانی در این کشور جلوگیری کرد. این دو هواپیما حامل ۳۱ نفر نیجریه ای و ۱۸ نفر غناتی بود، که توسط دولت آلمان اخراج شده بودند.

اخراج شدگان از آلمان را ۳۶ مامور حفاظتی دولت آلمان همراهی می کردند. هواپیماها پس از آن که امکان فرود در نیجریه را نیافتند، مسیر خود را بطرف کشور غنا تغییر دادند.

**انگلستان:** کارگران بندر FELIXTOWN در شرق انگلستان، پنج نفر رومانیایی را که برای ورود غیرقانونی به انگلستان در کانتینر مخفی شده بودند پیدا کردند. چهار تن از این افراد در کانتینر خفه شده بودند و نفر پنجم نیز به اداره مهاجرت انگلستان تحویل داده شد.

**هلند:** راسیستها توانستند در انتخابات ناحیه ای در آمستردام و رتردام و...، ۱۹/۳ آراء را بدست آورند. پس از انتخابات، سه تن از نمایندگان راسیست به پارلمان ناحیه ای راه یافتند.

**هلند:** دولت هلند اقدامات دولت آلمان در زمینه محدودیت حق پناهندهگی را سرمشق خود قرار می دهد. قرار است در آینده نزدیک تمام پناهنجویانی که از طریق مرزهای زمینی وارد هلند می شوند، فوراً به کشورشان بازگردانده شوند. دولت هلند اعلام کرده است که بخاطر تغییر سیاست پناهنده پذیری دولت آلمان و ورود پناهنجویان اخراج شده از آلمان به هلند، ناچار به اتخاذ این تصمیم شده است.

**قویکه:** سازمان عفو بین الملل اقدامات دولت ترکیه مبنی بر اخراج پناهنجویان ایرانی و عراقی از آن کشور را محکوم کرده است. بنا به گزارش این سازمان صدها پناهنجوی ایرانی و عراقی علیرغم آنکه توسط UNHCR بعنوان پناهنده پذیرفته شده بودند، و یا پرونده شان تحت بررسی بود، مورد تعقیب پلیس ترکیه قرار گرفته و تعدادی از آنها از این کشور اخراج شده اند.

به گفته عفو بین الملل گزارشهای بیشتری از بدرفتاری پلیس ترکیه نسبت به پناهنجویان و آزار و اذیت آنها در دست است.

**انگلستان و بلژیک و هلند:** تظاهراتهای بزرگی در بروکسل و دنهاک و لندن به مناسبت هفته جهانی علیه راسیسم و برای آزادی و دوستی از نهم تا هفدهم مارس برگزار شد.

دهها هزار نفر از مردم این کشورها در تظاهراتها و گردهمانیهای یاد شده شرکت کردند. به گزارش ماهنامه مورگن گراون، شماره آوریل ۹۴، در حالیکه در آلمان کمترین درجه عکس العمل نسبت به این هفته نشان داده شد، در انگلستان ۵۰۰۰۰ نفر بفراخوان اتحادیه های کارگری و سازمانهای ضد نژاد پرستی تظاهرات عظیمی پیا کردند.

بقیه در صفحه ۲۲

## عظمت عوامفریبی: "لیست شیندلر"

بهروز یاور

مدتی است که فیلم "لیست شیندلر" به کارگردانی Steven Spielberg در سینماهای غرب نمایش داده میشود. مطبوعات و رسانه های عمومی غرب بدون استثنا در مدح و ثنای این فیلم نوشتند و می نویسند. مدارس اتریش و سوئد تحت عنوان مبارزه با بیگانه ستیزی دانش آموزان را بصورت

دسته جمعی برای دیدن فیلم میبرند. اما برآستی پیام این فیلم برای بینندگانش چیست؟ آنچه در زیر میخوانید گاهی دیگرگونه به این فیلم است. داستان این فیلم در رابطه با ۱۲۰۰ نفر یهودی است که آقای "شیندلر" با بکارگرفتنشان در کارخانه هایش، موجب شد که به کوره های آدم سوزی فرستاده نشوند و جان سالم بدر برند. البته آقای "شیندلر" خودش از اعضای حزب نازیست بود اما این امر مانع آن نشده که از وی قهرمان ساخته شود. فیلم "لیست شیندلر" چندین جایزه اسکار امسال را از آن خود کرد.



یکی از اردوگاههای کار اجباری آلمان هیتلری

ای بود که هیتلر از آن چنین سخن میگفت: "من میخواستم خرد کننده مارکسیزم باشم و میروم تا این کار را انجام دهم". شایرر، ص ۱۴۷. اما این واقعیت عریان تاریخی به عمد فراموش میشود و به انحاء مختلف میروند تا از کارنامه جنایات نازیسم حذف گردد. این اتفاق در فیلم لیست شیندلر هم افتاده است. اینجا جای خود دارد سوال شود که چگونه است همه جا از تضییقات علیه یهودیان بشابه یک اقلیت مذهبی سخن بمیان میآید اما سرکوب و کشتار کمونیستها و دگر اندیشان به عمد فراموشی سپرده میشود؟ چرا همه جا کوره های آدم سوزی با به آتش کشاندن بیگانهان یهودی تناعی

میشود، در حالیکه انگیزه اصلی در تأسیس این محل در اساس سرکوب زندانیان سیاسی لهستانی بود. ویلیام شایرر در کتابش "ظهور و سقوط ... چنین مینویسد: آشویتس، شهرک باتلاقی تقریباً متروکی با دوازده هزار جمعیت بود که گذشته از چند کارخانه، یک سربازخانه پیشین سوارنظام اتریش نیز در آن قرار داشت. کار بیروننگ آغاز گشت و روز چهاردهم ژوئن سال ۱۹۴۰، آشویتس رسماً بعنوان اردوگاه کار اجباری برای زندانیان سیاسی لهستانی، که آلمانها

قصده داشتند با آنها رفتار خشن مخصوصی پیش گیرند، افتتاح شد." - شایرر ص ۱۰۱۶- بازماندگان زیادی هم اینک وجود دارند که بر صحت این حقایق تاریخی صحه می گذارند. ایرمگارد کنراد Irmgard Konrad زن ۷۹ ساله سوسیالیستی است که هم اینک در سوئد زندگی میکند. او که از زندانیان جان بدر برده آشویتس است، طی مصاحبه ای در تشریح علل دستگیری و اعزامش به آشویتس میگوید: "من بدلیل یهودی بودن در آشویتس نبودم بلکه زنانه سیاسی بودم." - روزنامه Arbetet Nyheterna -

آیا معنای عملی این جعل تاریخی آن نیست که بر مبارزات کمونیستها و دگراندیشان سرپوش گذاشته شود تا امکان قهرمانپردازیهای دروغینی چون شیندلر فراهم گردد؟

طبیعتاً شرح و توصیف جلوس نفرت انگیز هیتلر بر اریکه قدرت، تصفیه ها، الحاقها، اشغالها و شرح جنایات هراس انگیز در کشورهای اشغال شده، اردوگاههای کار اجباری و امحاء دگراندیشان و یهودیان بدون در نظر گرفتن زمینه ها و عوامل

هم ارائه شد برملا میکند. او در جایی ضمن تمسخر آگهی اعدام هفت دانشجوی چک، خطاب به یک روزنامه نگار آلمانی میگوید:

"اگر من هم می خواستم بابت هفت لهستانی که تیرباران میکنم آگهی بدهم تمام جنگلهای لهستان برای تهیه کاغذ این آگهیها کفایت نمیکردند" در جایی دیگر نسبت به اهمیت نابودی روشنفکران

به نقل از هیتلر چنین مینویسد: "در لهستان، مردان شایسته باید از میان بروند. آنها که از ایشان پیروی می کنند... به نوبه خود باید نابود شوند. نیازی به سنگین کردن بار رایش با این عناصر نیست... اعزام آنان به اردوگاههای کار اجباری رایش، لزومی ندارد."

حتی اگر به آمار و ارقام هم رجوع کنیم در می یابیم که تعرض به روشنفکران براتب شلیدتر از آن بود که بر یهودیان اعمال شد. در یکی از گزارشات هیملر چنین آمده است:

"در طی یکسال ۱،۲۰۰،۰۰۰ لهستانی و ۳۰۰،۰۰۰ یهودی ریشه کن و به شرق رانده شدند. در چکسلواکی هم تعقیب و آزار کمونیستها پایایی ارباب یهودیان انجام گرفت. حکومت جدید هوادار آلمان در چکسلواکی... درست پیش از عید میلاد ۱۹۳۸ ... حزب کمونیست را منحل وهمه معلمان یهودی مدارس آلمان از خدمت تعلیق شدند." (به نقل از ظهور و سقوط رایش سوم- ویلیام شایرر ص ۱۸۲)

دشمنی و ضدیت نازیها با کمونیسم به اندازه

### آنچه در تاریخ گذشت

موضوع فیلم به طرحی اشاره دارد که در دوران حاکمیت نازیسم در لهستان به مرحله اجرا در آمد و در تاریخ به خانه تکانی - امحای یهودیان، روشنفکران، روحانیون و نجای لهستانی - معروف است. مسئولیت این طرح از جانب هیتلر به هیملر و هیدریش تفویض شده بود و قرار بود به نابودی و ریشه کن کردن کامل یهودیان منجر شود. به موازات این طرح، هانس فرانک - فرماندار کل لهستان - ماموریت ریشه کن کردن کمونیستها و روشنفکران را تحت اسم رمز عملیات آرام سازی استثنایی یا اقدام الف - ب به عهده داشت. بنابراین برخلاف آنچه که تبلیغ می شود و بعضاً از فیلم لیست شیندلر نیز برمیآید، یهودیان تنها قربانیان این جنایات هولناک نبودند. هانس فرانک بخوبی ابعاد کشتار غیر یهودیان را در دفترچه خاطرات چهل و دو جلدیش که به دادگاه نورنبرگ

تعیین کننده مادی و تاریخی آن و با چشم پوشی از نقش بازیگران واقعی، انگیزه ها، سودجویی ها و دسیسه هایی که مشترکا اسباب تحقق چنین جنایاتی را فراهم کردند، قادر نخواهد بود به فهم پدیده فاشیسم کمک کند.

توضیح و تحلیل این تاریخ با توجه به وجود منابع عظیم اطلاعاتی که در اختیار مورخان، محققان و هنرمندان هست، کوچکترین انتظاری است که میباید داشت. بخش عظیم بایگانی و اسناد محرمانه وزارت امور خارجه، قوای زمینی، دریایی، حزب ناسیونال سوسیالیست، پلیس مخفی هیتلر بانضمام تمام خاطرات خصوصی روزانه، سخنرانیهای بسیار نهانی، گزارش کنفرانس ها، نامه های متبادله و حتی نوار مکالمات تلفنی رهبران نازی، امروز در دسترس قرار دارد. حجم و همه جانبه بودن این اطلاعات بقدری است که شایرر در مورد آن چنین اظهار نظر میکند: "بعقیده من هرگز پیش از این چنین گنجینه عظیمی بلست مورخان معاصر نیفتاده است" - همانجا ص ۱۷.

تنها ارتش اول آمریکا ۴۸۵ تن اسناد و مدارک وزارت امورخارجه دولت نازیستی را در قلعهها و معادن کوههای هارتس به تصرف خود درآورد. آیا انتظار نابجا یا بزرگی است که بعد از گذشت نیم قرن از محققان و هنرمندان این توقع را داشت که در بازنگری و شرح این دوره برای نسل جوان تنها به گزارشات مستند بسنده نکرده و گامی فراتر بگذارند؟ این نقد و انتظار را از فیلم لیست شیندلر هم باید داشت.

فیلم لیست شیندلر شاید اولین اثر سینمایی است که هنرمندانه کوشید با انتخاب آگاهانه و هدفمند یک جزء کوچک از تاریخ جنایات نازیسم، شرایط تاریخی امحاء یهودیان را نه آنطور که بود بلکه آنطور که میخواست توضیح دهد. بهره گیری از تکنیکهای پیشرفته فنی، تدارکاتی و سینمایی به همراه سناریو، موسیقی، بازیگری و کارگردانی عالی چنان حساب شده با هم ترکیب شده اند که راهی برای فرار اندیشه و احساس بیننده از قبول یا تردید بر پیام مسموم فیلم باقی نمی گذارند. صحنه های تکاندنده لیست شیندلر با شرح جنایات دهشتبار نازیسم بر یهودیان آغاز می شود و با دنبال کردن این سنوالتاریخی که چه میشد کرد و چه شد، پیام مشتمل کننده اش را به احساسات تسلیم شده بیننده تزریق میکند.

فیلم لیست شیندلر که تفکر سیاستگزاران آمریکایی و سیاست غالب برسیسمی هالیوود را تعقیب و نمایندگی میکند راهی جز ارائه همان پاسخ روشن ولی قدیمی را ندارد. اینبار هم رامبو، قهرمان سینمایی آمریکا، در قالب شخصیت افسانهای شیندلر یک تنه به میدان میآید و به نجات جان یهودیان اسیر و بیگناه همت میگذارد. با این تفاوت که اینبار رامبو بجای یال و کوپال عضلاتی اش از قوه بویایی استثنایی برای بو کشیدن پول و سود برخوردار است.

شیندلر در پرتو همین حس شامه قوی و نیز سیاست خاص اقتصادی آلمان نازی در آن دوره

به حزب نازیست میپیوندند؛ صاحب یک کارخانه تولید قابلمه میشود؛ به استخدام کارگران یهود مبادرت میورزد و سرمایههای کلان میاندوزد. شیندلر که نقش سخنگو و نماینده بورژوازی آن دوره و دوران حاضر را ایفا میکند تنها یک نقد به نازیسم دارد: چرا کشتار وحشیانه و فی الفور، وقتی که میشود از نیروی کار ارزانشان سود برد و به مرگ تدریجی محکومشان نمود. اما پاسخ هیتلر همان زمان هم روشن بود:

"دولت با هیچ مفهوم یا پیشرفت اقتصادی مشخص و معینی سر و کار ندارد. دولت دستگاه نژادی است نه سازمان اقتصادی" - شایرر ص ۶۰-۱.

اما رامبوی افسانه ای با بهره گیری از همان شم خارق العاده و به مدد حلال همیشگی مشکلات یعنی پول و رشوه، نظر مساعد سران ارتش را میخرد و با استخدام یهودیان که جز مرگ یا مزدوری برای شیندلر چاره ای ندارند، صاحب سرمایه های هنگفت میشود. در جریان این معامله که با شکرگزاری و تقدیر دائم کارگران تصویر میشود او سودهای کلانش را میبرد و یهودیان حق نفس کشیدن و مزدوری در کارخانه اش را. تازه همین معامله نابرابر و ضدانسانی چنان استادانه و بگونه ای صحنه پردازی میشود که تحسین بیننده را هم برانگیزد.

شیندلر که نوکر نازیسم و بورژوازی و همدست آنها در تاراج و چپاول یهودیان است، از همین شرایط خاص و گریز ناپذیر یهودیان سود میجوید و به بهانه زنده نگه داشتنشان و برای تداوم سرمایه اندویش آنها را به کار در صنایع تسلیحاتی و نظامی مجبور میکند. کارگران یهود کارخانه شیندلر در واقع در این برهه از زمان به بخشی از ماشین جنگی نازیسم مبدل میشوند و به قیمت زنده بودنشان به تولید تسلیحات نظامی مبادرت میورزند تا اسباب کشتار هرچه وسیعتر انسانهای دیگر و از جمله یهودیان خارج از کارخانه را فراهم کنند.

آری برای زنده بودن باید بهایی چنین سنگین پرداخت. بالاخره نفس کشیدن به هر قیمتی که باشد بهتر از مرگ است! پیام فیلم این است. اگر مابقی نازیها نیز همچون شیندلر بجای به آتش کشیدن یهودیان و دگراندیشان زنده شان میگذاردند و شیره شان را در کارخانجات تولیدی و تسلیحاتی میکشیدند، طبق پیام فیلم، آنها هم شایسته همان لوح تقدیر و اشکهای سپاسگزارانه ای میشدند که کارگران یهودی در فیلم و بازماندگان و بینندگان اثر سینمایی اش امروز بلرزه راهش میکنند.

براستی که شرم آور است. ابتدا مردم بیگناه را قربانی سلاخیها و ددمنشی هایشان میکنند؛ آنها را در دو راهی مرگ یا تسلیم قرار می دهند؛ بعد هم برایشان قهرمانی میترانند تا حق نفس کشیدن را به آنها اعطا کند و برای این شاهکار خواهان سپاسگزار بودنشان هم باشند. این همان حدیث کهنه است که هر روز به گونه ای در اذهان مردم تزریق میشود تا بیعدالتی و جنایات سیستم مبتنی بر کار مزدی را بمنظور حفظ وضع موجود توجیه کند. فیلم لیست شیندلر

بازتولید همان نقش قهرمانانه جورج بوش در جریان جنگ خلیج است. اینجا هم قرار است تا مردم آواره در کوه و سرما که در چنگال مرگ دست و پا میزنند برای هواپیماهای آمریکایی هورا بکشند؛ در "زاخو" به خیابانها بریزند و از آمریکا خواهش کنند که از کردستان خارج نشود و سایه اش را از سر ملت کرد کم نکند! براستی پیام فیلم برای ۵۰ میلیون کارگر بالغ و ۱۰ میلیون کودکی که در هندوستان و پاکستان بخاطر از گرسنگی نمردن نیروی کارشان را به دلالان کار، که جامادارز نامیده میشوند، پیش فروش می کنند چیست؟ واضح و روشن: زنده باد سیستم بردگی قرض و زنده باد جامادارز که ۶۰ میلیون انسان را با پیدا کردن کار برایشان (هر چند به قیمت بردگی واقعی) از هلاکت مسلم رهایی میبخشد!

آری، این پیامی است که قرار است بسیار حساب شده، با برانگیختن احساس بیزاری آدمها از جنگ، جنایت و خونریزی، در روح و جانشان تلقیح شود. افشای این فیلم و سیاست مزورانه سازندگان و مبلغینش وظیفه ای است که همت یکایکمان را طلب میکند. اعطای جوایز عیدیه اسکار به دست اندرکاران این فیلم و اگرانهای طولانی آن در اروپا و آمریکا یک تهاجم حساب شده فرهنگی به مردم شریف و نسل جوان را مد نظر دارد. مقابله هر انسان شریف به هر اندازه و به هر شکلی که در توان دارد نتایج تاریخی خود را بجا خواهد گذاشت.

## پاسخ به نامه های ستون ادبی

۱- بهزاد - برلین. با تشکر ترجمه شعر برتولت برشت بلستمان رسید. در شماره های آینده از آن استفاده خواهیم کرد.

۲- پیام آشنا - سوئد. دوست گرامی، ترانه های ترجمه شده رسید.

۳- علی همراهی - از اظهار محبتان نسبت به فدراسیون و نشریه همبستگی تشکر میکنیم. شعر گل خودرو را دریافت کردیم باز هم برایمان مطلب بفرستید.

۴- شهرزاد - ترکیه. شعر "سراب" رسید. از همکاریتان با صفحه ادبی خوشحال خواهیم بود. ۵- کیومرث متین - هلند. دوست گرامی داستان کوتاهتان به اسم "داستانک" رسید. تم داستان جالب است. اگر کسی توضیح پایان نامه ات را نخواند متوجه نمی شود که بالاخره داستان در موافقت یا در مخالفت با آن مناسبات نوشته شده است. پیشنهاد میکنیم که داستان را دوباره مرور کنید. دست همکاریتان را بگرمی میفشاریم.

۶- پویا - سوئد. داستان زیبای "برندگان مسابقه صلح" رسید. در شماره های آینده آن را چاپ خواهیم کرد.

۷- سینا پلرام - سوئد. ترجمه شعر "ساعت چهار نیستی" از ناظم حکمت رسید. در شماره های آتی از آن استفاده خواهد شد.

سلیمان قاسمیانی

## دفاع زندانیان سیاسی ایرانی از جان آیمال گوسمان

آیمال گوسمان، رهبر حزب کمونیست پرو (موسوم به راه درخشان)، در ۱۲ سپتامبر ۱۹۹۰ توسط دولت پرو دستگیر و زندانی شد. خطر اعدام و یا مرگ "تصادفی" در زندان جان او را تهدید می‌کند. از زمان دستگیر آیمال گوسمان یک کمیته بین‌المللی برای دفاع از او تشکیل شده است. نام این کمیته "کمیته اضطراری بین‌المللی برای دفاع از جان دکتر آیمال گوسمان" است. فدراسیون ما هم به این کمیته پیوسته است.

اخیرا نامهای با امضای ۹ نفر از زندانیان سیاسی سابق ایرانی از ترکیه بلست ما رسیده که در دفاع از آیمال گوسمان نوشته شده است. این ۹ نفر که هر یک بین ۲ تا ۸ سال را در سياهچالهای جمهوری اسلامی گذرانده‌اند در نامه خود می‌نویسند:

"امضا کنندگان زیر زندانیان سیاسی سابق هستیم که هریک چندین سال از زندگی‌مان را در زندانهای جمهوری اسلامی ایران گذرانده‌ایم و اکنون ترجیح داده‌ایم که بجای کوتاه آمدن در مقابل این رژیم سرزمین خود را ترک کرده و به کشور ترکیه بیاییم. ما بدینوسیله بازداشت و همه اقدامات تدارکاتی برای اعدام آیمال گوسمان، رهبر "راه درخشان" در پرو، را محکوم می‌کنیم.

اسم و امضای ۹ نفر زندانی سیاسی از ایران

## روزهای اعتراض بین‌المللی در دفاع از آیمال گوسمان

در نامهای که اخیرا از "کمیته اضطراری بین‌المللی برای دفاع از جان دکتر آیمال گوسمان" بلستمان رسیده روزهای ۲۰ و ۲۱ ماه مه ۹۴ بعنوان روزهای اعتراض بین‌المللی برای دفاع از جان آیمال گوسمان و خاتمه دادن به حبس انفرادی او اعلام شده‌اند. از همه واحدهای فدراسیون و احزاب و نهادهای آزادیخواه دعوت می‌کنیم تا در فعالیتهایی که به این مناسبت در شهر و کشور آنها برگزار می‌شود شرکت کنند. برای اطلاع از فعالیتهایی که به این مناسبت تدارک دیده شده‌اند می‌توانید با کمیته دفاع فوق‌الذکر در آدرس و شماره تلفن و فاکس زیر تماس بگیرید:

BCM-IEC  
27 OLD GLOUCESTER ST.  
LONDON WCIN 3XX  
UK

تلفن و فاکس: ۰۸۵۳ ۴۸۲۰ (۷۱) (۴۴)

## ابتکار جالب شورای فدراسیون در تورنتو - کانادا

اخیرا شورای پناهندگان و مهاجرین ایرانی در شهر تورنتو کانادا یک کمیته اطلاعات و خدمات اجتماعی ایجاد کرده است. اطلاعات این کمیته را در زیر درج می‌کنیم و امیدواریم سایر واحدهای فدراسیون همه بتوانند در حد مقنور اینگونه فعالیتها را هم در دستور کارشان بگذارند.

### اطلاعیه

قابل توجه پناهندگان و مهاجرین ایرانی:

— اگر نیازمند اطلاعات در مورد حقوق و مزایای کارگری هستید!

— اگر نیازمند اطلاعات و مشاوره در مورد بیمه بیکاری، غرامت ناشی از سوانح محل کار و یا تامین اجتماعی هستید!

— اگر مورد آزار و تبعیض نژادی و جنسی قرار گرفتاید!

— اگر زنی هستید که مورد آزار و اذیت قرار گرفته و به مشورت و یا کمک حقوقی نیاز دارید!

می‌توانید روزهای سشنبه از ساعت ۹ تا ۱۲ ظهر با کمیته اطلاعات و خدمات اجتماعی شورای پناهندگان و مهاجرین ایرانی تماس بگیرید. این کمیته با همکاری مددکاران اجتماعی و متخصصین مسائل کارگران شما را در کسب حقوق اجتماعی‌تان یاری خواهد کرد.

تلفن شورا: ۰۲۸۱ - ۴۹۱ (۴۱۶)

کمیته اطلاعات و خدمات اجتماعی  
شورای پناهندگان و مهاجرین ایرانی - تورنتو

## اولین شماه بولتن خبری "زنان در ایران" منتشر شد

بنا به گزارش آذر سینا، هماهنگ کننده کمپین بین‌المللی دفاع از حقوق زنان در ایران - کمیته آلمان، اولین شماره بولتن خبری این کمیته بزبان آلمانی منتشر شد.

مطالب این شماره بولتن، که "زنان در ایران" نام دارد، شامل بیانیه اعلام موجودیت کمیته آلمان، شرایط کار زنان در ایران، گوشه ای از آمارهای رسمی درباره وضعیت زنان در ایران، خبر طرح جناسازی تاکسی های زنان در تهران و... است. انتشار این بولتن را به آذر سینا و سایر همکاران کمیته آلمان کمپین بین‌المللی دفاع از حقوق زنان در ایران تبریک می‌گوئیم.

## انتشار دومین شماره آوس بلیک (بولتن خبری فدراسیون به آلمانی)

دومین شماره "آوس بلیک" (چشم انداز)، بولتن خبری واحد فدراسیون در آلمان، منتشر گردید. مطالب این شماره عبارتند از: گزارش آکسیون ۱۱ فوریه در حمایت از پناهجویان در ترکیه، آیمال گوسمان را فراموش نکنید، شکار افغانها در ایران، جنگ داخلی وحشیانه در افغانستان، خبر انتشار اولین شماره بولتن آلمانی کمیته دفاع از حقوق زنان در ایران، خبر انتشار "دایانیشما" (نشریه کمیته همبستگی کارگران ایران و ترکیه به زبان ترکی)، گزارش عفو بین‌الملل در مورد افزایش خشونت پلیس آلمان بر علیه خارجی‌ها، اعتصاب پناهندگان کرد عراقی در پاکستان، فراخوان واحد فدراسیون در آلمان برای یک کمپین سراسری تحت عنوان "حقوق برابر برای همه در آلمان". سردبیر "آوس بلیک" هادی اسماعیلی است. این شماره "آوس بلیک" در چهار صفحه منتشر شده و آنرا می‌توانید از مسئولین و اعضای فدراسیون در شهرهای مختلف آلمان، و یا با پرداخت هزینه پست از آدرس زیر تهیه کنید.

I.F.I.R.  
ELFBUCHENSTRASSE 18  
34119 KASSEL  
GERMANY

## انتشار شماره چهارم "آکشون" (بولتن خبری فدراسیون به سوئدی)

شماره چهارم "آکشون"، خبرنامه فدراسیون به زبان سوئدی، منتشر شد.

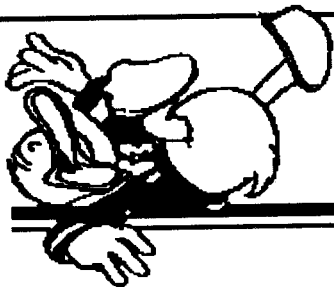
مطالب این شماره عبارتند از: درود بر تسلیما نسرین (نویسنده زن جسور بنگلادشی که بخاطر دفاع از اقلیت هندو در بنگلادش توسط علمای اسلام مفسد فی‌الارض شناخته شده و حکم اسلامی قتلش صادر شده است)، همبستگی با پناهنده آلبانیایی در شهر اودوالا سوئد، فعالیت صلح طلبانه علیه قدرتهای جنگ، خودسوزی دو زن کرد ترکیه در آلمان، شهروند سوئد درهم می‌شکند، حقوق سیاست مداران و مدیران شرکتهای بزرگ، همکاری دولتهای ترکیه و ایران در سرکوب آبوزیسیون یکدیگر، و چند نکته و خبر جالب و کوتاه.

سردبیر آکشون سلیمان قاسمیانی است. برای دریافت آکشون با آدرس واحد فدراسیون در سوئد تماس بگیرید.

IFR  
BOX 9092  
102 72 STOCKHOLM  
SWEDEN



# برای بچه ها



## کمی بخندیم

سیاوش: مامان، جوراب گلف مرا کجا گذاشتی؟  
مامان: تو که جوراب گلف نداری.  
سیاوش: چرا، همان جورابی که سوراخ دارد.

در کتابخانه:

— شما کتاب چگونه مخارجت را با درآمدت  
میزان کنی؟ را دارید؟  
— کتابدار: نه، ولی سایر کتابهای شعبه بازی  
را داریم.

در سالن تاتر:

— اولی: آیا این نمایش نامه پایان خوشی دارد؟  
— دومی: حتما، وقتی که تمام شود همه  
خوشحال می شوند.

دکتر: شما تا می توانید باید میوه بخورید، البته  
با پوست. راستی، میوه مورد علاقه شما چی بود؟  
مریض با ناراحتی: نارگیل.

شاگرد به معلم موسیقی: شما فکر می کنید  
صدای من بلردی می خورد؟  
معلم: بله، اگر جانی آتش گرفته باشد و به کمک  
احتیاج باشد.

مریض: دکتر شما فکر می کنید درد کمر من  
برای این باشد که ناخن هایم را می جوم؟  
دکتر: من نمی فهمم درد کمر چه ربطی به جویدن  
ناخن دارد.

مریض: آخر من ناخن های پاهایم را می جوم.  
پروانه: مامان اجازه دارم تا وقتی که می خوابم  
کتاب بخوانم؟  
مامان: بله فقط تا وقتی که می خوابی، نه  
یک دقیقه بیشتر.

یک جراح پیر به مریض: مادر عزیز، اصلا  
نترسید. چاقوی من تیز که نیست هیچ، خیلی هم  
کند است.

اولی: هیچ فکر کردی که فیل ها در حالت مستی  
چی می بینند؟

دومی: نه، چی می بینند.

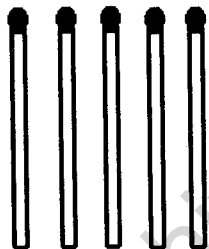
اولی: بقیه فیل ها را دوتا دوتا می بینند.

یک خانم موش با بچه هایش به گردش می  
رفتند که گریه چاقی را دیدند.  
— خانم موش بچه هایش را با عجله پشت سرش  
قایم کرد، و شروع کرد مثل سنگ به پارس کردن.

گریه هم ترسید و در رفت.  
خانم موش به بچه هایش: اگر گفتید از این  
ماجرا چی نتیجه گرفتیم؟  
بچه ها: که ما باید یک زبان بیگانه را هم  
بلد باشیم.

## اگر گفتید (پاسخ در صفحه ۲۰)

پنج عدد چوب کبریت در یک ردیف قرار دارند.  
اگر گفتید چطور می شود از این پنج چوب کبریت،  
یک چهارم درست کرد.



## شهر

گفتم: به ستاره ها نگاه کن  
چه زیبایند

گفت: آری، اگر آنها را از پشت  
پنجره ببینی  
یا در حال رفتن به خانه  
یا در گردش، شامگاهی  
— برای من اما، انعکاسی از در  
کوچه ماندن  
شبی دیگر  
و بی خانمانی

گفتم: تو کیستی؟  
نگاهم کرد: کودکی ولگرد.

## سوسن بهار

بچه های عزیز، دوستان خوب، قصه تی را که از این شماره برای شما شروع می کنیم "عجب پسری  
نام دارد و نوشته خانم GUNNA GRAHS نویسنده سوئدی است. این خانم عزیز به ما اجازه داده  
که ترجمه فارسی قصه اش را در همبستگی برای شما چاپ کنیم. ما همینجا از طرف همه شما  
از ایشان تشکر می کنیم. و قسمت اول قصه را که مربوط به یک پسر بچه است، شروع می کنیم:  
سوسن بهار

## عجب پسری

ساعت فقط هفت و نیم صبح بود که سون SVEN از خواب پرید و روی تخت نشست. این صدای  
چیغ و داد چه بود که از آشپزخانه می آمد؟ لحافش را کنار زد و از جا بلند شد و راه افتاد به  
طرف آشپزخانه که بفهمد چه اتفاقی افتاده است.

با خود فکر کرد: "چه صدای ناهنجاری است. چه می تواند باشد؟  
یک موش؟ بهتر است یواش یواش وارد آشپزخانه شوم."  
آه، این که مامان است. با لباس خانه آنجا نشسته. اما... وای این  
چه شکلی است که مامان به خودش گرفته؟ ای وای چقدر کوچولو شده،  
حتی کوچولوتر از خود من.

مادر روی صندلی نشسته و پاهایش را که به زمین نمی رسند، بشدت  
تکان می دهد و چیغ می کشد.

ای داد و بیداد، چه اتفاقی افتاده مامان؟ من که نمی فهمم.  
مادر با عصبانیت می گوید من فقط می دانم که همه چیز بده.  
و با شدت فاشقش را به کف بشقابش می کوبد.

سون می گوید: "مامان آرام بنشین و تکان نخور. الان بابا را می آورم." و بطرف اتاق آنها می دود.  
صدای خرویف ریزی از تخت شنیده می شود. این اصلا شبیه صدای خرویف همیشگی بابا نیست.  
سون با نگرانی پتو را از روی بابا کنار می زند.

اوه، یک بابای خیلی کوچولو زیر پتو خوابیده. رنگ از روی سون می پرد. این قابل قبول نیست.  
این دیگر چه قضیه ای است؟ به آشپزخانه پیش مادرش بر می گردد. فکری به خاطرش می رسد  
و دست مادرش را می گیرد و بطرف خانه عمه "می بری، همسایه بغلی، می رود. زنگ در را  
فشار می دهد. در باز می شود.

بقیه در شماره بعد





۱۰ نسخه برایتان ارسال می‌شود.

\* زوتتن - گیتی پ، نشریه همبستگی برایتان ارسال می‌شود.

### بنگلادش

\* داکا - لیدا م، نشریه همبستگی به همراه فرم اشتراک برایتان ارسال شد. لطفا در صورت تمایل به دریافت منظم نشریه این فرم را پر کرده و به همراه وجه اشتراک برای ما بفرستید. موفق باشید.

### پاکستان

\* راولپندی - علی ر، نامه صمیمانه شما را دریافت کردیم. درباره پرونده پناهندگی‌تان نیز پس از بررسی دقیق هر اقدامی را که ممکن و ضروری باشد انجام خواهیم داد.

\* راولپندی - حمید، گزارش مفصل شما از وضعیت پناهندگان ایرانی، افغانستانی و سومالیایی در پاکستان و همچنین مصاحبه‌های زنده و تک‌اندنده‌ای که با برخی از پناهندگان کرده بودید، همراه عکسهای ضمیمه این مصاحبه‌ها همگی دریافت شدند. در شماره‌های آینده از آنها استفاده خواهیم کرد. از اینکه ما را با این دقت در جریان امور پناهندگان مقیم پاکستان قرار دادید متشکریم. برای شما و همه دوستان بسیار خوب و با محبتان در پاکستان آرزوی موفقیت و تندرستی داریم.

### تورکیه

\* آنکارا - مسئول مالی شورای ترکیه، شهاب، گزارش مالی ماه فوریه و مارس شورای شما دریافت شد. درباره این گزارشات خزاندهار فدراسیون، بیژن هدایت، بطور جداگانه نامهای برایتان فرستاده است. خسته نباشید.

\* آنکارا - لس، خبر خوش سلامتی شما و همسرتان را دریافت کردیم. تولد فرزندتان را به شما و همسران تبریک می‌گوئیم و برایتان آرزوی سعادت و موفقیت داریم.

\* قونیه - کاوان - توضیحات شما درباره مشکلات پناهندگانی که به ایالت کبک کانادا فرستاده میشوند را خواندیم و با شما کاملا موافقیم که مهمترین مسئله برای پناهندگانی که مدت اقامتشان در ترکیه طولانی شده است این است که بدوا و هر چه سریعتر از آنجا خارج شوند و درباره کشوری که به آن منتقل میشوند سختگیر نباشند.

\* آنکارا - عبدالرحیم م، اقدام لازم را درباره پرونده پناهندگی شما انجام دادیم. رونوشت نامهای که به این منظور ارسال شد را می‌توانید از شورای ترکیه دریافت کنید.

\* قیرشهر - رشید خ، درباره تقاضای شما بطور جداگانه نامهای خواهیم فرستاد. گزارشی را که درباره تاثیر پیروزی جریان‌ات اسلامی در انتخابات اخیر ترکیه نوشته بودید نیز دریافت کردیم. از همکاری‌تان متشکریم.

\* نوشهر - امین، رونوشت ارزیابی شما از گزارش هیئت اجرایی شورای ترکیه را دریافت کردیم. بدوا از اینکه با دلسوزی و دقت ملاحظات خود را در این باره مطرح کرده‌اید متشکریم. تصمیم‌گیری در مورد عمده نکاتی که به آنها اشاره کرده‌اید در حوصله و صلاحیت

مجمع عمومی بعدی نمایندگان شوراهای شهری ترکیه است و توصیه می‌کنیم در همانجا به این نکات بپردازید. اما تا آنجا که به مسئله حمایت از پرونده‌های پناهندگی برمیگردد لازم است یکبار دیگر توضیحی بدهیم. دبیرخانه فدراسیون کسی را "تائید" نمی‌کند و برای کسی نامه تائیدیه نمی‌فرستد. کاری که ما می‌کنیم اینست که پس از دریافت فرم تقاضای کمک یک پناهجو، پرونده پناهندگی وی را بررسی می‌کنیم و در صورت امکان برای پیشبرد کار پناهندگی ایشان اقدام می‌کنیم. یکی از اقداماتی که از طرف دبیرخانه فدراسیون صورت می‌گیرد این است که هر جا پرونده پناهندگی پناهجویی بناحق از طرف UNHCR رد

شده باشد، دبیرخانه نظر خود را درباره آن با UNHCR یا هر نهاد ذیربط دیگر در میان می‌گذارد و خواستار رسیدگی مجدد به آن پرونده می‌شود. در بسیاری از موارد، اقدامات دبیرخانه مکمل مذاکرات مستقیم شورای ترکیه با مسئولین UNHCR است و در هماهنگی با آن صورت می‌گیرد. اگر پناهجویی خود را عضو یا فعال یک جریان سیاسی معرفی کرده باشد لازم است که این ادعا از جانب همان جریان تائید بشود. در صورتیکه چنین اقدامی از جانب جریان مربوطه بدلائیل سیاسی صورت نگرفته باشد در آنصورت لازم است که باز خود پناهجو این دلایل را به ما توضیح دهد. و بالاخره ما متوجه هستیم که طی سالهای جاری تعداد هر چه بیشتری از پناهجویانی که تقاضای پناهندگی می‌کنند برخلاف فعالین سیاسی سالهای قبل دارای سوابق سازمانی نیستند و یا در حزب و جریان معینی عضو نبوده‌اند. در چنین مواردی دبیرخانه فدراسیون تقاضای کمک هر پناهنده را صرفا با توجه به دلایل تقاضای پناهندگی او بررسی می‌کند و در صورتیکه لازم باشد از تقاضای چنین پناهنده‌ای همانقدر حمایت می‌کند که از تقاضای پناهندگان دیگر.

\* آنکارا - پوران ز، پرونده پناهندگی شما مورد رسیدگی قرار گرفت و در این باره نامهای به دفتر UNHCR در ترکیه ارسال شد. رونوشت این نامه را می‌توانید از شورای ترکیه دریافت کنید.

\* قونیه - شهرزاد، از نامه صمیمی و پر محبت شما سپاسگزاریم. توضیح جوانب نظری مقولاتی مانند بورژوازی، دمکراسی، سوسیالیسم و لیبرالیسم در چهارچوب کار نشریه همبستگی قرار نمی‌گیرد. اما درباره هر کدام از آنها نوشته‌ها و مطالب بسیاری وجود دارند که احتمالا بتوانید آنها را با مراجعه به دوستان و همکاران خود در ترکیه بدست آورید. تا آنجا که به سوال مشخص شما درباره اسلام برمیگردد باید بگوییم که نشریه همبستگی علیه هرگونه عقاید و باورهای عقب مانده و تفرقه‌آمیزی است که در بین پناهندگان و مهاجرین ایرانی عمل می‌کنند. ناسیونالیسم، شونیسیم، مردسالاری و مذهب، بویژه اسلام، از جمله این دسته عقاید و باورها هستند. با توجه به این امر ما سعی می‌کنیم تا آنجا که امکان دارد درباره مذهب و عقاید مذهبی در نشریه همبستگی روشنگری کنیم. \* کاستومونو - علی کارگر، گزارش مفصل شما درباره تماس با اتحادیه‌های کارگری ترکیه و رساندن نامه دبیر فدراسیون، در اعتراض به سرکوب فعالین کارگری در این کشور، به مسئولین آنها بدستمان رسید. از همکاری‌تان متشکریم.

\* آنکارا - داریوش و لاله شکوفایی، درباره ملاحظات شما بطور جداگانه نامهای برای هیئت اجرایی شورای ترکیه فرستادیم و در آن بطور مفصل نظرات خود را پیرامون انتقادات شما مطرح کردیم.

\* آنکارا - کبری ب، در جریان برخورد توهین آمیز UNHCR به شما هستیم و به اطلاع ما شورای ترکیه علیه این رفتار هم اعتراض کرده است، با این وجود، در صورتیکه دبیر شورا اقدام بیشتری از جانب دبیرخانه فدراسیون را لازم بدانند اینکار را خواهیم کرد.

\* قیصریه - پروین، نشریه همبستگی برایتان ارسال می‌شود.

\* نیده - صالح ن. الف، از نامه صمیمانه شما سپاسگزاریم. رونوشت آنرا برای آقای Frances می‌فرستیم.

\* نوشهر - نماینده شورای نوشهر، احمد س، پس از دریافت فرم تقاضای کمک دوستان ن. ق، با توجه به نکاتی که نوشته‌اید در باره وضعیت پناهندگی ایشان اقدام خواهیم کرد. رونوشت گزارش سه دوره مجمع عمومی شورای نوشهر نیز بدستمان رسید. از بابت زحماتی که شورای شما برای جلوگیری از اخراج آقای م.ص. کشید بسهم خود متشکریم.

\* نیده - اسماعیل ر، نامه دوستی را که به او اشاره کرده‌اید دریافت کردیم.

**آلمان**

\* کاسل - منشی شورای پناهندگان کاسل، جواد، لطفا لیست کمکهای مالی را که مایل هستید در همبستگی اعلام شود هر ماه برای خزاندهار فدراسیون، بیژن هدایت، بفرستید. حتی در مورد کمکهای مالی منظمی که ماهانه دریافت می‌کنید لازم است که لیست آنها را بطور ماهانه برای ما ارسال کنید و صرفا به ذکر یکباره آنها اکتفا نکنید. همکاری شما قطعاً مانع از بروز هر گونه اشتباه احتمالی خواهد شد.

\* فرانکفورت - تقی پاک ایمان، گزارش مالی ماههای ژانویه تا مارس شماره حساب همبستگی در آلمان بدستمان رسید. از همکاری منظم شما متشکریم.

\* فرانکفورت - نرگس، با تشکر ترجمه مطلبی را که فرستاده بودید دریافت کردیم.

\* برلین - کانون پناهندگان سیاسی ایرانی، با تشکر خلاصه شهادت اشحیت باوتر، مشاور و هماهنگ کننده سازمان اطلاعاتی آلمان در دادگاه میکرونوس، بدستمان رسید.

### آمریکا

\* لوس آنجلس - محمود احمدی، گزارش مجمع عمومی شورای مهاجرین در لوس آنجلس و همچنین گزارش چاپ و توزیع همبستگی ۴۶ و ۴۷ بدستمان رسید. موفق باشید.

### انگلستان

\* وست ساسکس - صندوق شماره ۴، علت اینکه شماره‌های جدید نشریه همبستگی برایتان ارسال نشده این است که مدت اشتراک شما با شماره ۴۲ تمام شد و پس از آن نیز علیرغم ارسال فرم تجدید اشتراک هنوز وجه اشتراک را به حساب ما واریز نکرده‌اید.

\* لندن - ساعد صارمی، مطلبی که فرستاده بودید دریافت شد. از همکاری‌تان سپاسگزاریم.

\* اکبر - بریده روزنامه و یادداشت شما بدستمان رسید. متشکریم.

\* لندن - فریدون ناظری، با تاسف خبر مرگ یکی از اهالی سومالی را، که توسط نژادپرستان در شهر آکسفورد سوزانده شد، دریافت کردیم.

### بلژیک

\* نسیم، با تشکر وجه ارسالی شما دریافت شد. جهت صدور کارت عضویت برای اعضای فردی درجه‌ای از آشنایی ما با دوستی که مایل است عضو فدراسیون شود ضروری است. متأسفانه ما هیچ آشنایی قبلی با دوستی که از ایشان نام برده‌اید نداریم و هیچکدام از اعضای دیگر فدراسیون هم تا کنون معرف ایشان نشده‌اند. اگر ممکن است از ایشان بخواهید درباره خودشان توضیحات بیشتری برایمان بنویسند. در شهرهاتی که واحد فدراسیون وجود ندارد ترجیح ما این است که علاقمندان به عضویت در فدراسیون به اتفاق هم چنین واحدی را بوجود آورند و بصورت جمعی و متشکل به فدراسیون بپیوندند. نشریه همبستگی در

\* امیر ز.، حمید رضا کد.، عبدالکریم ن.، امیر ق.، رحمت ر.، علی پ.، مسعود م.، نعمت غ.، فرمهای تقاضای کمک شما همگی دریافت شد. پس از بررسی آنها درباره پرونده پناهندگی شما اقدام خواهیم کرد.

### دانمارک

\* ادنسه - علی، با تشکر کمک مالی که برای پناهندگان ایرانی مقیم عراق جمع‌آوری کرده بودید دریافت شد.

\* ویبوری - جواد ح. آدرس جدید شما را دریافت کردیم.  
\* شیوه - پویا پ. آدرسهای را که خواستاید بطور جداگانه برایتان می‌فرستیم.

### سوئد

یوتبوری - عباس گویا، با تشکر عکسها و طرحهایی که برای همبستگی فرستاده بودید بلستان رسید.  
\* استکهلم - حسن اعتمادی، با تشکر نوشته انتقادی شما درباره تشکیل اتحادیه سراسری ایرانیان در سوئد و اعلام استعفایتان دریافت شد. توجه شما را به بیانیهای که اخیراً از جانب شورای کشوری فدراسیون در سوئد در همین باره منتشر شده جلب می‌کنیم.  
\* استورپ - جاوید سلامی، با تشکر مقاله شما تحت عنوان تحرک جدید دومین حزب راسیستی در سوئد بلستان رسید.

\* کیا، همبستگی برایتان ارسال می‌شود. لطفاً در صورت تمایل به دریافت منظم این نشریه فرم اشتراکی که به ضمیمه اولین شماره برایتان فرستاده می‌شود را پر کرده و به‌راه وجه اشتراک برایمان بفرستید. منتظر نامه‌های بعدی شما هستیم. موفق باشید.

\* یوتبوری - ناصر آسانی، با تشکر کارت تبریکهای زیبای شما را دریافت کردیم. از اینکه مشکل پناهندگی شما و خانواده محترمتان تمام شد بسیار خوشحالم و برایتان آرزوی سلامتی و شادی و موفقیت داریم.

\* یوله - منشی شورا یوله، علی- گزارش مالی و فعالیت شورا به‌راه گزارش مجمع عمومی آن همگی دریافت شدند. موفق باشید.

\* یوله - م. ف.، بسیاری از مشکلاتی که هم اکنون با آن مواجه هستید مسائلی هستند که پیش از انجام آن تصمیم منشی فدراسیون بطور تلفنی با شما در میان گذاشته و پیش‌بینی کرده بود. متأسفانه علیرغم همه توصیه‌های ما ترجیح دادید به نحو دیگری عمل کنید. در این وضعیت کار چندان از دست ما ساخته نیست.

### سوئیس

\* پیتزلن - مجید علی‌پور، جهت پیگیری پرونده پناهندگی آشنایان شما که در عراق مقیم هستند لازم است که آنها با مراجعه به کمیته همبستگی پناهندگان ایرانی در کمپ الطاش فرم ویژه‌ای که به این منظور تهیه شده است را دریافت و تکمیل کرده و برای ما بفرستند. دبیرخانه فدراسیون بدون دریافت این فرم و اطمینان از صحت و سقم اطلاعات موجود در آن نمیتواند پرونده کسی را پیگیری کند. با توجه به تعدد نامه‌ها و مراجعاتی که به ما می‌شود نمیتوانیم پاسخ هر یک را بطور جداگانه برای نویسنده نامه بفرستیم. بخش عمده پاسخ نامه‌های دریافتی در همین ستون داده میشود. مجله همبستگی برایتان فرستاده شد. آرزوی موفقیت شما را داریم.

### عراق

\* رمادیه - نامق کد.، درباره فرم تقاضای کمک شما، که دریافت نشده، با دوستی که نوشتاید تماس خواهیم گرفت.

\* رمادیه - بابا ر.، نامه گرم و محبت‌آمیز شما دریافت شد و مطمئن باشید ما در تلاش خود برای کمک به پناهندگان ایرانی مقیم عراق از هر امکان موجود استفاده کرده و می‌کنیم.

\* رمادیه - کمیته همبستگی، خبری که درباره الف. و فرستادید بلستان رسید. گزارش مفصل و توضیحات تکمیلی دیگری که ارسال کرده بودید نیز دریافت شد. از همکاریتان سپاسگزاریم.

\* رمادیه - سلیمان ف.، با توجه به توضیحاتی که داداید، سعی می‌کنیم پرونده انتقال شما را پیگیری کنیم.  
\* رمادیه - سلیمان و.، روحان ر.، بابا ر.، فیض‌الله ج.، فرمهای درخواست کمک شما همگی دریافت شدند.  
\* پ - م.، درباره استوالات شما بطور جداگانه نامه‌ای برایتان فرستادیم.

### فنلاند

\* واسا - عبدل گلرخ، با تشکر مبلغی که بابت بازپرداخت بخشی از بدهی K-H به فدراسیون فرستاده بودید وصول شد. ملاحظاتی که درباره سهمیه نشریه شورای واسا و همینطور ارسال به موقع متن فارسی نشریه خبری آکسون را به اطلاع دوستانمان بهرام رحمانی و سلیمان قاسمیانی رساندیم و آنها در صورت لزوم با شما تماس خواهند گرفت.

\* هانکو - رضا کد.، گزارش شما از برنامه‌ای که به منظور جمع‌آوری کمک برای کودکان بی‌سرپرست کرد در سالانتا برگزار شده بود، بلستان رسید. متشکریم.  
\* کاراجا - اسماعیل ویسی، گزارش جلسه فعالین ضدفاشیست در شهر هلسنکی، متن اساننامه پیشنهادی شورای فنلاند و سایر اسناد دیگری که فرستاده بودید همگی دریافت شد. خسته نباشید.

### کانادا

\* ونکوور - تهینه کیانوش، با تشکر نوشته شما دریافت شد.

\* اوتاریو - علی احمد م.، از اظهار محبت و حمایت شما سپاسگزاریم. نشریه همبستگی وظیفه خود میداند که همواره مدافع کارگران و مهاجرین افغانستانی باشد که در این شرایط مورد شدیدترین بهره‌کشی و تضییقات ضدانسانی در ایران هستند. در این کمین حمایت صمیمی دوستانی چون شما مایه پشتگرمی ماست.

\* تورنتو - م. و. محمودی، نوشته مفصل شما درباره رویدادهای افغانستان و نقش دول و نیروهای منطقه در بهم ریختن اوضاع زندگی مردم این کشور بلستان رسید. نقشی و دخالت مستقیم و غیرمستقیم دولتهای شوروی و آمریکا و متحدین محلی این دو در زنده نگه داشتن آتش جنگ داخلی افغانستان و روی کار آوردن یک حکومت مرتجع اسلامی یک حقیقت است. بهمین ترتیب عملکرد زحمتکش کارگر و مهاجر افغانستانی ایران در ستم بر توده‌های زحمتکش کارگر و مهاجر افغانستانی یک حقیقت غیرقابل انکار دیگر است. اما در مقابل اینها رجوع به تاریخ باستانی افغانستان، تقویت ناسیونالیسم افغانستانی و قرار گرفتن در سنگر این ناسیونالیسم نمی‌تواند قدمی درست در جهت مبارزه با جریان‌ها و گرایش‌ها ارتجاعی دیگر باشد. کارنامه ناسیونالیسم افغانستانی چندان متفاوت از عملکرد ناسیونالیسم در نقاط دیگر جهان نخواهد بود. ناسیونالیسم، نوع منقطع و غیرمنقطع ندارد. ناسیونالیسم منقطع است، چه از نوع آریایی باشد و از چه نوع افغانستانی! احساسات کور ضدروسی از چه نوع افغانستانی در ۱۴ سال گذشته کم آب به آسیاب امثال حکمتیار و ربانی نریخته است. اگر نمی‌خواهیم مردم زحمتکش افغانستان بار دیگر پس از خاتمه یافتن مناقشات جاری شاهد کشت و گشتار جدیدی باشند، پرچم ناسیونالیسم افغانستانی را هم باید کنار گذاشت.

\* تورنتو - فرید پروتی، با تشکر گزارش مالی ماه آوریل شورای تورنتو دریافت شد.

\* تورنتو - محسن الوند، رونوشت نامه اعتراضی شما به مسئول شبکه تلویزیونی پخش کننده برنامه ایران سیمّا که با حمایت فعال سفارت ایران در کانادا تهیه میشود، دریافت شد.

### مالزی

\* کوالالامپور - ر.، جهت بررسی پرونده پناهندگی شما لازم است که شرح حال کامل خودتان را به‌راه رونوشت همه اسناد مربوطه برایمان بفرستید. پس از دریافت و بررسی آنها نظیرمان را برایتان خواهیم نوشت.

### نروژ

\* اسلو - کتابخانه ایرانیان در اسلو، نشریه همبستگی برایتان ارسال می‌شود. موفق باشید.

\* اورشتا - هیرو الف.، فعالیت شما برای دفاع از حقوق زنان در ایران در وهله اول به تشکیل یک کمیته محلی گره نخورده است. برای موثر بودن چنین کمیته‌ای لازم است که به اندازه کافی در مورد آن به عموم اطلاعات داده و ارتباطات کافی با سازمانها، جریانات و اشخاصی که نسبت به وضعیت زنان حساسیت دارند، بوجود آمده باشد. هم‌اکنون در آتریش، کانادا، سوئد، دانمارک، آلمان و ترکیه فعالین و علاقمندان کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران کمیته‌های مشابهی تاسیس کرده‌اند. شما میتوانید از تجارب و کارهای انجام گرفته توسط آنها بهره‌جوید. برای تسریع این کار، نسخه‌ای از نامه شما را در اختیار شریا شهابی، هماهنگ کننده سراسری این کمپین، قرار دادیم و امیدواریم در آینده نزدیک شاهد موفقیت‌های بیشتر شما و تشکیل کمیته این کمپین در نروژ باشیم.

\* هارشتاد - فریدون، با تشکر جدولی را که برای خوانندگان بزرگسال همبستگی تهیه کرده بودید دریافت کردیم. لطفاً توجه کنید که قبضه‌های کمک مالی منظم به فدراسیون هر سه ماه یکبار ارسال می‌شوند. از آنجا که دوستانی که کمک مالی منظم می‌دهند، همبستگی را به رایگان دریافت می‌کنند لذا ۵۰ کرونی را که برای اشتراک همبستگی فرستاده بودید به حساب کمک مالی به فدراسیون گذاشتیم.

\* کریستین سند - مشهد، متأسفانه تاکنون وجه ارسالی شما را دریافت نکرده‌ایم. برای دریافت اطلاعات بیشتر درباره فدراسیون و نحوه عضو شدن در آن میتوانید با دفاتر و شوراهای فدراسیون در شهرهای اسلو، استاونگر، اوستیس، برگن و هارشتاد تماس بگیرید. آدرس تماس آنها در همین شماره همبستگی موجود است.

### هند

\* آمستردام - مهدی ط.، جهت کمک و پیگیری پرونده پناهندگی‌تان با همکار ما، محمود بیان، در هند تماس بگیرید. شماره تلفن و آدرس پستی ایشان در همین شماره همبستگی در صفحه آدرس تماس شوراهای و دفاتر فدراسیون آمده است. در صورت لزوم دبیرخانه فدراسیون به توصیه ایشان، پرونده پناهندگی شما را پیگیری خواهد کرد.

\* روتردام - محمود بیان، نکته‌ای را که به آن اشاره کرده بودید در شماره قبل همبستگی تصحیح کردیم.

\* آلبره هون - م.ت.، از ارسال کپی مقاله‌ای که فرستاده بودید متشکریم. برای نویسنده و ناشر چنین مطالبی متأسف شدیم. نه بخاطر خزعبلاتی که در آن بر علیه ما نوشتانده، بلکه به این علت که کسی که تا این اندازه بتواند حرفهای بیربط و متناقض را بعنوان نوشته جدی بر روی کاغذ بیاورد، لابد پریشان احوال است و قبل از هر چیز باید او را به یک روانشناس خوب و کارگشته معرفی کرد.

### آگهی شخصی

خانم عذرا آشفته پور با دختر خاله تان در نیله با آدرس زیر تماس بگیرید:

PK 113, NIGDE, TURKEY

## همکاریهای امنیتی دولتهای ایران و ترکیه

### و ترس از آبروریزی

به اطلاع بهرام رحمانی، از همکاران همبستگی، همکاریهای امنیتی بین دولتهای ترکیه و جمهوری اسلامی ایران با مشکلات جدیدی روبرو شده است. مقامات دولت ترکیه مدتها بود که برای دستگیری و استرداد عثمان ارجلان، برادر عبدالله ارجلان رهبر حزب سوسیالیست کردستان ترکیه، که در ایران بسر می برد با مقامات ایرانی چانه می زدند. مقامات ایرانی نیز متقابلاً درخواست قطع فعالیت اپوزیسیون خود در ترکیه و استرداد رهبران و فعالین آن به ایران را داشتند.

مذاکرات مقامات امنیتی دو دولت برای راه اندازی این معامله کثیف با عقب نشینی دولت ترکیه عقیم ماند. گویا دولت ترکیه به این نتیجه رسیده است که بازگرداندن رسمی و علنی مخالفین جمهوری اسلامی ایران به این کشور، که موجب شکنجه و اعدام بی تردید آنها خواهد شد، در شرایط حاضر جهانی به نفع آن نخواهد بود. این بار هراس دولت ترکیه از آبروریزی و انزجار افکار عمومی بین المللی از این معاملات کثیف، جان اعضای اپوزیسیون دو دولت را خریدار دیگر چه؟

### سرود هر مملکتی ...

بقیه از صفحه ۲

"وطن" برای آن که به "دشمن سنگ خارا" نشان بدهند که "آهنند" و به کودک و بزرگشان رحم نکنند و دست آخر "جان خود را هم فدای خاک پاک میهن" کنند. معمولاً خود آحاد طبقه حاکمه و فرزندانانشان از دور این جنگها را نظارت و هدایت می کنند و برایشان سرود می خوانند.

نیم نگاهی به کشتار میهنی و ملی در یوگسلاوی سابق کافی است تا ظرفیتهای توحش نهفته در مفاهیم ملت و وطن پرستی را به هر کودک ۹ ساله بفهماند. پاک باخته ترین و صمیمی ترین میهن پرستان و ملی گرایان همانها هستند که هر روز اخبار قتل و آدم کشی شان را در کرواتیا و بوسنیا و صربستان می بینیم و می شنویم. مناطقی از یوگسلاوی که زمانی کشوری زیبا، پیشرفته و امن بود و فدرالترین نوع حکومت را داشت.

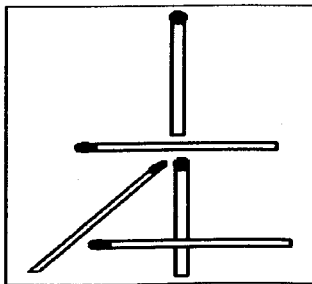
مخالفت ما با ملی گرایی و وطن پرستی در این روزگار، متأسفانه، فقط در میدان جدال نظری و فرهنگی باقی نمی ماند. ملی گرایان و وطن پرستان همه کشورها انبوهی از رنج و حرمان بر بشریت امروز تحمیل کرده اند، و جدال انسانیت و آزادیخواهان یا آنان اجباری است.

آقای یادگار آب از سرش گذشته است و چون و چرا بر برتری طلبی ایرانی نمی پذیرد. اما از دیگر خوانندگان سرود "ای ایران" و ملی گرایان و وطن پرستان ایرانی میپرسم، در ۱۴ سال گذشته چند کلمه در دفاع از حقوق و حرمت انسانی پناهندگان و مهاجرین افغان در ایران نوشته و بر زبان آورده اید؟ اگر پاسخ هیچ یا خیلی کم است، خواهش می کنم یکبار پس از سرود "ای ایران" سرود "ای آلمان" را هم بخوانید، در تشابه این دو سرود دقت کنید، جنایات هولناکی که خوانندگان سرود دومی نسبت به بشریت کردند را بیاد آورید، و فقط ۲ دقیقه در مورد رفتاری که خوانندگان سرود اولی با افغانها در ایران کرده اند برای فرزندانتان صحبت کنید، تا روشن شود قربان صلحه خاک و مزز رفتن صرفاً تفکر و فرهنگی بلوی و بت پرستانه نیست، احساس و رفتاری عمیقاً ضدبشری است.

### لیست نشریات و کتب دریافتی

- \* الفدراسیون، نشریه فدراسیون سراسری شوراهای پناهندگان و مهاجرین عراقی، شماره ۳، فوریه ۹۴
- \* انترناسیونال، نشریه حزب کمونیست کارگری ایران، شماره ۱۲، فروردین ۷۳
- \* نامه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران، شماره ۴۲۵ - ۴۲۳، اسفند و فروردین ۷۳
- \* سینمای ایران، محصول فستیوال گوتنبرگ، انتشارات "چشم‌انداز سینمای ایران در تبعید"
- \* پریش، نشریه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، شماره ۱۷، زمستان ۱۳۷۲
- \* پیوند، از انتشارات انجمن مهاجرین و پناهندگان ایرانی بریتیش کلمبیا، شماره ۱۱، مارس ۹۴
- \* ماهنامه آناهیتا، شماره ۱۶، نوروز ۷۳
- \* آوای زن، نشریه زنان ایرانی، شماره ۱۸، مارس ۹۴
- \* بلوچستان، ارگان جنبش ملی بلوچستان - ایران، شماره ۴۹، بهمن ۱۳۷۲
- \* سوسیالیسم، ارگان هسته اقلیت، شماره ۳، آذر ۷۲
- \* فارسی بیاموزیم، کتاب اول، نوشته لیلی ایمن (آهی)، ۱۹۹۴
- \* چشم انداز سینمای ایران در تبعید
- \* شعله جارید، ارگان مرکزی حزب کمونیست افغانستان، شماره دهم، میزان ۷۲
- \* اتحاد کار، ارگان مرکزی سازمان فدائی - ایران، شماره ۵۴، فروردین ۷۳
- \* دنیا، نشریه تتوریک کمیته مرکزی حزب توده ایران، شماره ۳، ۱۳۷۲
- \* کوردستان، ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران، شماره ۲۰۷، اسفند ۷۲
- \* دفترهای کارگری سوسیالیستی، شماره ۲۰، مارس ۹۴
- \* Amnesty International, Newsletter, April 94
- \* Amnesy International, FOCUS, 3/94
- \* Workers World, Workers World Party, vol. 35, no 7-10, March - April 94
- \* Emergency Bulletin no. 45, International Emergency Committee, April 94
- \* European Race Audit, Bulletin no. 7, March 94
- \* Halitosis, nr 3, 1994

### پاسخ اگر گفتید



### کمک مالی منظم به فدراسیون

ماوری ب.	ژانویه تا آوریل	۱۲۰ کرون
مقدم	ژانویه تا آوریل	۵۰۰ کرون
پژمان	ژانویه تا آوریل	۲۰۰ کرون
آرمان	اکتبر ۹۳ تا ژانویه ۹۴	۱۲۰ کرون
س.ص.	آوریل	۱۰۰ کرون
عباس گویا	سال ۹۴	۱۰۰ کرون
الف. واسا	آوریل	۵۰ مارک
علی شریفی	فوریه تا آوریل	۱۰۰ کرون
فریدون هارشتاد	ژانویه و فوریه	۳۵۰ کرون
ماری	مارس	۱۲ مارک
فرهاد	فوریه و مارس	۲۰ مارک
صمد	ژانویه تا مارس	۴۵ مارک
تقی	ژانویه تا مارس	۱۵۰ مارک
اسی	مارس	۱۵ مارک

مرطبه کابلی، نروژ، ۳۵۰ کرون بدهی شما به همبستگی دریافت شد.

### کمک مالی به فدراسیون

شورای کشوری کانادا	۲۰۰ دلار
شورای کشوری آلمان	۴۴ مارک
شورای گیسین آلمان	۲۰۰ مارک
الف.ن. - آلمان	۲۰۰ مارک
حمید رحیم پور، آلمان	۹۰ مارک
جلیل کالگاری، کانادا	۶۰ دلار

### سهیمه شوراها

باقیمانده سهیمه شورای آلمان (ماههای ژوئیه تا دسامبر)	۱۶۳ مارک
سهیمه شورای کشوری آلمان (ماههای ژانویه تا مارس)	۷۸۱ مارک
سهیمه شورای کشوری کانادا (از فوریه تا آوریل)	۲۱۰ دلار

### کمک های مالی به پناهندگان

#### ایرانی در ترکیه

شورای یوله	سوند	۴۴۰ کرون
آرش، کاسل	آلمان	۱۰ مارک
محمد، کاسل	آلمان	۱۰ مارک

۳۰۰ دلار استرالیا توسط دفتر فدراسیون در سیدنی جمع آوری و برای باقر کاکاوند در ترکیه ارسال شد. از دوستان کمک مالی دهنده تشکر می کنیم.

### کمک از آلمان جهت معالجه جعفر

#### جولان، پناهنده ایرانی در ترکیه

اسی	۳۰ مارک
محمد یگانه	۱۰۰ مارک
سعید یگانه	۲۰ مارک
آصف رهنما	۲۰ مارک
جواد	۲۰ مارک
فرهاد	۳۰ مارک
مریم	۱۰ مارک
صهبا	۷ مارک
فرهنگ	۲۰ مارک
ناهید	۱۰ مارک
دکتر ایرانی	۵۰ مارک
امیر	۲۰ مارک
نیروانا	۱۰ مارک
ستار	۵ مارک
ساناز	۲۰ مارک
حسن	۵ مارک
محمد	۱۳ مارک

**آدرس تماس سوراها و دفاتر فدراسیون**

**آلمان**

شورای کشوری  
دبیر: هادی اسماعیلی  
شماره فاکس:  
شماره تلفن:  
(روزهای سه شنبه و پنجشنبه از ۲ تا ۶ بعد از ظهر)  
آدرس پستی:

۰۵۶۱-۱۰۳۲۷۶  
۰۵۶۱-۷۱۳۳۴۵  
I.F.I.R.  
ELFBUCHENSTRASSE 18  
34119 KASSEL

حساب بانکی:

IFIR DTLD  
POSTGIROAMT FRANKFURT AM MAIN  
KONTO NR. 61 13 18 - 609  
BLZ 500 100 60

شورای فرانکفورت

دبیر: پروین تقوی  
شماره تلفن:  
(روزهای دوشنبه و پنجشنبه از ساعت ۲ تا ۶)  
آدرس پستی:

۰۶۹-۷۸۹۴۸۴۶  
I.F.R.  
DRITTE WELTHAUS  
WESTERBACHSTR. 40  
60489 FRANKFURT

شورای کلن

دبیر: بهرام نویدی  
شماره تلفن:  
(روزهای جمعه از ساعت ۲ تا ۵/۳۰)  
آدرس پستی:

۰۲۲۱-۸۳۰۲۱۳۶  
I.F.R.  
TAUNUSSTR. 12 a  
51105 KÖLN

شورای کیسن

دبیر: سعید زمانی  
آدرس پستی:

I.F.R.  
FRANKFURTER STR. 50  
35392 GIBEN

شورای کاسل

دبیر: محمد مشکات  
شماره تلفن و فاکس:  
(دوشنبه ها و جمعه ها از ۲ الی ۵ بعد از ظهر)  
آدرس پستی:

۰۵۶۱-۸۹۴۶۸۹  
I.F.R.  
MOMBACHER STR. 10 - 12  
34127 KASSEL

دفتر مشاوره حقوقی در دارمشتات

شماره تلفن:  
(جمعه ها از ساعت ۱۷ تا ۱۹)  
آدرس ملاقات:

۰۶۱۵۱-۲۱۲۰۳  
FRANKFURTER STR. 10  
6000 DARMSTADT

دفتر فدراسیون در برلین

دبیر: علیرضا هدایت  
آدرس پستی:

POSTFACH 1631  
14006 BERLIN

**آمریکا**

شورای لوس آنجلس

شماره تلفن و فاکس:  
دبیر: محمود احمدی  
آدرس پستی:

۰۳۱۰-۲۰۷۹۶۵۲  
HAMBASTEGI  
P.O. BOX 251272  
LOS ANGELES  
CA. 90025

**اتریش**

دفتر فدراسیون در وین

شماره تلفن:  
(شنبه ها از ۱۰ تا ۱۲)  
آدرس ملاقات:

۰۲۲۲-۵۸۷۲۸۲۹  
A-M  
POSTFACH 27  
1233 WIEN

**استرالیا**

دفتر فدراسیون در سیدنی

دبیر: آرسلان ناطورین  
آدرس پستی:

P.O. BOX E158  
ST. JAMES 2000  
NSW SYDNEY

**بریتانیا**

نماینده فدراسیون در بریتانیا: ساعد حسارمی  
آدرس پستی:

NASIM  
BM BOX 1919  
LONDON WC1N 3XX

**دانمارک**

دفتر فدراسیون در کپنهاگ

دبیر: جمال طبری  
آدرس پستی:

DET IRANSKE FLYGTNINGE OG  
INVANDRERÅD I DANMARK  
POSTBOKS 1234  
2300 KOBENHAVN S.

شورای آدنسه  
آدرس پستی:

DET IRANSKA FLYGTNING  
OG INDVANDRE (RÅDET)  
POST BOKS 1258  
5100 ODENSE C.

**سوئد**

شورای کشوری  
دبیر: بیژن هدایت  
شماره تلفن/فاکس:  
شماره جیرو پستی:  
آدرس پستی:

۰۸-۵۳۱۸۰۸۶۳  
20 09 74 - 4  
IFR  
BOX 9092  
102 72 STOCKHOLM

شورای استکهلم  
دبیر: هوشنگ محبی  
شماره جیرو پستی:  
آدرس پستی:

60 38 30 - 1  
IFR  
BOX 1172  
172 24 SUNDBYBERG

شورای مالمو  
دبیر: پدیر کریمی  
شماره تلفن:  
شماره جیرو پستی:  
آدرس پستی:

۰۴۰-۹۲۳۹۴۴  
45 87 365 - 0  
IFR  
BOX 17563  
211 45 MALMÖ

شورای یوتبری  
دبیر: سلیمان قاسمیانی  
شماره تلفن:  
شماره جیرو پستی:  
آدرس پستی:

۰۳۱-۴۳۱۳۳۶  
81 44 73 - 5  
IFR  
BOX 11090  
404 22 GÖTEBORG

شورای لین شوپینگ  
دبیر: روشنگ خوشنویس  
شماره جیرو پستی:  
آدرس پستی:

473 10 57 - 8  
I.F.R.  
BOX 10049  
580 10 LINKÖPING

شورای نینسهام  
دبیر: رسول بناوند  
آدرس پستی:

I.F.R.  
BOX 58  
148 00 ÖSMO

شورای لوانو  
دبیر: علی کتابی  
آدرس پستی:

I.F.R.  
HÖST VÄGEN 264  
276 33 LULEÅ

شورای آستورپ  
دبیر: رحیم یزدانپرست  
شماره جیرو پستی:  
آدرس پستی:

66 38 07 - 6  
I.F.R.  
BOX 165  
265 22 ÅSTORP

شورای یوله  
دبیر: اسد نودینیان  
آدرس پستی:

I.F.R. c/o JOE HILL GÅRDEN  
NEDRE BERGS GATAN 28  
802 51 GÄVLE

**فرانسه**

نماینده فدراسیون در فرانسه: نادر بکتاش  
آدرس پستی:

Mr. TARY, P.R.  
38 BD. STRASSBOURG  
75010 PARIS

**فنلاند**

شورای کشوری  
شماره فاکس:  
دبیر: اسماعیل ویسی  
آدرس پستی:

۰۱۱-۳۸۰۰۶  
E.H.  
PL 50  
10300 KARJAA

شورای واسا  
دبیر: عبدالکریم  
آدرس پستی:

VASSAN PAKOLAISNEUVOSTO  
POSTE RESTANTE  
653 20 VASSA

شورای اوسیمما  
دبیر: حیدر خدیری  
آدرس پستی:

IFR c/o H.K.  
SPÖMGRAND 2A2  
103 20 KARIS

شورای یواسکولا  
دبیر: یاقی فرجی  
شماره تلفن:  
آدرس پستی:

۴۱-۷۶۷۰۲  
IFR c/o F.B.  
MESI KÄMMEN 15B20  
40400 JLK

**کانادا**

شورای کشوری  
دبیر: مسعود ناطوری  
شماره تلفن:

۴۱۶-۴۹۱۰۲۸۱

دفتر فدراسیون در ونکوور  
دبیر: دقت: هیت کاکاوند  
شماره تلفن/فاکس:  
آدرس پستی:

۶۰۴-۹۸۳۹۱۱۲  
P.O. BOX 54021  
NORTH VANCOUVER  
BC V7M 3L5

شورای لندن

دبیر: فریدون البرز  
شماره تلفن:  
(روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه)  
آدرس پستی:

۵۱۹-۷۸۱۳۲۶  
HAMBASTEGI  
P.O. BOX 45003  
EALING P.O.  
873 HAMILTON RD.  
LONDON ONT. N57 1V0

شورای تورنتو

دبیر: فرید پرتوی  
شماره تلفن:  
شماره فاکس:  
آدرس پستی:

۴۱۶-۴۹۱۰۲۸۱  
۴۱۶-۴۹۱۰۴۱۶  
HAMBASTEGI  
P.O. BOX 193, STN. Q  
TORONTO ONT. M4T 2M1

دفتر فدراسیون در اوتاوا

دبیر: داود آرام  
شماره تلفن:  
شماره فاکس:  
آدرس پستی:

۶۱۳-۲۳۲۹۱۳۴ EXT ۴۶۳  
۶۱۳-۲۳۲۳۶۱۰  
NEW COMER CENTRE  
218 ARGYLE ST. ROOM 224  
OTTAWA, ONT.  
K2P 2H4

دفتر فدراسیون در کالگری

دبیر: صفار ساعد  
شماره فاکس:  
آدرس پستی:

۴۰۳-۲۶۶۲۱۸۱  
P.O. BOX 2941  
CALGARY, ALBERTA  
T2P 3C3

**نروژ**

شورای اویستسه  
دبیر: محی الدین شریعتی  
آدرس پستی:

I.F.R.  
VIKELANDET  
5610 ØYSTESE

شورای برگن

دبیر: سیامک شعاعی  
شماره تلفن:  
شماره فاکس:  
آدرس پستی:

۰۵۵-۳۱۱۸۹۵  
۰۵۵-۹۶۰۶۰۷  
I.F.R.  
POSTBOKS 98  
TERTNES 5084

شورای اوسلو

دبیر: محمد آمینی  
آدرس پستی:

I.F.R.  
LUDVIG KARSTENS VEIEN 10  
1064 OSLO 10

دفتر فدراسیون در استاونگر

دبیر: بهزاد یوسفی  
آدرس پستی:

I.F.R. (B. YOUSEFI)  
INTERNATIONAL KULTURSENTER  
SANDVIGÅ 27  
4007 STAVANGER

دفتر فدراسیون در هارشتاد

دبیر: بهروز ناصری  
آدرس پستی:

I.F.R.  
POSTBOKS 2007  
9405 KANEBOGEN-HARSTAD

**هلند**

دفتر فدراسیون در روتردام

دبیر: محمود بیان  
شماره تلفن:  
(روزهای چهارشنبه و جمعه بین ساعت ۱۱ تا ۱۲)  
شماره فاکس:

۰۱۰-۴۳۳۱۳۹۰  
۰۱۰-۴۳۳۰۳۰۲  
V.W.R.  
WEENA 745  
3013 AL ROTTERDAM

آدرس مراجعه:

BAYAN  
POSTBUS 19165  
3001 BD ROTTERDAM

آدرس پستی:

### کشتار قانونی زنان در کردستان ...

بقیه از صفحه ۶

کردستان عراق و وارد کردن فشار بین‌المللی به این حکومت ضد زن برای جلوگیری از ترور و قتل بیشتر زنان ما را یاری دهند.

### کمپین بین‌المللی دفاع از حقوق زنان ایران - کمیته آلمان

به حکومت خودمختار کردستان عراق

بنا به گزارش کمیته دفاع از حقوق زنان عراق در سال ۱۹۹۲ و ۱۹۹۳ حدود ۳۰۰ نفر از زنان در کردستان عراق به دلایل مختلف به قتل رسیده و یا ترور شده‌اند. از نظر ما ترور وحشیانه زنان در کردستان عراق تحت هر عنوانی تنها می‌تواند نشان وجود قوانین و سنت‌های ارتجاعی و مذهبی در رابطه با بی‌حقوقی و سرکوب زنان در عراق باشد. ما ضمن ابراز نفرت و محکوم کردن این ترورهای وحشیانه حکومت خودمختار کردستان عراق را مسئول این ترورها میدانیم و خواهان قطع فوری این ترورها و اقدامات ضدبشری هستیم.

آذر سینا  
۹۴/۳/۱۵

### بوتری طلبی را هر طور لینت دهید ...

بقیه از صفحه ۸

تاریخی! به شما توصیه می‌کنم که قبل از اینکه در مورد یوگسلاوی اظهار نظر کنید، "نامهای از سارایوو" که در همان همبستگی شماره ۴۷ چاپ شده را بخوانید.

شما ظاهراً از خونریزیهای ملل تجزیه شده یوگسلاوی خوشتان نمی‌آید و آنرا هم فقط ناشی از توطئه امپریالیستها نمی‌دانید. شما می‌نویسید: "...اما بالاخره کسانی هستند که خود را در انجام این جنگ محق میدانند". شما حق دارید! این جنگهای ارتجاعی فقط ناشی از توطئه امپریالیستها نیست، بلکه وظیفه مقدس و وطن پرستانه کسانی است که خود را در انجام این جنگها "محق" میدانند. این کسان، در یوگسلاوی سابق، فاشیستها و ناسیونالیستهای کراوات، صرب و بوسنی هستند، و جزو این کسان خود شما خواهید بود. در فردایی احتمالی که آتش سوزان جنگهای ملی و میهنی مردم مختلف در منطقه، بخصوص کرد و ترک و فارس، را بجان هم بیاننازند، یقه شمای ایرانی را هم خواهند گرفت و شما هم خود را در انجام یکی از این جنگها محق خواهید دانست و بعنوان سرباز ملی‌گرا جان به کف در یکی از این صفوف به کشتار دیگر وطن پرستان و ملی‌گرایان خواهید پرداخت و از حق حاکمیت ملی دفاع خواهید کرد.

محمود ز. - آلمان

### اخبار کوتاه پناهندگان

بقیه از صفحه ۱۳

**آلمان:** پنج عضو گروه موزیک راسیستی TRIEBTATER به ۶ تا ۱۰ ماه زندان تعلیقی محکوم شدند. برنامه این باند راسیستی بی اندازه تحریک کننده و نژاد پرستانه شناخته شده است. به علاوه در محل تجمع اعضای این باند، اسناد تبلیغی ممنوع اعلام شده جبهه ناسیونالیستی آلمان پیدا شده بود.

**توضیح:** کلیه اخبار فوق از ماهنامه مورگن گراون، چاپ آلمان، شماره آوریل اقتباس شده است.

**سوئد:** دادگاه استیناف، مجازات سیمین قربانی، زن ۲۸ ساله ایرانی را، که بجرم جاسوسی علیه پناهندگان ایرانی مقیم سوئد و ارائه اطلاعات به سفارتخانه دولت جمهوری اسلامی در این کشور در دادگاه بدوی محکوم گردیده بود، کاهش داد. دادگاه بدوی، سیمین قربانی را به یکسال و شش ماه زندان محکوم کرده بود. اما دادگاه استیناف، جرم ارتكابی وی را شدید ندانست و دوره محکومیت را به ۹ ماه زندان کاهش داد. دادگاه استیناف اعلام کرد که سیمین قربانی از اعمال جاسوسی خود سودی نبرده و بخاطر ترس از مقامات ایرانی به جاسوسی مبادرت کرده است، اطلاعاتی که به سفارت جمهوری اسلامی داده برای سفارت تازگی نداشته و به کسی آسیب نزده است.

### خیلی ها بعد از چند سال ...

بقیه از صفحه ۹

و پیروزی هر چه بیشتر نمایم و بگویم که وجود شما و قلم شما به دل‌های میلیون‌ها ایرانی آواره و تحت فشار در غربت شور و زندگی می‌بخشد. در پایان می‌خواستم بدانم چگونه و چقدر برای هزینه پستی ارسال همبستگی بایستی پرداخت گردد تا مستقیماً نشریه را دریافت داریم و در ضمن در نشریه‌تان در صورت امکان توضیح دهید شرایط عضویت در فدراسیون چیست و وظیفه اعضا چیست و فرق یک فرد عضو با غیرعضو در رابطه با فدراسیون چیست و چه وظائف و مسئولیت‌هایی متوجه فرد عضو می‌شود و اگر بایستی حق عضویتی پرداخت کند چقدر است و کلاً هر چیز که در رابطه با عضویت می‌باشد.

در پایان چون من همبستگی را جمع می‌کنم می‌خواستم بدانم آیا امکان اینکه شماره‌های قبلی را هم بفرستید وجود دارد یا نه. اگر وجود دارد هزینه پست آن را به دلار کانادا بنویسید...

با تقدیم احترام  
م. ن. کانادا

### پاسخ همبستگی

م. ن. عزیز،  
ما را شرمندانه لطف و محبت‌های بیکران خودتان کرده‌اید. تلاش خواهیم کرد که همبستگی

دیگری نیستند. اعضای فدراسیون بسته به تمایل و امکانات و سلیقه خود می‌توانند در هر یک از فعالیتهای جاری سراسری یا محلی آن شرکت کنند و یا خود پروژه‌های جدیدی را برای پیشبرد اهداف فدراسیون پیشنهاد کرده و راه بیاننازند. هر عضو فدراسیون حق شرکت و رای دادن و مسئولیت پذیرفتن در مجامع عمومی شعبات محلی آنرا داشته و علاوه بر آن حق شرکت در کنگره‌های سراسری فدراسیون را هم دارد. اعضای فدراسیون برای استفاده از امکانات و فعالیتهای هنری و آموزشی و فرهنگی آن نسبت به غیر اعضا اولویت دارند و معمولاً برای بهره مندی از این امکانات تخفیف ویژه‌ای هم شامل حالشان می‌شود. برای کسب اطلاعات بیشتر در اینباره می‌توانید با دفتر نمایندگی فدراسیون در اوتاوا تماس بگیرید.

خط زیبایی که با آن نامه پرمهرتان را خوشنویسی کرده بودید مایه تحسین همه همکاران در دفتر مرکزی شد و اگر از کاغذ بی‌خط استفاده کرده بودید حتماً عین دست خطتان را در نشریه چاپ می‌کردیم. در خاتمه دستاتان را از دور می‌فشاریم، برایتان آرزوی شادی و موفقیت داریم و همراه با شما امیلواریم که مردم رنج کشیده ایران هر چه زودتر از نکتت جمهوری اسلامی خلاصی یابند و اینبار اجازه حکومت به هیچ دارو دسته آزادی‌گشی را ندهند.

ارادتمند و مخلص شما و همه آزادیخواهان،  
**فرهاد بشارت**

## مروری بر جنبش کارگری و چپ ترکیه

"مروری بر جنبش کارگری و چپ ترکیه" کتابی است که اخیراً از طرف "کمیته ترکیه حزب کمونیست کارگری ایران" انتشار یافته است. این کتاب اطلاعات ارزنده ای از اوضاع جنبش کارگری ترکیه از سالهای ۶۰ به بعد، سندیگاههای کارگری در این کشور، اوضاع جنبش کارگری و چپ پس از کودتای ژنرالها، تعداد اعتصابات کارگری در مقاطع مختلف، گرایشها و احزاب مختلف چپ ترکیه، سیاست و عملکرد آنها در لحظات حساس تاریخی و بسیاری نکات دیگر مربوط به موضوع بلست می دهد.

کمیود چنین کتابی به زبان فارسی احساس میشد، و علاقمندان به جنبش کارگری و چپ در ترکیه و خاورمیانه با خرید این کتاب به منبعی خوب و قابل استناد از اطلاعات و مباحث مربوط به جنبش کارگری و چپ ترکیه دست پیدا می کنند.

تهیه کنندگان این کتاب رضا شهرستانی و بهرام رحمانی هستند. برای تهیه کتاب "مروری بر جنبش کارگری و چپ ترکیه" با ناشر در آدرس زیر تماس بگیرید:

K.A.K.  
BOX 29065  
STOCKHOLM  
SWEDEN

### موقعیت و مباحث کنونی احزاب چپ طرفدار شوروی سابق

"مسائل بین المللی" شماره ۳، از انتشارات حزب توده ایران است که اخیراً بلست ما رسیده است. این کتاب حاوی مطالب و اطلاعات جالبی از بعضی از احزاب و شخصیتهای چپ طرفدار شوروی سابق و نقد و جمع بندی آنان از فروپاشی اتحاد شوروی و بلوک جهانی وابسته به آن است.

نوشته اولریش هوار تحت عنوان "نگاهی به پیدایش اتحاد شوروی، دست آوردها و فروپاشی آن"، مصاحبه با بتی فریدونتر بیارگ، رهبر مجمع کمونیستی دانمارک و بالاخره سندی مصوب کنگره سیزدهم حزب کمونیست پرتغال در مورد تجربه شوروی از جمله مطالب خواندنی این کتاب است. فقدان دموکراسی و کمیود توجه به منافع ملی از جمله درسهایی است که این گرایش از جنبش چپ بین المللی از تجربه شوروی گرفته اند.

بتی فریدونتر بیارگ در مصاحبه اش این ملاحظه قابل تامل را دارد: "... من تشکیل یک جبهه چپ" را در دانمارک، در حال حاضر، ضروری نمی بینم و معتقدم پس از تغییر و تحولات اخیر جهان، احزاب و سازمانهای گوناگون چپ باید زمان کافی برای تجزیه و تحلیل مسائل و موضع گیریهای احتمالاً جدید خود را داشته باشند". مطالعه این کتاب برای کسانی که تحولات مربوط به این گرایش از احزاب چپ بین المللی را دنبال می کنند جالب خواهد بود. برای تهیه کتاب با ناشر در آدرس زیر تماس بگیرید.

POSTFACH 100644  
10566 BERLIN  
GERMANY

## نامه های سوئدی

"نامه های سوئدی" نام مجموعه ای از ترجمه چند داستان و شعر کوتاه از نویسندگان و شعرای معاصر سوئدی است که شاهرخ کامیاب در اواخر سال گذشته منتشر کرده است.

شاهرخ کامیاب از فعالین قدیمی سیاسی ایرانی است که مخالفت و درگیریش با رژیم پهلوی او را به زندگی در سوئد کشانده است. شاهرخ کامیاب برای ارائه کارهای ادبی خود از هر دو زبان فارسی و سوئدی مستقیماً بهره می گیرد. او تا کنون نوشته ها، اشعار و ترجمه های زیادی منتشر کرده و چندین جایزه ادبی از نهادهای فرهنگی مختلف سوئد و از جمله از یک اتحادیه کارگری دریافت کرده است.

او در باره مجموعه "نامه های سوئدی" در مقدمه کتاب چنین می نویسد:

... دیدم اگر چه این ترجمه های پراکنده، اشعار و داستانهایش فقط بر اساس سلیقه شخصی و رابطه دوستانه با بعضی از صاحبان آثار انتخاب شده و بهیچ وجه نمی تواند نماینده ادبیات غنی سوئد و طیف وسیع و گوناگون اشعار معاصر سوئدی باشد، ولی بالاخره می تواند هر چند ناقص، برای هموطنان دریچه آشنائی را با ادبیات سوئدی باز کند و برگ سبزی باشد تحفه ی درویش.

برای شاهرخ کامیاب در کارهای ادبی اش آرزوی توفیق داریم و به اتفاق هم "برگ سبزی از این تحفه درویش" را می خوانیم.

### نبش خیابان کونگ و واسا

نور سپید مات.  
تا نیمه در سایه

### مقایسات آماری

مقایسات آماری (STATISTICAL COMPARE) نام کتابی است که اکبر قندهاری اخیراً به زبان انگلیسی منتشر کرده و یک نسخه هم به دفتر همبستگی فرستاده است. این کتاب حاوی آماری در مورد جغرافیا، جمعیت، اوضاع اقتصادی، اشتغال مردان و زنان در بازار کار، درآمد سرانه، تولید سرانه، نرخ افزایش جمعیت، طول متوسط عمر و بسیاری شاخصهای آماری دیگر پیرامون کار و زندگی مردم در کشورهای مختلف از جمله افغانستان، ترکیه، ایران، عراق، پاکستان، اتحاد شوروی و آمریکا در فاصله سالهای بین ۱۹۳۰ و ۱۹۸۸ است. برای دریافت این کتاب با نویسنده در آدرس زیر تماس بگیرید:

P.O. BOX 87  
2730 HERLEV  
DANMARK

نبش خیابان ایستاده است.  
تنها دار و ندارش  
چمدانی است که در دست دارد.

بیتابی و تشویش  
کنترل گذرنامه  
و مدارک زبردستانه جعل شده شناسائی را  
دیگر پشت سر نهاده است.  
از چشم اندازهای فانوس  
الفاظ آشنا، یاران، خانواده  
از خیابانهای مملو از هموطن  
روزمردگی ها، همنشینی و معاشرت  
دیگر اثری نیست.

بی پلر و مادر، بی زبان، بی حقوق  
لیک با خاطره ای از درد و همجواری سوزان  
در چهل سالگی تولدی دیگر میکند.

غرق بدیهیات خورشند  
خیل آدمهانی که از کنارش میگذرند.  
چاره اش دیگر چیست  
باید از افکار خویش خلاصی یابد  
و خود را عادت بدهد به مجهولی  
که اسمش آزادی است.  
نور سپید مات  
تا نیمه در سایه  
نبش خیابان ایستاده است.

### شعر از پتر کورمن برگردان از سوئدی: شاهرخ کامیاب

برای تهیه کتاب "نامه های سوئدی" با انتشارات باران در آدرس زیر تماس بگیرید.

BARAN BOOKFORLAG  
BOX 4048  
163 04 SPÅNGA  
SWEDEN

### کتابها و نشریه های مهاجرت

کارگاه ایرانیان در شهر هانوفر آلمان اخیراً جلد اول فهرست کتابها و نشریه های مهاجرت را برای ما فرستاده است. اسامی بخشی از کتابها و نشریات فارسی زبانی که از سال ۱۳۵۷ به بعد در خارج از ایران منتشر شده اند بهمراه اسم و آدرس نویسندگان و سردبیرهای نشریات در این کتاب جمع آوری شده است.

آدرس ناشر:

RANISCHE GEMEINDE  
WILHELM-BLUM STR. 12  
30451 HANNOVER  
GERMANY

# شبی با شامو

**استکهلم**

Konsertuset  
Stockholm

شنبه ۲۸ ماه می ساعت ۱۸:۳۰

**گوتنبرگ**

Burgårdens Gymnasium  
Skånegatan 20, Göteborg

شنبه ۲۱ ماه می ساعت ۱۸

**آمستردام**

De Rode Hoed  
Keizersgracht 102, Amsterdam

جمعه ۱۰ ژوئن ساعت ۲۰

**بروکسل**

Center cultur d'ucle  
47, Rue rouge, Bruxelles

یکشنبه ۱۲ ژوئن ساعت ۱۷

برگزارکننده: انتشارات آرش، سوئد - تلفن ۸۲ ۷۰ ۷۹۵ - ۸ - (۴۶)

ARASH FÖRLAG, Bredbyplan 23 nb, 163 71 Spånga, SWEDEN

## مهاجرین و انتخابات سپتامبر ۱۹۹۴

با مطالعه و بحث میتوان اطلاعاتی کسب کرد که استفاده از حق رای را برای دارندگان آن آسانتر می کند. یکی از اشکال مناسب اینکار تشکیل "گروه مطالعاتی" است. کتاب آموزشی "جایگاه شما در سوئد" بعنوان مبنایی برای این گروههای مطالعاتی تدوین شده است. مطالب این کتاب عبارتند از:

**اطلاعات پایه ای مختصر در مورد سوئد**

**تاریخچه توسعه جامعه سوئد**

**چگونگی مصرف درآمد مالیات**

**چند سؤال سیاسی**

**شیوه انجام انتخابات**

اگر اطلاعات بیشتری در مورد آموزشهای مربوط به انتخاب می خواهید میتوانید با

"بیرکیتا واربری" یا "یوران اریکسون" از طریق شماره تلفن ۴۵۳۴۱۰۰ در ABF استکهلم،

و در صورتیکه در منطقه غرب زندگی می کنید با "ویولا اوگردال" از طریق شماره تلفن ۶۲۱۰۰۱۰

صحبت کنید.



آگهی

# کتابفروشی فردوسی

## خبری خوش برای دوستداران کتاب

از حراج کتاب در محل جدید کتابفروشی فردوسی دیدن نمایید.

Drottningatan 87

آدرس جدید:

113 60 Stockholm

Ⓣ Rådmansgatan

نزدیکترین ایستگاه

Tel: ۰۸-۳۲۳۰۸۰

Fax: ۰۸-۳۴۴۶۶۰

آخرین ورژن برنامه‌های فارسی را از ما تهیه کنید.

پیشکار :- ۹۵۰۰ کرون

واژه‌نگار :- ۱۲۵۰۰ کرون

آگهی

## رادیو "چرند و پرند"

شنبه‌ها از ۲۲ تا ۱/۳۰

استکهلم، افام ردیف ۸۸/۹ مکارترز

آفتاب آمد دلیل آفتاب

غلطهای زیادی بزبان فارسی

تصحیح غلطهای دیگران

محفل و شمع کجا؟ زنده شو!

صحبت‌های پشت به مسجد

عصاره غمین همبستگی‌ها

تلفن‌های حین برنامه : ۱۹۵۱۷۰ و ۱۹۲۱۷۰

Box 6012

آدرس:

129 06 Hägersten, SWEDEN

جبرو پستی: 83 10 856 - 3

آگهی

## دفتر خدمات حقوقی آ. کارپوف

A. Karpoff

مرکز خدمات حقوقی و مشاوره در امور:

مهاجرت، پناهندگی، اخذ اقامت و تابعیت سوئد

- اختلاف مالک و مستاجر

- مسکن و اجاره

- انجام معاملات رسمی

- مسائل خانوادگی

- تهیه وکالت نامه و وصیت نامه و بررسی کلیه دعاوی حقوقی

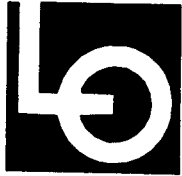
مالی و جزائی با کمک حقوق دان مجرب Alexis Karpoff

Tel, Fax - 08, 661 43 62

Adress - Furusundsg. 10

115 37 Stockholm

Ⓣ Gärdet



## سازمان سراسری مزدبگیران سوئد

سازمان سراسری مزدبگیران سوئد، پیوندی از ۱۲۰ اتحادیه است. وظیفه سازمان سراسری مزدبگیران LO، یاری کردن اتحادیه‌ها در مورد مذاکره با کارفرمایان و تدوین پیشنهادات گوناگون برای تغییرات در زمینه‌های مختلف مربوط به کار است.

LO یک سازمان مهم برای پیشنهادات گوناگون مربوط به تغییرات اجتماعی و مسائل مربوط به بازار کار است.

LO شامل سازمانهای منطقه‌ای و بخش‌ها است. ۱۷ سازمان منطقه‌ای LO، که حوزه فعالیتشان یک یا چند استان است، کار با مسائل اجتماعی و افکار عمومی و هماهنگی فعالیتها را به عهده دارند. ۲۵۰ بخش LO نیز مسائل مربوط به محل را بر حسب خواست سازمانهای اتحادیه‌ای محلی انجام میدهند.

### سازمان منطقه‌ای LO در اوستریوتلند

این سازمان منطقه‌ای ۱۲ بخش دارد و موظف است که به مسائل اجتماعی اعضای LO در منطقه بپردازد.

وظایف اصلی امروزه ما به عدالت، بازار کار، مراقبت‌های پزشکی و نیز مراقبت از سالمندان و کودکان مربوط می‌شود. علاوه بر اینها، ما مسئول آموزش جوانان در FUS (مدرسه جوانان اتحادیه) هستیم. اینکار، تربیت فعالین آینده اتحادیه است. به جوانان آموزش داده می‌شود که چرا اتحادیه‌ها بوجود آمده‌اند، و چگونه می‌توان در جنبش اتحادیه‌ای با مذاکرات، قوانین و قراردادها کار کرد. از این گذشته، ما می‌کوشیم اهمیت فعالیت سیاسی در مورد مسائل اجتماعی را به جوانان تفهیم کنیم.

به خاطر اینهاست که ما به همکاری با حزب سوسیال دمکرات بهای بسیار می‌دهیم.

#### بخش‌های LO در اوستریوتلند

- |                                 |                                       |
|---------------------------------|---------------------------------------|
| - اتحادیه کارگران خواربار فروشی | - اتحادیه کارگران اوراق فلز*          |
| - اتحادیه کارگران فلز           | - اتحادیه کارگران ساختمانی            |
| - اتحادیه موسیقی‌دانان          | - اتحادیه برقکاران                    |
| - اتحادیه نقاشان                | - اتحادیه کارکنان مستغلات             |
| - اتحادیه کارگران صنعت کاغذ     | - اتحادیه کارکنان بیمه                |
| - اتحادیه کارگران جنگل          | - اتحادیه کارکنان چاپ                 |
| - اتحادیه کارکنان دولت          | - اتحادیه کارکنان تجارتخانه           |
| - اتحادیه کارگران حمل و نقل     | - اتحادیه کارکنان هتل‌ها و رستوران‌ها |
| - اتحادیه کارکنان صنعت چوب      | - اتحادیه صنعت                        |
| - اتحادیه کارگران کشاورزی       | - اتحادیه کارگران شهرداری             |

# شرکت بین المللی ناری

صرافی - سرمایه گذاری - مشاوره

استکهلم - سوئد

\* \* \*

## معاملات ارزی خرید و فروش و انتقال ارز

در سراسر جهان با بهترین نرخ

بمنفع شماست ارز خود را تبدیل نکنید، ما آنرا مطمئن تر، با صرفه تر، بدون هزینه و فوراً برای شما منتقل میکنیم.

قسمت سرمایه گذاری و معاملات ارزی این شرکت زیر نظر دکتر بیژن دبیریان متخصص پول و بانکداری آماده راهنمایی و پاسخگویی به مسایل سرمایه گذاری، پولی و ارزی شماست

پیش از هرگونه اقدام با ما مشورت کنید

تلفن: ۰۸-۷۵۱۷۰۶۰

تلفن رایگان (خارج از استکهلم) ۰۲۰-۴۷۱۹۳۲

تلفن دفتر نمایندگی در مالمو

۰۴۰-۸۲۹۰۸

تلفن دفتر نمایندگی در گوتنبرگ

۰۳۱-۱۳۲۶۱۰

**NARI INTERNATIONAL HB**

Foreign Exchange, Investment & Consulting  
Borgågatan 6, 2-2 164 75 Kista, Stockholm, Sweden

# درسی برای انجمن های "بیطرف"

نامه ضمیمه این یادداشت از طرف جمهوری اسلامی به انجمن ایرانیان اتاوا در کانادا فرستاده شده است. لطفاً برای آگاهی دیگر ایرانیان عزیز سعی در انتشار آن در نشریه خبری خود بکنید. شاید که درسی باشد برای دیگر انجمنها و نهادهای مدعی بیطرفی با جمهوری اسلامی! من خود یکی از اعضای انجمن هستم که دیگر از بس این شارلاتانها با وعده و وعید و گفتن حرفهای دروغ سر ایرانیان را کلاه گذاشتند تصمیم گرفتم یک به یک نامه ها و ارتباطات این انجمن را افشاء کنم. این دیگر تجربهای خواهد بود که انجمنهای مدعی بیطرفی و فراری از سیاست علیه جمهوری اسلامی را تحریم کنیم. انجمن ایرانیان می بایستی تمامی ارتباطات خود را با سفارت جمهوری اسلامی به گوش اعضایش برساند و در غیر اینصورت دیگر نامه های فرستاده شده به انجمن را افشاء خواهم کرد.

یکی از اعضای انجمن ایرانیان اتاوا  
کپی به تمام نشریات در کانادا و خارج از کانادا

هیئت مدیره محترم انجمن ایرانیان اتاوا - کارلتون  
سلام علیکم

فرا رسیدن نوروز سال ۱۳۷۳ و آغاز بهار سبز طبیعت را که به نیکی در توالی عید سعید فطر و بهار دلها و قرآن واقع شده است به حضور شما و تمام هموطنان مقیم اتاوا تبریک و تهنیت گفته و از خداوند متعال سرینندی ایران و ایرانیان را مستلث می نمایم.

فرصت حاصله را مغتنم شمرده و در راستای خدمات و فعالیتهای سفارت جمهوری اسلامی ایران در زمینه های مختلف فرهنگی و اجتماعی اعلام می دارد که در چهارچوب امکانات موجود از هر گونه تلاش و مساعدت در جهت پاسخگویی به نیازهای مختلف جامعه ایرانی فروگذار ننمائیم.

ما باور داریم اکثریت قریب به اتفاق جامعه ایرانیان مقیم کانادا سعی دارند فارغ از هر گونه قیل و قالهای گروهی و جبهه ای به حفظ اصالت های ملی و فرهنگی خود اهتمام ورزیده و بلور از شعارهای پوچ تشکلهای یک یا چند نفره خارج از کشور زندگی عادی و خوبی داشته باشند. این گروه از هموطنان همواره و بدون هیچ مشکلی با نمایندگیهای جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور در تماس بوده و سفارت را به عنوان خانه دوم و پناهگاه دائمی خود به حساب آورده، و از امکانات و تسهیلات موجود برای ارتباط هر چه بیشتر با فرهنگ و خاک پاک ایران بهره مند شده اند. در راستای همین ارتباط بوده اشاره می شود که در سالهای اخیر تعداد مراجعین به نمایندگی افزایش چشمگیری یافته و در مقایسه با سنوات گذشته به میزان ۴۸۳٪ رشد داشته است...



نمونه ای از کار فرهنگی جمهوری اسلامی ایران  
سوزاندن کتاب آیات شیطانیه سلمان رشدی

سفارت جمهوری اسلامی ایران در اتاوا، در راستای خدمات همه جانبه خود به ایرانیان ایرانی سراسر کانادا، با جامعه ایرانیان مقیم اتاوا نیز رابطه تنگاتنگ و نزدیکی داشته و همواره درخواستهای مختلف را با علاقه مورد بررسی قرار داده است.

این نمایندگی تاکنون و در چند نوبت کمکهای نقدی و غیر نقدی خود را از طریق خانم افشاری در اختیار مدرسه فارسی زبان جامعه ایرانی مقیم اتاوا قرار داده است و نیز کمکهای موثری را به گروههای فرهنگی و هنری و نیز علاقمندان به فعالیت در زمینه ارتباط جمعی ارائه نموده است. ما معتقدیم سفارتخانه های جمهوری اسلامی ایران نقش موثری را در توسعه فعالیتهای فرهنگی و اجتماعی ایرانیان مقیم خارج از کشور دارا بوده و می تواند به عنوان حلقه ارتباطی جامعه ایرانیان مقیم خارج از کشور از یکسو و دستگاههای مختلف دولتی و غیر دولتی در داخل از سوی دیگر زمینه های متنوعی را فرا روی همگان قرار دهد...

بخش فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران توضیح همبستگی: کپی اصل سند فوق در آرشیو همبستگی موجود است. سازمانها و تشکلهای و افراد علاقمند می توانند آن را از همبستگی دریافت کنند.

## همبستگی نشریه

فدراسیون سراسری شوراهای پناهندگان و مهاجرین ایرانی  
ماهانه منتشر میشود.

ISSN 1104-0904

سردبیر: فرهاد بنشارت  
مدیر اجرایی: بیژن هدایت  
ستون ادبی: سلیمان قاسمیانی  
صفحه کودکان: سوسن بهار  
ستون پاسخ به نامه ها: منشی فدراسیون: جعفر رسا  
آدرس مستقیم:

HAMBASTEGI  
BOX 240  
126 02 HÄGERSTEN  
SWEDEN

شماره تلفن: ۰۰۴۹-۰۹۰-۲۰۹۸۰۰۹  
(روزهای سه شنبه و چهارشنبه و پنجشنبه، ساعت ۱۵ تا ۱۷، بوقت اروپای مرکزی)  
شماره فاکس: ۰۰۴۹-۰۸-۵۲۰۲۷۵۹

شماره حسابهای بانکی  
در آلمان:

HAMBASTEGI  
KONTO: 95306 - 7  
BLZ: 501900 00  
FRANKFURTER VOLKSBANK  
6000 FRANKFURT 1  
GERMANY

در سوئد:

HAMBASTEGI  
KONTO 146535331  
FÖRSTA SPARBANKEN  
KLARABERGSG. 25  
111 21 STOCKHOLM  
SWEDEN

مسئول انتشار همبستگی و آرمی ها در کشورهای مختلف

اسکاندیناوی

بهرام رحمانی

شماره تلفن/فاکس: ۰۸-۵۳۱۸-۸۱۳  
شماره جیرو پستی: POSTGIRO: 20 09 74-4  
آدرس پستی: IFR  
BOX 9092  
102 72 STOCKHOLM

آلمان

جهان صابری

شماره تلفن ها

تورینتو

ونکوور

شماره فاکس

آدرس پستی:

۴۹۱-۰۰۲۸۱  
۹۸۳-۹۱۱۲  
۴۹۱-۰۰۴۱۶  
HAMBASTEGI  
P.O. BOX 193 STN. Q  
TORONTO ONT. M4T 2M1

آمریکا

محمود احمدی

شماره تلفن/فاکس:

آدرس پستی:

۳۱۰-۰۲۰۷ ۹۶۵۲  
HAMBASTEGL  
P.O. BOX 251272  
LOS ANGELES, CA. 90025

آلمان

فواد درویش

شماره تلفن:

شماره فاکس:

آدرس پستی:

۰۵۶۱) ۷۱۳ ۳۶۵  
(۰۵۶۱) ۱۰۳ ۲۷۸  
L.F.I.R.  
ELFBUCHENSTRASSE 18  
34119 KASSEL

همبستگی در کانادا، آمریکا، آلمان و اسکاندیناوی مجاناً در اختیار همگان است و صرفاً با پرداخت هزینه پستی به هر نقطه از این کشورها ارسال میشود. فروشگاههای توزیع کننده همبستگی میتوانند در ازای هر نسخه معادل یک کرون (یا یک مارک) از مشتریان حق الزحمه دریافت کنند.

بریتانیا ۱۰ پنیس  
اتریش ۱۹ شلینگ  
ترکیه ۵۰۰۰ لیر

در دیگر کشورهای اروپا معادل ۲/۵ مارک آلمان  
در دیگر کشورهای آسیا معادل ۵۰۰۰ لیر ترکیه